

2 3 5 6 5 4

legend of the numbers

افسانهٔ اعداد



نویسنده: بهزاد پوریات

فهرست مطالب

6.....	پیشگفتار
8.....	از باور کورکورانه تا کشف حقیقت
13.....	تبلیغات رسانه ای
14.....	مقدمه فصل
15.....	کانالهای تلگرامی
16.....	سایت معجزات قرآن در اینترنت
18.....	درسهای دانشگاهی
19.....	برنامه های تلویزیونی
20.....	کتابهای در دست چاپ
21.....	رشاد خلیفه مصری
22.....	www.eHolyQuran.com
23.....	اعجاز عددی در کلمات
24.....	مقدمه فصل
25.....	کلمه نماز (صلات)
26.....	کلمه روز (یوم)
33.....	کلمه ساعت
34.....	کلمات دریا و خشکی (بحر و بر)
38.....	کلمات امام و شهر (ماه)

فهرست مطالب

41 کلمات مساوی

42..... مقدمه فصل

43..... کلمات مرگ و زندگی

46..... کلمات مرد و زن

50..... کلمات زکات و برکت

53..... تفاسیر احمقانه مفسرین

56 آیات و سوره ها

57..... مقدمه فصل

58..... تاریخ فتح کره ماه

59..... سوره های زوج و فرد

65..... معجزات سوره حدید

73..... اعجاز عددی عمر نوح

75..... شهرین متتابعین

77..... اعجاز عددی در سوره نحل

79..... ماجرای یازده سپتامبر

85..... ستاره دنباله دار هالی

87 مضربهای ۷ و ۱۹

98..... مقدمه فصل

فهرست مطالب

89.....	مضرب نوزده
101.....	مضرب ۷ در سوره حمد
104.....	مضرب ۳۳
106.....	نتیجه گیری از مطالب فصل
107	اعجاز در آثار شاعران
108.....	مقدمه فصل
109.....	معجزه مضرب ۱۳ در غزل شهریار
131.....	معجزه مضرب ۵ در غزل حافظ
143.....	پیوند اسرارآمیز غزلهای حافظ و شهریار
152.....	معجزه سازی علمی از غزل حافظ و شهریار
153.....	نتیجه گیری از مطالب فصل
156	اشکالات ریاضی در قرآن
157.....	مقدمه فصل
158.....	اشتباه در تقسیم
164.....	اشتباه در جمع دو عدد
166.....	اشتباه در جمع سه عدد
173.....	محکومیت اعجاز عددی از سوی خود مسلمین
174.....	نتیجه گیری از مطالب فصل

تقدیم به

شیفتگان آگاهی و جویندگان حقیقت



نویسنده واقعی این کتابها کسی است که بتواند رمزهای عددی موجود در این کتابها را رمزگشایی کند.

$$359 = 18 + 18 + 18 + 18 + 18 + 18 + 18 + 39 + (11 + 70) = 246$$

پیشگفتار

اسلام دینی است که از در و دیوارش معجزه می بارد. معجزاتی ساختگی و دروغین که توسط دکانداران دین تولید شده و به خورد مردمان ساده دل داده می شوند. شکی نیست که اسلام نامعقول ترین، غیرعلمی ترین و ضد انسانی ترین دین دنیاست ولی سیاستمداران از خدا بی خبرش توانسته اند با تمسک به همین معجزه تراشیها، چهارده قرن آن را سرپا نگهدارند.

چیزی که یک دین پر از ایراد و اشکال، مانند اسلام را سرپا نگهداشته، نیروی عظیم خرافاتی است که قسمت اعظم آن از معجزه پنداری ناشی شده است. یک فرد اگر چیزی را معجزه بداند دیگر، ایرادات علمی آن را هر چقدر هم که بزرگ باشند نخواهد دید و اگر هم ببیند خواهد گفت: اینها که اشکال نیستند. اشکال از ماست که نمی توانیم درستی آنها را درک کنیم، چیزی که معجزه دارد صد در صد از سوی خداوند نازل شده پس هرگز نمی تواند اشکال داشته باشد. آری برای فردی که عینک معجزه به چشم دارد سخن گفتن از اشکالات و تناقضات قرآن، آب در هاون کوبیدن است و هرگز هدایت پذیر نیست مگر اینکه اول دروغین بودن معجزات قرآن برایش اثبات شود و به یقین برسد که قرآن چیزی به نام معجزه ندارد.

معجزاتی که در حوزه اسلام ساخته شده دو دسته اند:

الف: معجزات عملی

معجزات عملی معجزاتی است که به محمد و نوادگانش نسبت داده می شود. ده هزار مورد از آنها فقط مربوط به خود محمد است. علاقمندانی که می خواهند دروغ بودن این معجزات برایشان ثابت شود می توانند به کتابهای ۲۳ سال رسالت (علی دشتی)، از کلینی تا خمینی (شجاع الدین شفا) و استیضاح نبی (بهزاد پوریات) مراجعه کنند.

ب: معجزات کلامی

منظور از معجزات کلامی معجزاتی است که به متن قرآن منتسب می باشند. این معجزات چهار

دسته اند:

۱/معجزات عددی ۲/معجزات علمی ۳/پیشگوییها ۴/فصاحت و بلاغت

در کتابهای «افسانه معجزات قرآن» و «استیضاح نبی» به موردهای دوم، سوم و چهارم به طور مفصل پرداخته شده و حقیر با ارائه ی اسناد و مدارک معتبر علمی، روایی و حتی قرآنی باطل بودن تمامی این ادعاهای معجزه را به اثبات رسانده ام ولی دلایل زیر بنده را وا داشت تا کتابی جداگانه و مخصوص برای معجزات عددی بنگارم:

الف: معجزات عددی پر سرو صداتر از سایر گونه های معجزات کلامی در میان مردم است.

ب: ساختن معجزات عددی برای دکانداران اسلام، بسیار آسان تر از ساختن معجزات علمی، پیشگویی و فصاحت و بلاغت است زیرا تحقیق در مورد درستی یا نادرستی معجزات علمی و ... برای مردم آسان است ولی از میان میلیونها انسان، کمتر کسی این حوصله و انگیزه را پیدا می کند که برای پی بردن به درستی یا نادرستی معجزات عددی، تک تک حروف و کلمات قرآن را بشمارد.

ج: اکثریت مسلمین بدون این که تحقیق کنند وجود معجزات عددی را پذیرفته اند حتی قشرهای تحصیلکرده همچون دانشجویان و فرهنگیان.

آری وقتی که یک استاد دانشگاه، دروغی به این بزرگی را کورکورانه می پذیرد و آن را بعنوان معجزه در وبلاگ خودش تبلیغ می کند باید به حال آن جامعه گریست.

شهریور ۱۳۹۶ شمسی

از باور کور کورانه تا کشف حقیقت

یادم هست وقتی هنوز نوجوان بودیم و مدرسه می رفتیم معلم کلاسمان معجزاتی از قبیل عصا و اژدهای موسی برایمان نقل می کرد و ما دانش آموزان از شنیدن این معجزات شگفت زده می شدیم. روزی یکی از بچه ها پرسید معجزه ی پیامبر اسلام چیست؟ و معلم کلاسمان که جدا از بحث این کتاب انسان شریف و ساده دلی بود، پاسخ داد: معجزه ی پیامبر ما قرآن است. این پاسخ به نوعی مرا به فکر فرو برد. از آن روز به بعد همیشه در اعماق وجود از خودم می پرسیدم مگر می شود یک کتاب معجزه باشد! این سؤال سالها برایم بی جواب مانده بود تا اینکه در اواخر دوره ی دبیرستان و با توجه به فهمی که آن زمان داشتم پاسخش را یافتم.

در قرآن درسی دبیرستان، بخشی بود به نام **اعجاز عددی** که نوشته بود قرآن دارای نوعی اعجاز ریاضی است که نظیرش در هیچ کتاب دیگری وجود ندارد. برای مثال: کلمه «یوم» به معنای روز، ۳۶۵ بار در قرآن آمده و دقیقاً با تعداد روزهای سال برابر می باشد. نیز کلمه «امام» ۱۲ بار، کلمه «ساعت» ۲۴ بار و کلمه شهر (به معنای ماه) ۱۲ بار. تعداد این کلمات همگی با تعداد مصادیقشان در دنیا برابر است و انسان را به شگفتی وا می دارد. همچنین در مورد حروف مقطعه نوشته بود: این حروف در اول ۲۹ سوره آمده است. اگر تعداد هر یک از این حروف را در همان سوره بشماریم عددی به دست می آید که مضربی از مضربهای عدد نوزده خواهد بود. و این موضوع نظر مرا بیشتر به خود جلب می کرد و یقین مرا به معجزه بودن قرآن کاملتر می نمود.

این قبیل احساسات کم کم موجب شده بود من به حفظ قرآن روی بیاورم و ظرف کمتر از دو سال حافظ کل قرآن شوم. تقریباً تمام زندگی ام شده بود حفظ، قرائت و تفسیر قرآن و نشست و برخاست با روحانیون و شخصیت‌های دینی در جامعه. روزی از طرف ارتش، یک برنامه ی سخنرانی برایم ترتیب داده شده بود. حدود هزار نفر در مسجد حضور داشتند و از اینکه می دیدند یک نوجوان سخنران مجلس است متعجب بودند. در همان جلسه مردی را دیدم که از میان جمعیت بلند شد و برای احوالپرسی با من جلو آمد. کمی که دقت کردم دیدم همان معلم

دینی چند سال پیشمان است که شنیدن سخنانش مرا به قرآن و اسلام علاقمند کرده بود. همین معلممان می گفت بشر فقط یک قرن است به کرویت زمین، گردش آن به دور خورشید و وجود نیروی جاذبه در آن پی برده ولی قرآن ۱۴ قرن پیش، از تمام این موضوعات باخبر بوده است. در قرآن زمین به شتر و گهواره تشبیه شده. خاصیت گهواره و شتر حرکت کردن است و این حرف بدین معناست که زمین حرکت می کند. کروی بودن زمین نیز از آیه «ربّ المشارق و المغرب» استنباط می شود. **خدای چندین مشرق و چندین مغرب**. اگر زمین کروی نباشد هرگز نمی تواند چندین مغرب و مشرق داشته باشد. قرآن حتی از وجود نیروی جاذبه نیز آگاه بوده زیرا گفته است: **آسمانها را با ستونهای نامرئی برافراشتیم**. این ستونهای نامرئی همان جاذبه ی زمین و کرات دیگر است که به چشم دیده نمی شوند.

سالها بدین منوال می گذشت و من هر روز در قرآن و عقاید مذهبی پیش می رفتم و مردم نیز مرا به چشم تقدس نگاه می کردند تا آنجا که گاهی می شنیدم در مورد می گویند فلانی با ائمه و امام زمان در ارتباط است خوش به حالش حتماً به مقامات بالای عرفانی رسیده . همین امر موجب شده بود دوستانی خاص از بین مذهبپون پیدا کنم بخصوص یک گروه از دوستان مخصوص که به شدت مرا دوست می داشتند ولی به جهت امنیتی نمی توانم نام شهرشان را فاش کنم. آن روزگار گرچه هنوز نوجوان بودم ولی دین اسلام را واقعاً بر حق می دانستم ولی هر چقدر که بزرگتر می شدم سؤالات کوچکی به ذهنم می رسید که برایم تعجب آور بودند. برای مثال می گفتم حدیثی است که می گوید ازدواج نصف دین است حدیث دیگری نیز می گوید انصاف نصف دین است. اگر کسی ازدواج کند و انصاف هم داشته باشد دینش کامل می شود پس تکلیف نماز و روزه چه خواهد شد؟ این تقریباً اولین سؤالی بود که به ذهنم رسیده بود که جرعه ای شد برای سؤالات بعدی.

آن روزگار با اینکه زبان عربی را بلد بودم ولی هنوز در آیات قرآن دقت امروزی ام را نداشتم برای همین تعصبات دینی ام نمی گذاشت تا از طریق این سؤالات کوچک، به باطل بودن اسلام برسیم. همچنین معجزاتی که دکانداران دین در مورد آیات قرآن به خوردم داده بودند موجب می شد تا بگویم قرآن به یقین کتاب خداست و این سؤالات حتماً پاسخی دارند برای همین

هر جا که فرصت می شد آنها را با شخصیت‌های اسلامی و روحانیون مطرح می کردم ولی چون انسانی کاملاً منطقی بودم جوابهای هیچ یک از آنها نمی توانست مرا قانع کند.

سالها گذشت و من به مرور زمان تناقضاتی بسیار در قرآن دیدم. از طرف دیگر دیدن بدبختی و فلاکت کشورهای مسلمان و پیشرفتهای علمی، اجتماعی و اخلاقی ممالک غیرمسلمان مرا که همیشه به دنبال حقیقت بودم آشفته تر ساخت. از خودم می پرسیدم اگر واقعاً این همه علم؛ از کوانتوم گرفته تا راز ساخت هواپیما، در قرآن وجود دارد، پس چرا صاحبان چنین دینی، این همه بدبخت و عقب مانده اند؟ اینها فقط سؤالاتی بود در ذهن من؛ تا اینکه سفری به اروپا برایم پیش آمد و همه را به چشم یقین دیدم و لمس کردم. در بازگشت از این سفر سرنوشت ساز، تمام تلاش و تحقیق خود را صرف کردم تا پاسخی قانع کننده برای این مسائل بیابم لکن چون دین و قرآن هرگز نتوانست به سؤالات من پاسخ بگوید و عطش حقیقت جویی مرا آرام کند کم کم و با دست و پا زدنهای بسیار، راهم از اعتقادات گذشته جدا شد.

یک دوره حقیقت را ما بین اسلام و بودا دیدم و گفتم شاید حقیقت ترکیبی از این دو تاست ولی باز به این نتیجه رسیدم که اصلاً حقیقتی در اسلام وجود ندارد. خلاصه تقریباً بعد از طی دو سال توانستم اعتقادات دینی را به طور کامل کنار بگذارم و عقلانی و منطقی فکر کنم. بعدها کتاب «۲۳ سال رسالت» آقای دشتی به دستم رسید. با خواندن این کتاب بیشتر افکار خودم را در آن یافتم. خیلی برایم جالب بود در اکثر موارد درست همان استدلالهایی را دیدم که خودم قبلاً به آنها رسیده بودم. البته در برخی موارد نیز این کتاب اطلاعات جدیدی از اشکالات قرآن و تناقضاتش در اختیارم گذاشت که قبلاً نمی دانستم و از خواندن آنها بسیار لذت بردم. مطالعه کتاب ۲۳ سال که تمام شد تقریباً دیگر به یقین رسیدم راهی که انتخاب کرده ام درست است و قرآن از طرف خدا نیامده بلکه ساخته ی دست بشر است. گویی دوباره از نو متولد شده بودم ولی با این وجود سؤالی بود که همیشه مرا آزار می داد.

برخی افراد می گویند اگر قرآن پُر از تناقضات و اشتباهات علمی و منطقی است چرا پس چیزهایی شبیه معجزه در خود دارد؟ این سؤال دقیقاً همان سؤالی است که سالها بود مرا آزار می داد زیرا با وجود یقینی که به ساختگی بودن قرآن داشتم، فکرم را مشغول می کرد و

دوباره به ورطه ی افتادن در تناقض می کشاند. همیشه از خودم می پرسیدم اگر محمد خودش این کتاب را ساخته، ۱۴ قرن پیش از کجا می دانست زمین کروی است؟ این مضرّب ۱۹ را چگونه در قرآن جاسازی کرده؟ چگونه به فکرش رسیده فقط ۳۶۵ بار کلمه ی «یوم» به کار ببرد؟ از کجا می دانست در عصر مدرن، روز و شب به ۲۴ ساعت تقسیم خواهد شد که درست ۲۴ بار کلمه ی «ساعت» بکار برده؟ و معجزات دیگر... آن همه تناقض و اشتباه در قرآن، با این همه نقاط قوت سازگاری ندارند. آیا محمد واقعا معجزه کرده؟؟؟؟؟ یا نه واقعا قرآن کتاب خداست و ما نمی توانیم درک کنیم؟؟؟ اگر کتاب خداست چرا در سوره ی کهف اشتباه کرده و گفته است خورشید در چشمه ای گل آلود فرو می رود!!!! دُم خروشش را باور کنیم یا قسم حضرت عباسش را؟ کدام؟؟؟؟؟ این سؤالات آن قدر شب و روز مرا اذیت می کرد که دائما فکرم مشغول بود. تا اینکه یک روز در کتاب روانشناسی اجتماعی از زبان فرانسویس بیکن مطلبی خواندم که بسیار برایم جالب آمد. نوشته بود:

روزی چند نفر که یک اسب پیششان بود بر سر تعداد دندانهای اسب باهم مجادله می کردند این مجادله آن قدر ادامه پیدا کرد که تبدیل به یک جنگ و دعوا شد. کودکی زیرک جلو آمد و گفت چرا دعوا می کنید؟ گفتند ما می گوییم دندانهای اسب فلان تعداد است اما اینها می گویند نه. آنها حرف ما را قبول ندارند و ما حرف آنها را. کودک گفت خُب این که دیگر دعوا لازم ندارد دهان اسب را باز کنید دندانهایش را بشمارید و ببینید حرف کدام گروه درست است. حاضران با شنیدن حرف کودک دست از جنگ کشیدند و با خود گفتند چرا این حرف بفکر خودمان نرسیده بود؟ کودک گفت چون به تعدادی که می گفتید اعتقاد داشتید بفکرتان نرسیده بود. وگرنه اگر مسأله اعتقادی نبود به فکرتان می رسید.

از خواندن این قصه ی کوتاه، حکیمانه و پرمعنا تلنگری به ذهنم آمد. انگار نیرویی تازه گرفتم و گفتم شمردن کلمات قرآن که کاری ندارد. هر چند قرآن نزدیک هزار صفحه است اما بالأخره اگر حوصله به خرج دهم می شود شمرد. چند ورق کاغذ برداشتم جدولبندی کردم، ردیف عمودی اسم سوره ها را نوشتم و ردیف افقی کلمات را. از اول قرآن شروع کردم به شمارش. سرانجام بعد از چند روز زحمت، شمارش به پایان رسید و با کمال تعجب دیدم هیچ کدام با

تعدادی که در درسهای دوره ی دبیرستان خوانده بودیم یا خودم از تلوزیون و افراد مذهبی شنیده بودم جور در نمی آید. حتی برای محکم کاری پنج بار دوباره از اوّل شمردم ولی هر دفعه همان شد که قبلاً بود.

پس از این کشف، در مورد سایر معجزات قرآن نیز فکر کردم و با کمال تعجب دیدم همگی دروغند. دیگر قلق کار دستم آمده بود و هر معجزه ای که می شنیدم به راحتی می توانستم با دلایل منطقی، علمی و حتی قرآنی محکومش کنم. این شد که تصمیم به نوشتن کتابی بر ضد معجزه سازان با عنوان «افسانه معجزات قرآن» گرفتم. در این کتاب تمامی معجزات خیالی که دکانداران دین در مورد آیات قرآن ساخته و به خورد مردم از جمله خود من داده بودند را با دلایل مختلف محکوم کرده ام. کتاب حاضر یعنی «افسانه اعداد» در واقع یکی از فصلهای «افسانه معجزات قرآن» است ولی به جهت طولانی بودنش مجبور شدم آن را به صورت کتابی مستقل و جدا در بیاورم.

البته چند کتاب دیگر هم نوشته ام که اسامی آنها در صفحه ۵ همین کتاب آمده و علاقمندان می توانند آنها را نیز مطالعه کنند.

فصل اوّل

تلیغات رسانه ای

مقدمه فصل

چنانچه در پیشگفتار این کتاب نیز اشاره کردیم مسلمین علی الخصوص دکانداران اسلام در رسانه ها، کتابها و فضاهای اینترنتی تبلیغات بسیاری در مورد وجود اعجاز عددی در قرآن به راه انداخته اند. در فصلهای بعدی این کتاب دروغ بودن این موضوع را با دلایل محکم و مستدل به اثبات خواهیم رساند ولی قبل از این کار لازم است گوشه هایی از این تبلیغات دروغین و شگردهای عوامفریبانه را نشان بدهیم. فصل حاضر تنها به نشان دادن گوشه هایی از همین تبلیغات دروغین اختصاص دارد.

اعجاز کلمات در قرآن



قرآن کتاب آسمانی مسلمین دارای ظرافت هایی است که ثابت میکند که هم معجزه الهی است و کار هیچ بشری نبوده و هم هیچگاه تحریف نشده است. همانطور که خود خداوند به آن اشاره کرده است. **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (آیه ۹ سوره حجر)؛ همانا ما قرآن را نازل کرده ایم و ما خود نگهبان آنیم.

کلمه (یوم) به معنی روز ۳۶۵ مرتبه و (شهر) به معنی ماه در قرآن ۱۲ بار تکرار شده همچنین کلمه الساعه (ساعت) ۲۴ بار نیز تکرار شده.

دریا ۳۲ بار و زمین ۱۳ بار خشکی = ۴۵ = ۳۲ + ۱۳

دریا = ۷۱/۱۱۱۱۱۱۱۱ % = ۳۲/۴۵ × ۱۰۰

@elmvadin

خشکی = ۲۸/۸۸۸۸۸۸۸۹ % = ۱۳/۴۵ × ۱۰۰

دانش بشری اخیراً اثبات نموده که آب ۷۱/۱۱۱% و کانال علم و دین خشکی ۲۸/۸۸۹% از کره زمین را فراگرفته است.

کلمه تابستان ۵ بار و کلمه زمستان ۵ بار کلمه بهشت ۷۷ بار و کلمه جهنم ۷۷ بار کلمه مجازات ۱۱۷ بار و کلمه آمرزش ۱۱۷ بار کلمه فقر ۱۳ بار و کلمه ثروت ۱۳ بار کلمه مرد ۲۴ بار و کلمه زن ۲۴ بار کلمه زندگی ۱۴۵ بار و کلمه مرگ ۱۴۵ بار کلمه سود ۵۰ بار کلمه زیان ۵۰ بار و سجده ۳۴ بار معادل تعداد سجده ۱۷ رکعت نماز



در قرآن تکرار شده است و جالب است بدانید **پروفسور نوویکوف استاد**

برجسته ریاضیات جهان که در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ فعال ترین

استاد جهان در رشته ریاضی شناخته شده است، علت مسلمان شدن خود را معجزه قرآن دانست.

سایت معجزات قرآن در اینترنت

به سایت معجزات قرآن خوش آمدید.

واقعیات شگفت‌انگیز در مورد قرآن

توجه!!!! در زمان نزول قرآن چرتکه هم وجود نداشته، چه رسد به ماشین حساب، کامپیوتر، ماهواره، تلسکوپ، وسیله پرواز و زیردریایی و اسکنر.

*برابری در قرآن در تمام مسائل دیده می شود:

زندگی / ۱۴۵	مرگ / ۱۴۵
مصیبت / ۷۵	شکر / ۷۵
صدقه / ۷۳	رضایت / ۷۳
طلا / ۸	زندگی راحت / ۸
زکات / ۳۲	برکت / ۳۲
زبان / ۲۵	موعظه / ۲۵
دنیا / ۱۱۵	آخرت / ۱۱۵
سختی / ۱۱۴	صبر / ۱۱۴
ملت (مردم) / ۵۰	پیامبران / ۵۰
ملائک / ۸۸	شیطان / ۸۸
آرزو / ۸	ترس / ۸
ذهن / ۴۹	نور / ۴۹
جادو / ۶۰	فتنه / ۶۰
جهاد / ۴۱	مسلمین / ۴۱

*همچنین جالب است نگاهی به دفعات تکرار کلمات در قرآن داشته باشیم.

نماز ۵ بار، ماه ۱۲ بار، روز ۳۶۵ بار، ساعت ۲۴ بار

هر سال ۳۶۵ روز دارد.

هر شبانه روز ۲۴ ساعت است.

مسلمان در هر روز ۵ بار نماز می خواند. (صبح، ظهر، عصر، مغرب، عشاء) هر سال ۱۲ ماه دارد.

*کلمه دریا ۳۲ بار و زمین ۱۳ بار در قرآن ذکر شده.

دریا + خشکی (۴۵بار)

$$\text{نسبت دریا} = 71/11 = 32 \div 45 \times 100$$

$$\text{نسبت خشکی} = 28/89 = 13 \div 45 \times 100$$

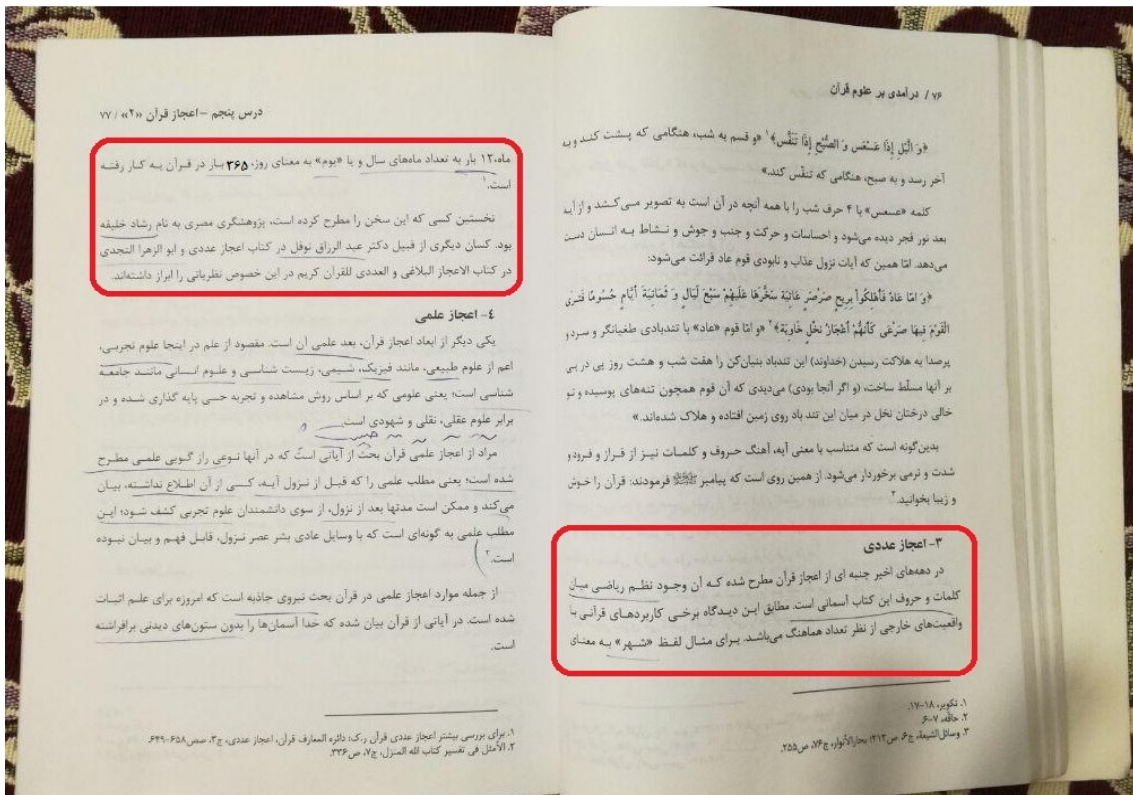
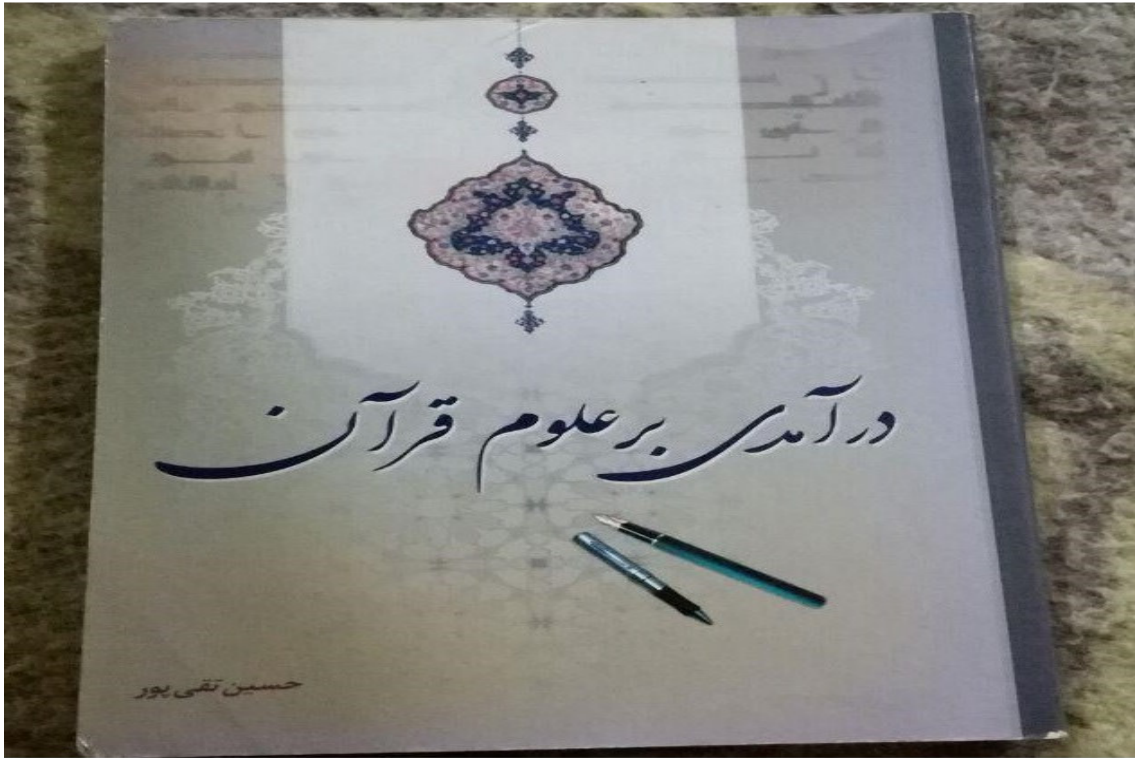
دانش بشری اخیراً اثبات نموده آب ۷۱/۱۱٪ و خشکی ۲۸/۸۹٪ از کره زمین را فراگرفته است.

آیا همه اینها اتفاقی است؟؟؟

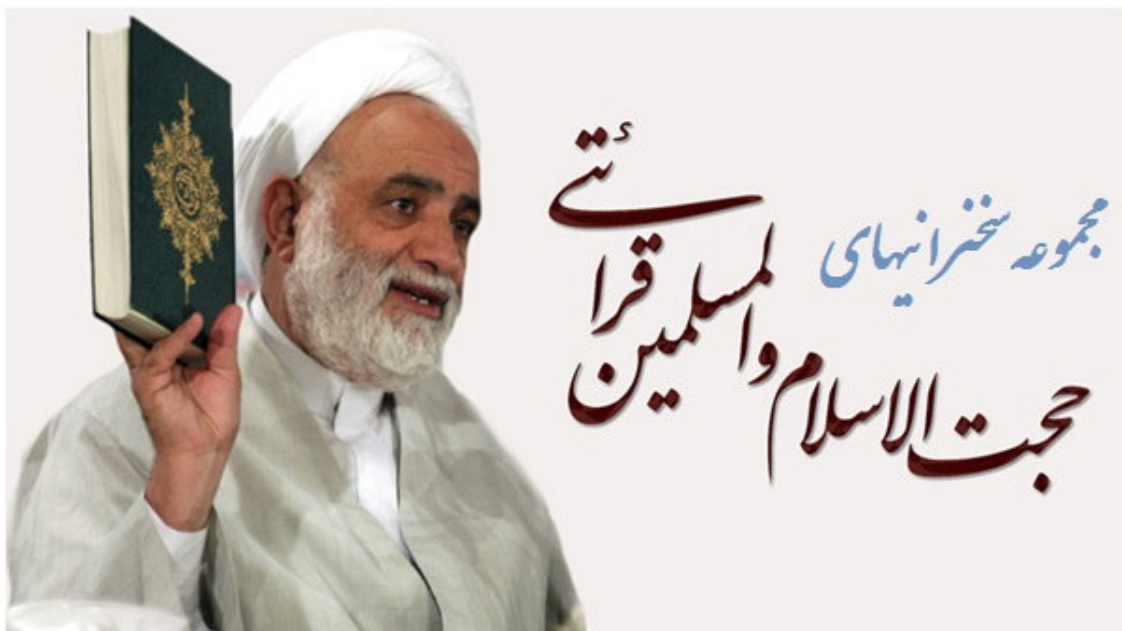
تا اینجا کافی نبود؟؟؟ قانع نشدید؟

*از سوره قمر تا آخر قرآن ۱۳۸۹ آیه وجود دارد و سال ۱۳۸۹ قمری برابر ۱۹۶۹ میلادی تاریخ فتح ماه توسط بشر است.

درسهای دانشگاه



برنامه های تلویزیونی



قرآن کتاب خداست. همه چیز این کتاب روی حساب و کتاب است. کلمه یوم به معنای روز ۳۶۵ بار در قرآن ذکر شده درست به تعداد روزهای سال. کلمه برکت و کلمه زکات هر دو به تعداد مساوی در قرآن آمده. این یعنی دادن زکات موجب برکت است. و هزاران معجزه دیگر.

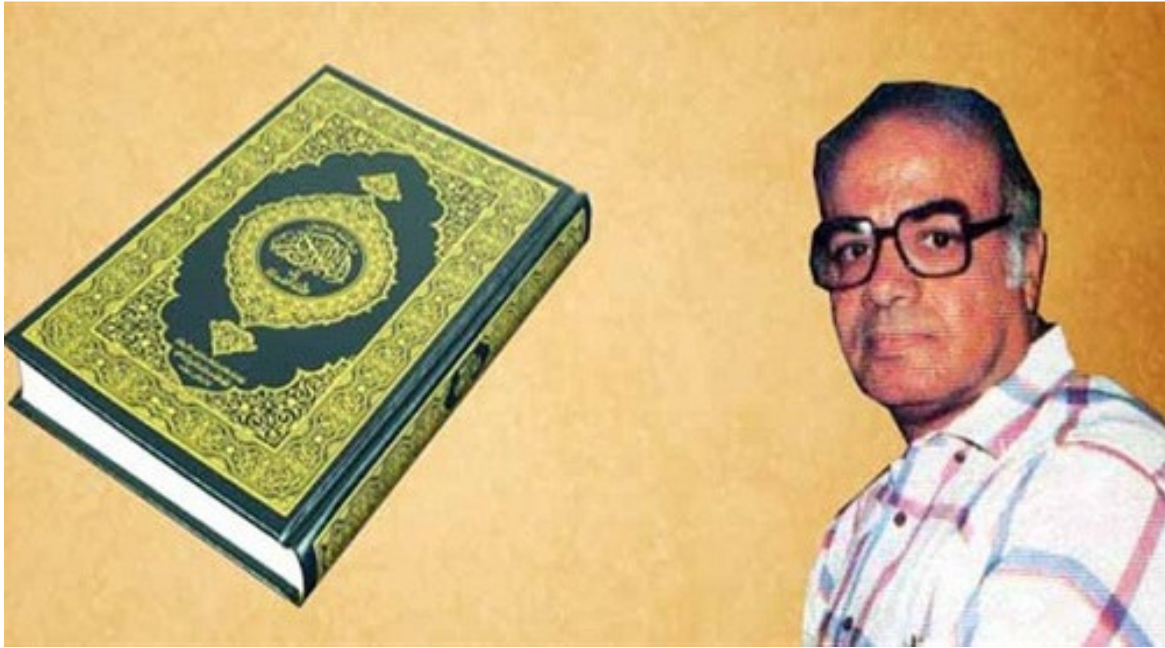
کتابهای در دست چاپ



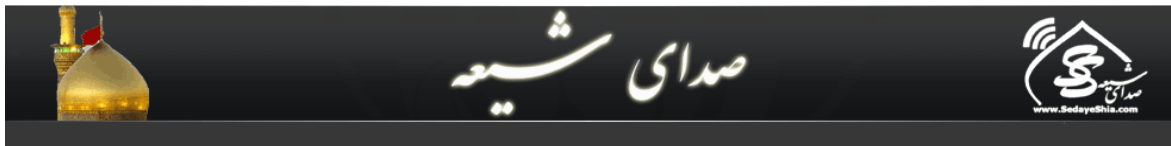
"مهندسی آیات الهی" عنوان کتابی علمی _ تحقیقاتی اثر فریبرز رازقی است که از دو سال پیش تاکنون در پژوهشکده تخصصی اعجاز دانشگاه شهید بهشتی در دست مطالعه و بررسی است. و در قالب ارائه پاور پوینت و پوستر و ارائه دفاعیه علمی و شرکت در دومین فراخوان سراسری اعجاز، به موفقیت‌هایی هم دست یافته است.

همچنین تحت همین عنوان ، کتابی ۵۰۰ صفحه ای در قطع رحلی از سوی اداره چاپ و نشر وزارت ارشاد اسلامی در تیر ماه سال ۹۳ موفق به اخذ مجوز چاپ و نشر گردیده است که بنا به دلایل مختلف و متنوعی من الجمله مسائل مالی و نیز ضرورت اجتناب ناپذیر اعمال اصلاحات اساسی و تغییرات بنیادین و به کارگیری آخرین اکتشافات و یافته های علمی، از چاپ آن منصرف گردیده و این بار مجموعه اکتشافاتی مذکور طی دوره ای دو جلدی ، در قطع وزیری تحت عنوان "آرایش متعالی اعداد" مجددا جهت اخذ مجوز به اداره چاپ و نشر کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال گردید. اخیراً هم برای دومین بار موفق به اخذ برگه مجوز چاپ (به همراه اصلاحیه) گردیده است.

رشاد خلیفه مصری



کلمات، حروف، آیات و سوره های قرآن به طرزی عجیب با عدد ۱۹ و مضربهای آن گره خورده است.



مقاله قرآن و کامپیوتر توسط دکتر «رشاد خلیفه» نوشته شده که دارای درجه دکترا (Ph.D) از دانشگاه آریزونای آمریکاست؛ او با الهام از آیه ۱۱ تا ۳۱ سوره مدثر به این نتیجه رسیده که عدد نوزده کلید رمز اعجاز آمیز بودن قرآن است.

معجزه ریاضی قرآن

در برخی سوره های قرآن معجزه ضرب ۷ وجود دارد. آیا فکر می کنید این روابط ریاضی به صورت تصادفی اتفاق افتاده اند؟؟
خیلی بی انصافید.

هر فرد منصفی با خواندن این معجزات ایمان می آورد که قرآن کلام خداست چه رسد به افرادی که مسلمان هستند.

فصل دوّم

اعجاز عددی در کلمات

مقدمه فصل

اعجازی عددی که برای کلمات در قرآن ادعا می شود دو گونه است:

اولی آن دسته از کلماتی است که در عالم خارج، دارای تعدادی مشخصند. برای مثال یک سال ۱۲ ماه و ۳۶۵ روز دارد. دکانداران اسلام مدعی هستند تعداد تکرار هر کلمه در قرآن مساوی است با تعداد مصداقهای خودش در عالم خارج و این یک معجزه است. معجزه ای منحصر به فرد برای قرآن. (تعداد کلمات برابر با تعداد مصداق)

دومی آن دسته از کلماتی است که تعدادشان با تعداد یک کلمه ی دیگر به صورت مساوی تکرار شده است. مثل آخرت ۱۱۵ دنیا ۱۱۵

در فصل حاضر دسته اول را بررسی می کنیم و در فصل بعدی این کتاب، دسته دوم را بررسی خواهیم کرد. با مطالعه ی این دو فصل، صحت و سقم قضیه مشخص خواهد شد.

کلمه نماز

معجزه: کلمه نماز (صلوات) ۵ بار در قرآن آمده به تعداد نمازهای ۵ گانه

این کلمه بیش از ۷۸ بار در قرآن ذکر شده. ۱۰ مورد آن را در زیر مشاهده می کنید:

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤٤ طه﴾

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ﴿٥﴾

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةَ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةَ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿٧٣ انبیا﴾

رَجَالَ لَا تُلْهِبُهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةَ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿نور ٣٧﴾

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿مائده ٩١﴾

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥ عنكبوت﴾

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿حج ٤١﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ بِالصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿جمعه ١٠﴾

کلمه روز

معجزه: کلمه یوم (روز) ۳۶۵ بار در قرآن آمده به تعداد روزهای سال.

این کلمه ۳۷۴ بار در قرآن آمده است. اگر تعداد کلمات یومین، ایام و یومئذ نیز به این لیست افزوده شود تعداد به ۴۷۲ خواهد رسید. لطفا جدولهای زیر را حتما با خود قرآن تطبیق دهید تا دروغ بودن ادعای این معجزه سازان را بچشم خود ببینید.

ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ	حمد ۴	۲	أَمَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	بقره ۸
۳	وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْرِي	بقره ۴۸	۴	أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	بقره ۶۲
۵	الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ	بقره ۸۵	۶	بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	بقره ۱۱۳
۷	وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْرِي	بقره ۱۲۳	۸	بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	بقره ۱۲۶
۹	وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	بقره ۱۷۴	۱۰	أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	بقره ۱۷۷
۱۱	اتَّقُوا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	بقره ۲۱۲	۱۲	يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	بقره ۲۲۸
۱۳	يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	بقره ۲۳۲	۱۴	لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ	بقره ۲۴۹
۱۵	يَأْتِي يَوْمًا لَا بَيْعَ فِيهِ	بقره ۲۵۴	۱۶	كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا	بقره ۲۵۹
۱۷	أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ	بقره ۲۵۹	۱۸	وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	بقره ۲۶۴
۱۹	وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ	بقره ۲۸۱	۲۰	لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ	آل عمران ۹
۲۱	فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ	آل عمران ۲۵	۲۲	يَوْمَ نَجْدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا	آل عمران ۳۰
۲۳	كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	آل عمران ۵۵	۲۴	إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا	آل عمران ۷۷
۲۵	يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ	آل عمران ۱۰۶	۲۶	يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	آل عمران ۱۱۴
۲۷	مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ	آل عمران ۱۵۵	۲۸	يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	آل عمران ۱۶۱
۲۹	وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقَى	آل عمران ۱۶۶	۳۰	مَا يَخْلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	آل عمران ۱۸۰
۳۱	تُوقَفُونَ أَجْرَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	آل عمران ۱۸۵	۳۲	وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ	آل عمران ۱۹۴
۳۳	بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ	نساء ۳۸	۳۴	آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	نساء ۳۹
۳۵	تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	نساء ۵۹	۳۶	لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	نساء ۸۷
۳۷	عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ	نساء ۱۰۹	۳۸	وَكُتِبَ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	نساء ۱۳۶

٣٩	يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	نساء ١٤١	٤٠	وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ	نساء ١٥٩
٤١	وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	نساء ١٦٢	٤٢	الْيَوْمَ يَكْفُرُ الَّذِينَ كَفَرُوا	مائده ٣
٤٣	الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ	مائده ٣	٤٤	الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ	مائده ٥
٤٥	وَالْبَعْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	مائده ١٤	٤٦	مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ	مائده ٣٦
٤٧	وَالْبَعْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	مائده ٦٤	٤٨	أَمَنْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	مائده ٦٩
٤٩	هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ	مائده ١١٩	٥٠	لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	انعام ١٢
٥١	رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	انعام ١٥	٥٢	وَيَوْمَ نَخْشِرُهُمْ جَمِيعًا	انعام ٢٢
٥٣	وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ	انعام ٧٣	٥٤	وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ	انعام ٧٣
٥٥	الْيَوْمَ بُحْرُونَ عَذَابَ الْهُونِ	انعام ٩٣	٥٦	وَيَوْمَ يَخْشِرُهُمْ جَمِيعًا	انعام ١٢٨
٥٧	وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ	انعام ١٣٠	٥٨	وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ	انعام ١٤١
٥٩	يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ	انعام ١٥٨	٦٠	أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ	اعراف ١٤
٦١	خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ	اعراف ٣٢	٦٢	فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا	اعراف ٥١
٦٣	نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا	اعراف ٥١	٦٤	يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ	اعراف ٥٣
٦٥	عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	اعراف ٥٩	٦٦	حِينَاتُهُمْ يَوْمَ سَنَبْتِهِمْ	اعراف ١٦٣
٦٧	وَيَوْمَ لَا يَسْتَيْتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ	اعراف ١٦٣	٦٨	عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	اعراف ١٦٧
٦٩	أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ	اعراف ١٧٢	٧٠	عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ	انفال ٤١
٧١	يَوْمَ اتَّقَى الْجُمُعَانَ وَاللَّهُ	انفال ٤١	٧٢	لَا غَالِبَ لَكُمْ أَلْيَوْمَ مِنْ	انفال ٤٨
٧٣	إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ	توبه ٣	٧٤	مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	توبه ١٨
٧٥	أَمَنْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	توبه ١٩	٧٦	وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ	توبه ٢٥
٧٧	بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ	توبه ٢٩	٧٨	يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ	توبه ٣٥
٧٩	يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ	توبه ٣٦	٨٠	يَوْمَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	توبه ٤٤
٨١	لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	توبه ٤٥	٨٢	فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ	توبه ٧٧
٨٣	مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	توبه ٩٩	٨٤	عَلَى الثَّقَوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ	توبه ١٠٨
٨٥	رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ	يونس ١٥	٨٦	وَيَوْمَ نَخْشِرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ	يونس ٢٨
٨٧	وَيَوْمَ يَخْشِرُهُمْ كَأَنْ لَمْ	يونس ٤٥	٨٨	يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَدُو	يونس ٦٠
٨٩	فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ	يونس ٩٢	٩٠	يَقْضَى بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	يونس ٩٣
٩١	عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ	هود ٣	٩٢	يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا	هود ٨
٩٣	عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ	هود ٢٦	٩٤	لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ	هود ٤٣

٩٥	وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا	٩٥	وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ	هود ٧٧
٩٧	عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ	٩٨	يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	هود ٩٨
٩٩	وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرَّفْدُ	١٠٠	ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ	هود ١٠٣
١٠١	وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ	١٠٢	يَوْمٌ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ	هود ١٠٥
١٠٣	إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ	١٠٤	لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ	يوسف ٩٢
١٠٥	فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ	١٠٦	مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ	ابراهيم ٣١
١٠٧	يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ	١٠٨	إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ	ابراهيم ٤٢
١٠٩	وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمْ	١١٠	يَوْمٌ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ	ابراهيم ٤٨
١١١	اللَّغْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	١١٢	فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ	حجر ٣٦
١١٣	إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ	١١٤	كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ	نحل ٢٥
١١٥	ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِبُهُمْ	١١٦	إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ	نحل ٢٧
١١٧	فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَهُمْ	١١٨	تَسْتَحِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ	نحل ٨٠
١١٩	وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا	١٢٠	وَيَوْمَ نَبَعْتُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ	نحل ٨٤
١٢١	وَيَوْمَ نَبَعْتُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ	١٢٢	وَلْيَسِّرَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	نحل ٩٢
١٢٣	يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ بِجَادِلٍ	١٢٤	لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	نحل ١٢٤
١٢٥	وَيُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	١٢٦	كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ	اسرى ١٤
١٢٧	يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ	١٢٨	مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ	اسرى ٥٨
١٢٩	أُخْرَتِنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	١٣٠	يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ	اسرى ٧١
١٣١	وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ	١٣٢	كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا	كهف ١٩
١٣٣	أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ	١٣٤	وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ	كهف ٤٧
١٣٥	وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ	١٣٦	فَلَا نَقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	كهف ١٠٥
١٣٧	وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ	١٣٨	وَيَوْمَ يَمُوتُ	مریم ١٥
١٣٩	وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا	١٤٠	فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ أَنْسِيًّا	مریم ٢٦
١٤١	وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ	١٤٢	وَيَوْمَ أَمُوتُ	مریم ٣٣
١٤٣	وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا	١٤٤	مِنْ مَشْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ	مریم ٣٧
١٤٥	وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا	١٤٦	الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ	مریم ٣٨
١٤٧	وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ	١٤٨	يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَفِينِ إِلَىٰ	مریم ٨٥
١٤٩	آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا	١٥٠	قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ	طه ٥٩

١٥١	أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى	طه ٦٤	١٥٢	يَحْمِلُ الْيَوْمَ الْقِيَامَةَ وِزْرًا	طه ١٠٠
١٥٣	لَهُمْ الْيَوْمَ الْقِيَامَةَ جَمَلًا	طه ١٠١	١٥٤	يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ	طه ١٠٢
١٥٥	طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا	طه ١٠٤	١٥٦	وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى	طه ١٢٤
١٥٧	وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى	طه ١٢٦	١٥٨	لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ	انبيا ٤٧
١٥٩	هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ	انبيا ١٠٣	١٦٠	يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ	انبيا ١٠٤
١٦١	يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهَلُ كُلُّ	حج ٢	١٦٢	وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ	حج ٩
١٦٣	يُفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	حج ١٧	١٦٤	وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ	حج ٤٧
١٦٥	يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ عَقِيمٍ	حج ٥٥	١٦٦	يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	حج ٦٩
١٦٧	ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	مومنون ١٦	١٦٨	لَا تَحْأُورُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ	مومنون ٦٥
١٦٩	بَرْزَخٍ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ	مومنون ١٠٠	١٧٠	إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا	مومنون ١١١
١٧١	قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا	مومنون ١١٣	١٧٢	أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ	مومنون ١١٣
١٧٣	تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	نور ٢	١٧٤	يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ	نور ٢٤
١٧٥	يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ	نور ٣٧	١٧٦	وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ	نور ٦٤
١٧٧	لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ بُورًا	فرقان ١٤	١٧٨	وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ	فرقان ١٧
١٧٩	يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى	فرقان ٢٢	١٨٠	وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ	فرقان ٢٥
١٨١	وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ	فرقان ٢٦	١٨٢	وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ	فرقان ٢٧
١٨٣	لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	فرقان ٦٩	١٨٤	لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ	شعرا ٣٨
١٨٥	لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ	شعرا ٨٢	١٨٦	وَلَا تُحْزِنُنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ	شعرا ٨٧
١٨٧	يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ	شعرا ٨٨	١٨٨	عَلَيْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ	شعرا ١٣٥
١٨٩	وَلَكُمْ شَرِبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ	شعرا ١٥٥	١٩٠	فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ	شعرا ١٥٦
١٩١	فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ الظُّلَّةِ	شعرا ١٨٩	١٩٢	كَانَ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ	شعرا ١٨٩
١٩٣	وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ	نمل ٨٣	١٩٤	وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ	نمل ٨٧
١٩٥	وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ	قصص ٤١	١٩٦	لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ	قصص ٤٢
١٩٧	يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ	قصص ٦١	١٩٨	وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ	قصص ٦٢
١٩٩	وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا	قصص ٦٥	٢٠٠	سَرِمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	قصص ٧١
٢٠١	سَرِمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	قصص ٧٢	٢٠٢	وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ	قصص ٧٤
٢٠٣	وَلَيْسَأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا	عنكبوت ١٣	٢٠٤	ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُكْفَرُ	عنكبوت ٢٥
٢٠٥	وَأَرْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا	عنكبوت ٣٦	٢٠٦	يَوْمَ يَعْسَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ	عنكبوت ٥٥

٢٠٧	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ	روم ١٢	٢٠٨	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُ	روم ١٤
٢٠٩	يَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ	روم ٤٣	٢١٠	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ	روم ٥٥
٢١١	كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ	روم ٥٦	٢١٢	فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ	روم ٥٦
٢١٣	وَاحْشُوا يَوْمًا لَا يُجْزَى وَالِدٌ	لقمان ٣٣	٢١٤	فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ	سجده ٥
٢١٥	بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا	سجده ١٤	٢١٦	يُفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	سجده ٢٥
٢١٧	قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ	سجده ٢٩	٢١٨	يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ	احزاب ٢١
٢١٩	تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ	احزاب ٤٤	٢٢٠	يَوْمَ نُقَلِّبُ وُجُوهَهُمْ فِي	احزاب ٦٦
٢٢١	قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا	سباء ٣٠	٢٢٢	وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ	سباء ٤٠
٢٢٣	فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ	سباء ٤٢	٢٢٤	وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ	فاطر ١٤
٢٢٥	فَالْيَوْمَ لَا تَظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا	يس ٥٤	٢٢٦	إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ	يس ٥٥
٢٢٧	وَامْتَارُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا	يس ٥٩	٢٢٨	اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ	يس ٦٤
٢٢٩	الْيَوْمَ نُخْضِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ	يس ٦٥	٢٣٠	يَا وَيَلْنَا هَذَا يَوْمَ الدِّينِ	صافات ٢٠
٢٣١	هَذَا يَوْمَ الْفَصْلِ الَّذِي	صافات ٢١	٢٣٢	بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ	صافات ٢٦
٢٣٣	لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمٍ	صافات ١٤٤	٢٣٤	قَطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ	ص ١٦
٢٣٥	بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ	ص ٢٦	٢٣٦	هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمٍ	ص ٥٣
٢٣٧	وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعَنَتِي إِلَى يَوْمٍ	ص ٧٨	٢٣٨	قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ	ص ٧٩
٢٣٩	إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ	ص ٨١	٢٤٠	رَبِّي عَذَابِ يَوْمٍ عَظِيمٍ	زمر ١٣
٢٤١	وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا	زمر ١٥	٢٤٢	سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	زمر ٢٤
٢٤٣	ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ	زمر ٣١	٢٤٤	مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	زمر ٤٧
٢٤٥	وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ	زمر ٦٠	٢٤٦	جَمِيعًا قَبَضَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	زمر ٦٧
٢٤٧	وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا	زمر ٧١	٢٤٨	عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ	غافر ١٥
٢٤٩	يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى	غافر ١٦	٢٥٠	الْمَلِكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ	غافر ١٦
٢٥١	الْيَوْمَ يُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا	غافر ١٧	٢٥٢	لَا ظَلَمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ	غافر ١٧
٢٥٣	وَأَنْذَرْتَهُمْ يَوْمَ الْأَرْفَةِ إِذْ	غافر ١٨	٢٥٤	لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ	غافر ٢٧
٢٥٥	يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمَلِكُ الْيَوْمَ	غافر ٢٩	٢٥٦	عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ	غافر ٣٠
٢٥٧	أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ	غافر ٣٢	٢٥٨	يَوْمَ تُولُونَ مُدْبِرِينَ مَا	غافر ٣٣
٢٥٩	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا	غافر ٤٦	٢٦٠	يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ	غافر ٤٩
٢٦١	وَيَوْمَ يَمُوتُ الْأَشْهَادُ	غافر ٥١	٢٦٢	يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ	غافر ٥٢

٢٦٣	وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى	فصلت ١٩	٢٦٤	أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ	فصلت ٤٠
٢٦٥	وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْرَنُ شُرَكَائِي	فصلت ٤٧	٢٦٦	وَتُنَادِرُ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَبَّ	شورى ٧
٢٦٧	وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا	شورى ٤٥	٢٦٨	يَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ	شورى ٤٧
٢٦٩	وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ	زخرف ٣٩	٢٧٠	مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ	زخرف ٦٥
٢٧١	عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ	زخرف ٦٨	٢٧٢	يَلَاؤُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ	زخرف ٨٣
٢٧٣	يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ	دخان ١٠	٢٧٤	يَوْمَ تَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى	دخان ١٦
٢٧٥	إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ مِيقَاتُهُمْ	دخان ٤٠	٢٧٦	يَوْمَ لَا يُعْنِي مَوْتَى عَنْ مَوْتَى	دخان ٤١
٢٧٧	يَقْضَى بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	جاثية ١٧	٢٧٨	ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	جاثية ٢٦
٢٧٩	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُونَ	جاثية ٢٧	٢٨٠	الْيَوْمَ تُحْزَنُونَ مَا كُنْتُمْ	جاثية ٢٨
٢٨١	وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا	جاثية ٣٤	٢٨٢	نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا	جاثية ٣٤
٢٨٣	فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا	جاثية ٣٥	٢٨٤	يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ	احقاف ٥
٢٨٥	وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا	احقاف ٢٠	٢٨٦	فَالْيَوْمَ تُحْزَنُونَ عَذَابَ الْهُونِ	احقاف ٢٠
٢٨٧	عَلَيْكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٍ	احقاف ٢١	٢٨٨	وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا	احقاف ٣٤
٢٨٩	كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ	احقاف ٣٥	٢٩٠	ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ	ق ٢٠
٢٩١	فَبَصُرَكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ	ق ٢٢	٢٩٢	يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ	ق ٣٠
٢٩٣	بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُلُودِ	ق ٣٤	٢٩٤	وَأَسْتَمِعُ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ	ق ٤١
٢٩٥	يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ	ق ٤٢	٢٩٦	ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ	ق ٤٢
٢٩٧	يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ	ق ٤٤	٢٩٨	يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ	ذاريات ١٢
٢٩٩	يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ	ذاريات ١٣	٣٠٠	مَنْ يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ	ذاريات ٦٠
٣٠١	يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا	طور ٩	٣٠٢	يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ	طور ١٣
٣٠٣	يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ	طور ٤٥	٣٠٤	يَوْمَ لَا يُعْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ	طور ٤٦
٣٠٥	فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُو الدَّاعِ	قمر ٦	٣٠٦	يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِرٌ	قمر ٨
٣٠٧	فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ	قمر ١٩	٣٠٨	يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى	قمر ٤٨
٣٠٩	كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ	رحمن ٢٩	٣١٠	إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ	واقعه ٥٠
٣١١	هَذَا نُزُّهُمْ يَوْمَ الدِّينِ	واقعه ٥٦	٣١٢	يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ	حديد ١٢
٣١٣	بُشْرَاكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي	حديد ١٢	٣١٤	يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ	حديد ١٣
٣١٥	فَالْيَوْمَ لَا يُؤَخِّدُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ	حديد ١٥	٣١٦	يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا	مجادله ٦
٣١٧	بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ	مجادله ٧	٣١٨	يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا	مجادله ١٨

٣٢٠	يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ	ممتحنه ٣	٣١٩	يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	مجادله ٢٢
٣٢٢	تُودَىٰ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ	جمعه ٩	٣٢١	يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ	ممتحنه ٦
٣٢٤	لِيَوْمِ الْجُمُعِ	تغابن ٩	٣٢٣	يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ	تغابن ٩
٣٢٦	يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ	طلاق ٢	٣٢٥	ذَلِكَ يَوْمَ التَّعَابِينِ	تغابن ٩
٣٢٨	يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ	تحريم ٨	٣٢٧	لَا تَعْتَدِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُخْزَوْنَ	تحريم ٧
٣٣٠	عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ	قلم ٣٩	٣٢٩	أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ	قلم ٢٤
٣٣٢	فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَا هُنَا	حاقه ٣٥	٣٣١	يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ	قلم ٤٢
٣٣٤	يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ	معارج ٨	٣٣٣	فِي يَوْمٍ كَانَ مِقدَارُهُ خَمْسِينَ	معارج ٤
٣٣٦	يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ	معارج ٤٢	٣٣٥	وَالَّذِينَ يُصَادِقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ	معارج ٢٦
٣٣٨	ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا	معارج ٤٤	٣٣٧	يَوْمَ يُخْرَجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ	معارج ٤٣
٣٤٠	يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا	مزمل ١٧	٣٣٩	يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ	مزمل ١٤
٣٤٢	وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ	مدثر ٤٦	٣٤١	فَذَلِكِ يَوْمِئِذٍ يَوْمَ عَسِيرٍ	مدثر ٩
٣٤٤	يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	قيامت ٦	٣٤٣	لَا أَقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ	قيامت ١
٣٤٦	يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا	انسان ١٠	٣٤٥	وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ	انسان ٧
٣٤٨	وَيَذَرُونَ رِزْقَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا	انسان ٢٧	٣٤٧	فَوْقَاهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ	انسان ١١
٣٥٠	لِيَوْمِ الْفَصْلِ	مرسلات ١٣	٣٤٩	لَأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ	مرسلات ١٢
٣٥٢	هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ	مرسلات ٣٥	٣٥١	وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفَصْلِ	مرسلات ١٤
٣٥٤	إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا	نباء ١٧	٣٥٣	هَذَا يَوْمَ الْفَصْلِ جَمْعَانَاكُمْ	مرسلات ٣٨
٣٥٦	يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ	نباء ٣٨	٣٥٥	يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ	نباء ١٨
٣٥٨	يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ	نباء ٤٠	٣٥٧	ذَلِكَ الْيَوْمَ الْحَقُّ فَمَنْ	نباء ٣٩
٣٦٠	يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ	نازعات ٣٥	٣٥٩	يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ	نازعات ٦
٣٦٢	يَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَحِيهِ	عبس ٣٤	٣٦١	كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ	نازعات ٤٦
٣٦٤	وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ	انفطار ١٧	٣٦٣	يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ	انفطار ١٥
٣٦٦	يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ	انفطار ١٩	٣٦٥	ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمٌ	انفطار ١٨
٣٦٨	يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ	مطففين ٦	٣٦٧	لِيَوْمٍ عَظِيمٍ	مطففين ٥
٣٧٠	فَالْيَوْمِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ	مطففين ٣٤	٣٦٩	الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ	مطففين ١١
٣٧٢	يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ	طارق ٩	٣٧١	وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ	بروج ٢
٣٧٤	يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ	قارعه ٤	٣٧٣	فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ	بلد ١٤

کلمه ساعت

معجزه: کلمه ساعت ۲۴ بار در قرآن ذکر شده به تعداد ۲۴ ساعت شبانه روز.

تعداد این کلمه چنانچه در جدول می بینید ۴۷ بار است.

ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً	انعام ۳۱	۲۵	مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ	روم ۵۵
۲	أَوْ أَنْتَكُمُ السَّاعَةُ أَغْبِرَ اللَّهُ	انعام ۴۰	۲۶	عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ	لقمان ۳۴
۳	أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْجِرُونَ سَاعَةً	اعراف ۳۴	۲۷	النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ	احزاب ۶۳
۴	يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ	اعراف ۱۸۷	۲۸	وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ	احزاب ۶۳
۵	اتَّبِعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ	توبه ۱۱۷	۲۹	كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ	سباء ۳
۶	لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً	يونس ۴۵	۳۰	لَا تَسْتَأْجِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً	سباء ۳۰
۷	أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْجِرُونَ سَاعَةً	يونس ۴۹	۳۱	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا	غافر ۴۶
۸	أَوْ تَأْتِيهِمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً	يوسف ۱۰۷	۳۲	إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ	غافر ۵۹
۹	وَأَنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ	حجر ۸۵	۳۳	إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ	فصلت ۴۷
۱۰	أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْجِرُونَ سَاعَةً	نحل ۶۱	۳۴	وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً	فصلت ۵۰
۱۱	وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلِمَحٍ	نحل ۷۷	۳۵	وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ	شوری ۱۷
۱۲	وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا	کهف ۳۱	۳۶	الَّذِينَ يُجَارُونَ فِي السَّاعَةِ	شوری ۱۸
۱۳	وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً	کهف ۳۶	۳۷	وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلسَّاعَةِ	زخرف ۶۱
۱۴	إِنَّمَا الْعَذَابُ وَآمِنَا السَّاعَةَ	مریم ۷۵	۳۸	هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ	زخرف ۶۶
۱۵	إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ	طه ۱۵	۳۹	وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ	زخرف ۸۵
۱۶	وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ	انبیا ۴۹	۴۰	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ	جاثیه ۲۷
۱۷	إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ	حج ۱	۴۱	وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ	جاثیه ۳۲
۱۸	وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ	حج ۷	۴۲	قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ	جاثیه ۳۲
۱۹	حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً	حج ۵۵	۴۳	لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً	احقاف ۳۵
۲۰	بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ	فرقان ۱۱	۴۴	فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ	محمد ۱۸
۲۱	لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا	فرقان ۱۱	۴۵	اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ	قمر ۱
۲۲	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ	روم ۱۲	۴۶	بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ	قمر ۴۶
۲۳	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُ	روم ۱۴	۴۷	وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرٌ	قمر ۴۶
۲۴	وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْسِفُ	روم ۵۵	جمع کل: ۴۷ بار		

کلمات دریا و خشکی

معجزه: دریا ۳۲ بار و خشکی ۱۳ بار در قرآن ذکر شده.

دریا + خشکی (۴۵ بار)

نسبت دریا $32 \div 45 \times 100 = 71/11$

نسبت خشکی $13 \div 45 \times 100 = 28/89$

دانش بشری اخیراً اثبات نموده آب $71/11\%$ و خشکی $28/89\%$ از کره زمین را فرا گرفته است.



دریاها ۷۱٪

خشکیها ۲۹٪



ظاهر مطلب بسیار زیباست ولی متاسفانه به سه دلیل باطل است:

دلیل اول: کلمه «بحر» به تنهایی ۳۳ بار در قرآن تکرار شده نه ۳۲ بار:

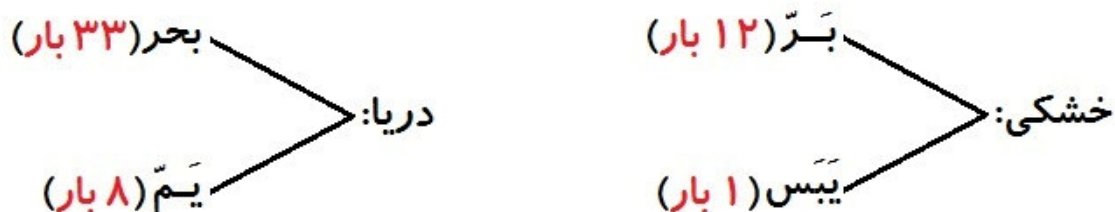
ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ	بقره ۵۰	۲۲	وَالْفُلُكَ يَجْرِي فِي الْبَحْرِ	حج ۶۵
۲	تَجْرِي فِي الْبَحْرِ	بقره ۱۶۴	۲۳	كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ	نور ۴۰
۳	أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ	مائده ۹۶	۲۴	أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ	شعرا ۶۳
۴	وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	انعام ۵۹	۲۵	فِي ظُلُمَاتٍ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	نمل ۶۳
۵	مِنْ ظُلُمَاتٍ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	انعام ۶۳	۲۶	ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	روم ۴۱
۶	فِي ظُلُمَاتٍ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	انعام ۹۷	۲۷	وَ الْبَحْرِ يَمْدُ	لقمان ۲۷
۷	وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ	اعراف ۱۳۸	۲۸	تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ	لقمان ۳۱
۸	كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ	اعراف ۱۶۳	۲۹	وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ	شوری ۳۲
۹	يُسَيِّرُكُمُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	یونس ۲۲	۳۰	وَاتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ	دخان ۲۴
۱۰	وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ	یونس ۹۰	۳۱	اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ	جاثیه ۱۲
۱۱	لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ	ابراهیم ۳۲	۳۲	وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ	طور ۶
۱۲	وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ	نحل ۱۴	۳۳	الْمُنشَاتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ	الرحمن ۲۴
۱۳	فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ	اسری ۶۶	مشتقات کلمه بحر		
۱۴	وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ	اسری ۶۷	۳۴	وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا	فاطر ۱۲
۱۵	وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	اسری ۷۰	۳۵	وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا	نمل ۶۱
۱۶	قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا	کهف ۱۰۹	۳۶	مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ	الرحمن ۱۹
۱۷	لَنفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ	کهف ۱۰۹	۳۷	أَبْلَغَ جَمْعِ الْبَحْرَيْنِ	کهف ۶۰
۱۸	فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ	کهف ۶۱	۳۸	وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا	فرقان ۵۳
۱۹	سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا	کهف ۶۳	۳۹	مَنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ	لقمان ۲۷
۲۰	يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ	کهف ۷۹	۴۰	وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ	تکویر ۶
۲۱	هُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا	طه ۷۷	۴۱	وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ	انفطار ۳
جمع کل: ۳۳ بار			با مشتقات: ۴۱ بار		

دلیل دوم: کلمه «بر» به معنای خشکی ۱۲ بار در قرآن تکرار شده نه ۱۳ بار:

ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	وَحَرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ	مائده ۹۶	۲	وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	انعام ۵۹
۳	مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	انعام ۶۳	۴	فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	انعام ۹۷
۵	يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	یونس ۲۲	۶	فَلَمَّا جَاءَكُمْ إِلَى الْبَرِّ	اسری ۶۷
۷	يَحْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ	اسری ۶۸	۸	وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	اسری ۷۰
۹	فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	نمل ۶۳	۱۰	ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ	روم ۴۱
۱۱	فَلَمَّا جَاءَهُمْ إِلَى الْبَرِّ	لقمان ۳۲	۱۲	فَلَمَّا جَاءَهُمْ إِلَى الْبَرِّ	عنکبوت ۶۵
جمع کل: ۱۲ بار					

معجزه تراشان چگونه حساب کرده اند؟

در قرآن دو کلمه به معنای خشکی وجود دارد: «بر» و «یبس»^۱. کلمه «بر» ۱۲ بار در قرآن تکرار شده و کلمه «یبس» بدون در نظر گرفتن مشتقاتش فقط یک بار در قرآن آمده است که جمعا می شود ۱۳ بار. البته یبس و یابس به معنای خشک می باشند ولی معجزه سازان آن را به معنای خشکی در نظر گرفته اند.



دو کلمه نیز در قرآن وجود دارد که به معنای دریا می باشند «بحر» و «یم». کلمه «بحر» به تنهایی ۳۳ بار و با مشتقاتش ۴۱ بار در قرآن تکرار شده. کلمه «یم» نیز ۸ بار. یم هیچ

^۱ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تُنْجِسُ (طه، ۷۷)

مشتقاتی در قرآن ندارد:

ردیف	متن آیات	آدرس
۱	فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ پس انتقام گرفتیم و آنها را در دریا غرق کردیم	اعراف ۱۳۶
۲	أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْذِفِهِ فِي الْيَمِّ کودک را در صندوقی بگذار و آن را در دریا بیفکن	طه ۳۹
۳	فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ دریا او را به ساحل نجات خواهد رساند.	طه ۳۹
۴	فَأَتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَعَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا عَشِيَهُمْ فرعون و سپاهیانش تعقیبشان کردند و همگی در دریا فرو رفتند	طه ۷۸
۵	لَنَحْرِقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا آن را در آتش می‌سوزانیم و خاکسترش را به آب دریا می‌دهیم.	طه ۹۷
۶	فَإِذَا حِفَّتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ هرگاه که ترسیدی او (موسی) را به دریا بیفکن	قصص ۷
۷	فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ پس او و سپاهیانش را گرفتیم و در دریا غرقشان کردیم	قصص ۴۰
۸	فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ پس او و سپاهیانش را گرفتیم و در دریا غرقشان کردیم	ذاریات ۴۰

معجزه تراشان متقلب در ساختن این معجزه دروغین یکی از کلمات بحر را نادیده گرفته و برای خشکیها، هر دو کلمه برّ و یبس، را حساب کرده اند تا نتیجه تقریباً درست از آب در بیاید یعنی ۲۹٪ خشکی ۷۱٪ دریا. آیا به نظر شما این نوع حساب کردن تقلب و دغل کاری نیست؟ از این گذشته «یبس»، هم معنای کلمه «برّ» و «یم» هم معنای کلمه «بحر» می باشد. چرا و به چه دلیل «یبس» را می توان با «برّ» جمع بست ولی «یم» را با «بحر» نمی توان؟ هیچ دلیل عقل پذیر و منطقی برای این پرسش وجود ندارد و همین نکته، دلیل سوّم برای باطل بودن این معجزه عددی است.

کلمات امام و شهر

معجزه: کلمات امام و شهر (ماه) هر کدام ۱۲ بار در قرآن ذکر شده به تعداد ۱۲ امام شیعه و ۱۲ ماه سال.

کلمه شهر ۱۲ بار و کلمه امام ۷ بار در قرآن ذکر شده اند:

ردیف	کلمه شهر	آدرس	ردیف	کلمه امام	آدرس
۱	شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ	بقره ۱۸۵	۱	إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا	بقره ۱۲۴
۲	فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ	بقره ۱۸۵	۲	قَبْلَهُ كِتَابٌ مُوسَى إِمَامًا	هود ۱۷
۳ و ۴	الشَّهْرِ الْحَرَامِ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ	بقره ۱۹۴	۳	مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُبِينٍ	حجر ۷۹
۵	يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ	بقره ۲۱۷	۴	نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ	اسرى ۷۱
۶	وَلَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ	مائده ۲	۵	وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا	فرقان ۷۴
۷	قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرِ الْحَرَامِ	مائده ۹۷	۶	أَخْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ	يس ۱۲
۸	أَتْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي	توبه ۳۶	۷	قَبْلَهُ كِتَابٌ مُوسَى إِمَامًا	احقاف ۱۲
۹ و ۱۰	عُدُوهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ	سبا ۱۲	جمع کل: ۷ بار		
۱۱	وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا	احقاف ۱۵			
۱۲	خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ	قدر ۳	جمع کل: ۱۲ بار		

معجزه تراشان متقلب در این مورد نیز تقریباً شبیه کلمات دریا و خشکی عمل کرده اند زیرا کلمه امام به تنهایی ۱۲ بار در قرآن نیامده است. کلمه امام ۵ بار نیز بصورت جمع (ائمه) در قرآن ذکر شده. حال شاید برخی بگویند کلمات «امام و ائمه» را باید جمع ببندیم تا ۱۲ بار شود و اینگونه باید حساب کرد. (۷+۵) یعنی کلمه مفرد «امام» باید با کلمه «ائمه» که جمع کلمه امام است جمع بسته شود. در جواب این عزیزان باید گفت اگر اینگونه عمل کنیم دو اشکال بزرگ ایجاد خواهد شد:

اشکال اول:

همان طور که «ائمه» جمع کلمه «امام» است کلمات «أشهر، شهور و شهرین» نیز جمع کلمه «شهر» می باشند. اگر کلمه «شهر» را با آنها که ۹ بار در قرآن ذکر شده اند جمع کنیم خواهد شد ۲۱ بار. (۹ + ۱۲) آیا در سال ۲۱ ماه وجود دارد؟؟؟

ردیف	متن آیه	آدرس	ردیف	متن آیه	آدرس
جمع کلمه امام			جمع کلمه شهر		
			۱	فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ	مجادله ۴
			۲	فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ	نسا ۹۲
۱	فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ	توبه ۱۲	۳	الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ	بقره ۱۹۷
۲	جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ	انبیاء ۷۳	۴	بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ	بقره ۲۳۴
۳	وَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَجَعَلَهُمْ	قصص ۵	۵	تَرْتِصُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ	بقره ۲۲۶
۴	أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ	قصص ۴۱	۶	فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ	توبه ۲
۵	أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا	سجده ۲۴	۷	فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ	توبه ۵
			۸	إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ	توبه ۳۶
			۹	فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ	طلاق ۴
مشتقات: ۵ بار			جمع کل: ۹ بار		

چرا و به چه دلیل «جمع کلمه امام» را باید با خودش جمع بست ولی «جمع کلمه شهر» را نباید؟ هیچ دلیل عقل پذیر و منطقی بر این پرسش وجود ندارد پس معجزه عددی باطل است.

اشکال دوم:

دو مورد از کلمات «ائمه» در سوره های توبه و قصص هر دو، معنایی کاملاً منفی دارند:

۱- (ائمه الكفر): امامان کفر. (توبه، ۱۲)

۲- (ائمه يهدون الى النار): امامانی که به آتش جهنم دعوت می کنند. (قصص، ۴۱)

چنانچه می بینید منظور از «ائمه» در این دو مورد، آن دسته از پیشوایانی است که هم خودشان کافرند و هم مردم را با کفر خودشان به آتش جهنم می برند. حال شما چگونه می خواهید این دو کلمه را که مربوط به ابوجهلها و ابوسفیانها می باشند به دوازده امام خودتان نسبت دهید که ادعا دارید رهبران توحیدی اند و شما را به سوی بهشت هدایت می کنند!!!

پس ناچار خواهید شد کلمه جمع «ائمه» را از این شمارش خارج سازید و مانند «شهر» فقط کلمه مفرد «امام» را حساب کنید زیرا دو مورد از این پنج «ائمه»، شما را به آتش جهنم می برند. کلمه مفرد «امام» نیز فقط هفت تاست که دقیقاً برابر با تعداد امامان در مذهب شیعیان **هفت امامی** است (شیعیان اسماعیلی). حال اگر تعداد یک کلمه در قرآن، اثبات کننده ی حقیقت یک موضوع باشد برای شیعیان دوازده امامی گران تمام می شود زیرا نتیجه اش این خواهد بود که حق با شیعیان اسماعیلی است و شیعیان دوازده امامی باطلند پس باید از امام صادق به بعد را از جمع امامانشان حذف کنند و به جای مهدی، منتظر ظهور حضرت اسماعیل باشند.

اشکال سوم:

کلمه امام مشتق دیگری نیز در سوره قیامت دارد که نادیده گرفته شده:

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾

اگر قرار باشد تعداد کلمه امام با مشتقاتش به ۱۲ عدد برسد باز هم روند کار باطل است زیرا یکی از مشتقات آن را که با احتساب آن تعداد به ۱۳ عدد می رسد نادیده گرفته اند.

فصل سوّم

کلمات مساوی

مقدمه فصل

برابری در قرآن در تمام مسائل دیده می شود:

مرگ ۱۴۵	زندگی ۱۴۵
ملائک ۸۸	شیطان ۸۸
مسلمین ۴۱	جهاد ۴۱
طلا ۸	زندگی راحت ۸
سختی ۱۱۴	صبر ۱۱۴
آرزو ۸	ترس ۸
مصیبت ۷۵	شکر ۷۵
صدقه ۷۳	رضایت ۷۳
دنیا ۱۱۵	آخرت ۱۱۵
زکات ۳۲	برکت ۳۲
زبان ۲۵	موعظه ۲۵
ذهن ۴۹	نور ۴۹
مرد ۲۴	زن ۲۴

چنانچه می بینید ادعای دیگر معجزه تراشان این است که برخی کلمات به تعداد مساوی در قرآن آمده اند. متأسفانه تمامی این تعدادها دروغند جز دو مورد (زکات و برکت) که آن هم با صدها اما و اگر و اشکال همراه است.

برخی از این موارد یک عدد و برخی تا ۷۰ عدد میانشان اختلاف تعداد وجود دارد. برای اثبات این حرف، کلمات مرگ و زندگی و مرد و زن را بررسی می کنیم سپس جداگانه در مورد کلمات زکات و برکت بحث خواهیم کرد.

کلمات مرگ و زندگی

معجزه تراشان تعداد هر کدام از این کلمات را ۱۴۵ بار گفته اند ولی نه تعداد گفته شده صحیح است و نه تساوی آنها. چنانچه در جدول می بینید کلمه حیات ۷۴ بار در قرآن ذکر شده است:

تعداد کلمه حیات در قرآن

ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	إِلَّا حِزْبٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	بقره ۸۵	۲	مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ	کهف ۴۵
۳	الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	بقره ۸۶	۴	وَالْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	کهف ۴۶
۵	أَخْرَصَ النَّاسَ عَلَى حَيَاةٍ	بقره ۹۶	۶	سَعِيهِمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	کهف ۱۰۴
۷	وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ	بقره ۱۷۹	۸	تَقْضَىٰ هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	طه ۷۲
۹	قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	بقره ۲۰۴	۱۰	فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ	طه ۹۷
۱۱	لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	بقره ۲۱۲	۱۲	مِنْهُمْ زُخْرًا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	طه ۱۳۱
۱۳	فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	آل عمران ۱۱۷	۱۴	وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	مومنون ۳۳
۱۵	وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ	آل عمران ۱۸۵	۱۶	إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا	مومنون ۳۷
۱۷	الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	نساء ۷۴	۱۸	لِيَتَّبِعُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	نور ۳۳
۱۹	تَبْتَعُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	نساء ۹۴	۲۰	فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا	قصص ۶۰
۲۱	عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	نساء ۱۰۹	۲۲	مَتَاعًا مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	قصص ۶۱
۲۳	إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا	انعام ۲۹	۲۴	الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	قصص ۷۹
۲۵	وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ	انعام ۳۲	۲۶	بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	عنکبوت ۲۵
۲۷	وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا	انعام ۷۰	۲۸	وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا	عنکبوت ۶۴
۲۹	وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا	انعام ۱۳۰	۳۰	ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	روم ۷
۳۱	لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ	اعراف ۳۲	۳۲	فَلَا تَعَزَّيْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا	لقمان ۳۳
۳۳	وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا	اعراف ۵۱	۳۴	رُجْدَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتَهُ	احزاب ۲۸
۳۵	وَذِلَّةً فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	اعراف ۱۵۲	۳۶	فَلَا تَعَزَّيْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا	فاطر ۵

زمر ۲۶	الْحَزِيءَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۳۸	توبه ۳۸	أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۳۷
غافر ۳۹	نَمَّا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا	۴۰	توبه ۳۸	فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۳۹
فصلت ۱۶	الْحَزِيءَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۴۲	توبه ۵۵	فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ	۴۱
فصلت ۳۱	نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ	۴۴	يونس ۷	وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۴۳
شورى ۳۶	فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا	۴۶	يونس ۲۳	مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ	۴۵
زخرف ۳۲	مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۴۸	يونس ۲۴	إِنَّمَا مِثْلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۴۷
زخرف ۳۵	مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ	۵۰	يونس ۶۴	هُمُ الْبَشَرِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۴۹
جاثيه ۲۴	مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا	۵۲	يونس ۸۸	وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۵۱
جاثيه ۳۵	وَعَرَّيْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	۵۴	يونس ۹۸	الْحَزِيءَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۵۳
احقاف ۲۰	طَيَّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا	۵۶	هود ۱۵	مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	۵۵
محمد ۳۶	إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ	۵۸	رعد ۲۶	وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۵۷
نجم ۲۹	وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	۶۰	رعد ۲۶	وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي	۵۹
حديد ۲۰	اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا	۶۲	رعد ۳۴	عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۶۱
حديد ۲۰	وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ	۶۴	ابراهيم ۳	يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	۶۳
ملك ۲	الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ	۶۶	ابراهيم ۲۷	الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۶۵
نازعات ۳۸	وَأَثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۶۸	نحل ۹۷	فَلَنُحْيِيَنَّهَ حَيَاةً طَيِّبَةً	۶۷
اعلى ۱۶	بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	۷۰	نحل ۱۰۷	اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	۶۹
فجر ۲۴	يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي	۷۲	اسرى ۷۵	لَأَذْفُقَنَّكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ	۷۱
فرقان ۳	وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً	۷۴	كهف ۲۸	تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	۷۳
جمع كل: ۷۴ بار					

کلمه موت به معنای مرگ نیز ۴۹ بار آمده است. (جدول صفحه بعد)

لازم به ذکر است کلمات دیگری نیز در قرآن وجود دارند که از مشتقات موت و حیات محسوب می شوند ولی معنای آنها مرگ و زندگی نیست. جمع این تعداد نیز ۶۱ بار می باشد:

موتی، میتا، میته، میت (مرده) حی (زنده)

ممات (مردن) محیا (زنده شدن) احیا (زنده ها) اموات (مرده ها)

تعداد کلمه موت در قرآن

ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ	بقره ۱۹	۲	لَحْنٌ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتِ	واقعه ۶۰
۳	فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ	بقره ۹۴	۴	وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ	ق ۱۹
۵	إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ	بقره ۱۳۳	۶	حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ	نساء ۱۵
۷	فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا	بقره ۱۶۴	۸	إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ	نساء ۱۸
۹	إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ	بقره ۱۸۰	۱۰	تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ	نساء ۷۸
۱۱	وَهُمُ الْوَفَّ حَذَرَ الْمَوْتِ	بقره ۲۴۳	۱۲	وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ	نساء ۱۰۰
۱۳	يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا	بقره ۲۵۹	۱۴	لِكُلِّ مَمْتَنٍّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ	نساء ۱۵۹
۱۵	وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ	آل عمران ۱۴۳	۱۶	إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ	انعام ۶۱
۱۷	فَادْرَبُوا عَن أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ	آل عمران ۱۶۸	۱۸	الظَّالِمُونَ فِي عَمَرَاتِ الْمَوْتِ	انعام ۹۳
۱۹	كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ	آل عمران ۱۸۵	۲۰	مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ	هود ۷
۲۱	فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ	مائده ۱۰۶	۲۲	كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ	انبيا ۳۵
۲۳	كَأَنَّمَا يُسَافِرُونَ إِلَى الْمَوْتِ	انفال ۶	۲۴	كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ	عنكبوت ۵۷
۲۵	وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ	ابراهيم ۱۷	۲۶	بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا	عنكبوت ۶۳
۲۷	إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ	مومنون ۹۹	۲۸	بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا	فاطر ۹
۲۹	إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ	احزاب ۶	۳۰	يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا	زمر ۴۲
۳۱	يُعْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ	احزاب ۱۹	۳۲	الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتُ	زمر ۴۲
۳۳	إِلَّا مَوْتَتِنَا الْأُولَىٰ	صافات ۵۹	۳۴	فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا	جاثية ۵
۳۵	إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتِنَا الْأُولَىٰ	دخان ۳۵	۳۶	عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَىٰ لَهُمْ	محمد ۲۰
۳۷	لَا يَدْرِفُونَ فِيهَا الْمَوْتَ	دخان ۵۶	۳۸	فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ	جمعه ۶
۳۹	إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ	دخان ۵۶	۴۰	قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ	جمعه ۸
۴۱	فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا	روم ۲۴	۴۲	الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ	ملك ۲
۴۳	يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا	روم ۵۰	۴۴	قُلْ يَتَوَفَّكُم مَلَكُ الْمَوْتِ	سجده ۱۱
۴۵	يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا	حديد ۱۷	۴۶	فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ	سباء ۱۴
۴۷	أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ	منافقون ۱۰	۴۸	فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا	نحل ۶۵
۴۹	وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً	فرقان ۳	جمع کل: ۴۹ بار		

کلمات مرد و زن

معجزه تراشان تعداد هر کدام از این کلمات را ۲۴ بار گفته اند : مرد ۲۴ زن ۲۴

اینجا نیز طبق معمول نه تعداد گفته شده صحیح است و نه تساوی آنها. چه آنها را به صورت مفرد حساب کنیم چه به صورت مثنی و چه به صورت جمع. برای اینکه هیچ بهانه ای باقی نماند ما هر سه حالتشان را به صورت جداگانه ذکر می کنیم.

در قرآن دو کلمه به معنای مرد وجود دارد: ۱- رَجُلٌ ۲- مَرءٌ. این دو کلمه که هر دو به معنای مرد می باشند جمعا ۲۵ بار در قرآن تکرار شده اند. اولی ۲۴ بار و دومی ۱ بار.

تعداد کلمات مرد به صورت مفرد

ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُؤْرَثُ	نساء ۱۲	۲	لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَكَبَسْنَا	انعام ۹
۳	عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ	اعراف ۶۳	۴	سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا	اعراف ۱۵۵
۵	عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ	اعراف ۶۹	۶	إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا	اسرى ۴۷
۷	أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ	یونس ۲	۸	مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ	احزاب ۴
۹	أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ	هود ۷۸	۱۰	مِنْ نُطْفَةٍ تُمَّ سَوَّاکَ رَجُلًا	کهف ۳۷
۱۱	إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ	مومنون ۲۵	۱۲	إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا	فرقان ۸
۱۳	إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى	مومنون ۳۸	۱۴	ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا	زمر ۲۹
۱۵	رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ	قصص ۲۰	۱۶	أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ	غافر ۲۸
۱۷	هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ	سبا ۷	۱۸	فَرَجُلًا وَامْرَأَتَانِ بِمَنْ تَرَضَوْنَ	بقره ۲۸۲
۱۹	قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ	سبا ۴۳	۲۰	وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ	زمر ۲۹
۲۱	مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ	یس ۲۰	۲۲	وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ	زمر ۲۹
۲۳	وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ	غافر ۲۸	۲۴	عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقُرَيْتَيْنِ	زخرف ۳۱
۲۵	يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَرَوْجِهِ	بقره ۱۰۲	جمع کل: ۲۵ بار		

کلمه امْرَأَةٌ به معنای زن نیز جمعا ۲۳ بار در قرآن تکرار شده است.

تعداد کلمات زن به صورت مفرد

ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ	آل عمران ۳۵	۲	وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَكْتُ	هود ۷۱
۳	وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكِ	آل عمران ۴۰	۴	إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا	هود ۸۱
۵	يُورِثُ كِلَابَةً أَوْ امْرَأَةً	نساء ۱۲	۶	لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةٌ نُوحٍ	تحریم ۱۰
۷	وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ	نساء ۱۲۸	۸	وَامْرَأَةٌ لُوطٍ كَانَتْ تَحْتِ	تحریم ۱۰
۹	فَأُجْحِنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ	اعراف ۸۳	۱۰	امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ	تحریم ۱۱
۱۱	وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتُ	احزاب ۵۰	۱۲	وَقَالَتِ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ قُرَّةُ	قصص ۹
۱۳	امْرَأَةَ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا	یوسف ۳۰	۱۴	وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا	مریم ۵
۱۵	قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ	یوسف ۵۱	۱۶	وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا	مریم ۸
۱۷	وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ	عنکبوت ۳۲	۱۸	فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ	ذاریات ۲۹
۱۹	أَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ	عنکبوت ۳۳	۲۰	إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً	نمل ۲۳
۲۱	وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ	مسد ۴	۲۲	إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَرْنَا	حجر ۶۰
۲۳	فَأُجْحِنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ	نمل ۵۷	جمع کل: ۲۳ بار		

تعداد کلمات مرد و زن به صورت مثنی

زن			مرد		
ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	فَرَجُلٍ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ	بقره ۲۸۲	۱	فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلًا	بقره ۲۸۲
۲	وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ	قصص ۲۳	۲	قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ	مائده ۲۳
			۳	وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ	نحل ۷۵
			۴	وَأَضْرَبَ لَهُم مَثَلًا رَجُلَيْنِ	کهف ۳۲
			۵	فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ	قصص ۱۵

تعداد کلمه زن به صورت جمع

ردیف	متن آیات	آدرس	ردیف	متن آیات	آدرس
۱	وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ	بقره ۴۹	۲	وَالنِّسَاءِ وَالْوَالِدَانَ لَا	نساء ۹۸
۳	نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ	بقره ۱۸۷	۴	وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ	نساء ۱۲۷
۵	فَاعْتَرَلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ	بقره ۲۲۲	۶	فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي	نساء ۱۲۷
۷	نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا	بقره ۲۲۳	۸	أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَكُو	نساء ۱۲۹
۹	لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ	بقره ۲۲۶	۱۰	وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً	نساء ۱۷۶
۱۱	وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَعْنَ	بقره ۲۳۱	۱۲	أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ	مائدہ ۶
۱۳	وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَعْنَ	بقره ۲۳۲	۱۴	شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ	اعراف ۸۱
۱۵	بِهِ مِنْ حِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ	بقره ۲۳۵	۱۶	وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ	اعراف ۱۲۷
۱۷	عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ	بقره ۲۳۶	۱۸	وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي	اعراف ۱۴۱
۱۹	حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ	آل عمران ۱۴	۲۰	أَوْ نِسَائِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ	نور ۳۱
۲۱	وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ	آل عمران ۴۲	۲۲	لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ	نور ۳۱
۲۳	وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا	آل عمران ۶۱	۲۴	وَالْقَوَاعِدِ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي	نور ۶۰
۲۵	وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا	آل عمران ۶۱	۲۶	شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ	نمل ۵۵
۲۷	رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا	نساء ۱	۲۸	وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا	غافر ۲۵
۲۹	مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ	نساء ۳	۳۰	وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُنَّ	فتح ۲۵
۳۱	وَآتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً	نساء ۴	۳۲	وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ	يوسف ۳۰
۳۳	وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ	نساء ۷	۳۴	مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي	يوسف ۵۰
۳۵	فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ	نساء ۱۱	۳۶	يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ	احزاب ۳۰
۳۷	يَأْتِيَنِ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ	نساء ۱۵	۳۸	يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ	احزاب ۳۲
۳۹	أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا	نساء ۱۹	۴۰	كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ	احزاب ۳۲
۴۱	مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ	نساء ۲۲	۴۲	لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدِ	احزاب ۵۲
۴۳	وَأُمَّهَاتِ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمْ	نساء ۲۳	۴۴	وَلَا نِسَائِهِمْ وَلَا مَا مَلَكَتْ	احزاب ۵۵
۴۵	فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمْ	نساء ۲۳	۴۶	وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ	احزاب ۵۹
۴۷	وَالْمُحْصَنَاتِ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا	نساء ۲۴	۴۸	وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي	ابراهيم ۶
۴۹	وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ	نساء ۳۲	۵۰	مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ	طلاق ۴
۵۱	الرِّجَالِ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ	نساء ۳۴	۵۲	وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ	قصص ۴
۵۳	أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ	نساء ۴۳	۵۴	وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءِ عَسَى	حجرات ۱۱
۵۵	وَالنِّسَاءِ وَالْوَالِدَانَ الَّذِينَ	نساء ۷۵	۵۶	وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءِ عَسَى	حجرات ۱۱
۵۷	إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ	طلاق ۱	جمع كل: ۵۷ بار		

تعداد کلمه مرد به صورت جمع

آدرس	متن آیات	ردیف	آدرس	متن آیات	ردیف
نور ۳۷	رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ	۲	بقره ۲۲۸	وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ	۱
نمل ۵۵	أَتَيْنَكُمْ لِنَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً	۴	نساء ۱	وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا	۳
فتح ۲۵	وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ	۶	نساء ۷	لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ	۵
جن ۶	وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ	۸	نساء ۳۲	لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا	۷
جن ۶	يَعُودُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنَّ	۱۰	نساء ۳۴	الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ	۹
بقره ۲۸۲	شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ	۱۲	نساء ۷۵	وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ	۱۱
احزاب ۲۳	مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا	۱۴	نساء ۹۸	إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ	۱۳
احزاب ۴۰	أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ	۱۶	نساء ۱۷۶	وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا	۱۵
توبه ۱۰۸	فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ	۱۸	اعراف ۴۶	رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ	۱۷
انبيا ۷	مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا	۲۰	اعراف ۴۸	أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا	۱۹
عنكبوت ۲۹	أَتَيْنَكُمْ لِنَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً	۲۲	اعراف ۸۱	إِنَّكُمْ لِنَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً	۲۱
يوسف ۱۰۹	مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا	۲۴	نور ۳۱	مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ	۲۳
جمع کل: ۲۴ بار					

لازم به ذکر است برخی از معجزه تراشان نیز تعداد تکرار کلمات مرد و زن در قرآن را ۲۳ بار اعلام کرده اند. ایشان با توسل به این دروغ بزرگ می خواهند وانمود کنند در این تعداد تکرار معجزه ای علمی نهفته زیرا تعداد کروموزومهای انسان ۲۳ عدد کروموزوم نر و ۲۳ عدد کروموزوم ماده است. (۴۶ کروموزوم)

کلمات زکات و برکت

معجزه: کلمه زکات ۳۲ بار و کلمه برکت نیز ۳۲ بار در قرآن ذکر شده زیرا دادن زکات موجب برکت مال و دارایی می شود.

این مورد از مواردی است که بارها و بارها توسط جناب قرائتی در تلوزیون مطرح شده و هنوز هم می شود. ولی اصلا کلمه ای به نام «برکت» در قرآن وجود ندارد. آنچه مد نظر آقایان معجزه ساز است مشتقات کلمه برکت است که جمعا ۳۲ بار در قرآن ذکر شده. این مشتقات عبارتند از:

بورک / ۱ بار



بارک / ۱ بار

تبارک / ۹ بار



مبارک / ۱۲ بار

برکات / ۳ بار



بارکنا / ۶ بار

کلمه زکات نیز به تنهایی ۳۲ بار در قرآن ذکر شده ولی با مشتقاتش می شود ۵۷ بار. حال سوال اینجاست چرا و به چه دلیل مشتقات «برکت» را می توان جزو خودش حساب کرد ولی مشتقات «زکات» را نمی توان؟ باز هم هیچ دلیل عقل پذیر و منطقی برای این سوال وجود ندارد و معجزه عددی نیز باطل است. لازم به ذکر است معنای دو مورد از این کلمات زکات «فرزند پاکیزه» است و هیچ ربطی به زکات مالی ندارند:

وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَ زَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا.

و او را فرزندی مهربان و پاکیزه کردیم (یحیی) و او پرهیزکار بود. (مریم، ۱۳)

فَأَرْزُقْنَا أَنْ يُبْدِيَهُمَا رُؤُوسًا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا.

خواستیم تا خداوند به جای او فرزندی پاکیزه و مهربانتر نصیبشان سازد. (کهف، ۸۱)

كلمة زكات:

رديف	متن آيات	آدرس	رديف	متن آيات	آدرس
١	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	بقره ٤٣	٢	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	بقره ٨٣
٣	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	بقره ١١٠	٤	وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ	بقره ١٧٧
٥	وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	بقره ٢٧٧	٦	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	نساء ٧٧
٧	وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ	نساء ١٦٢	٨	أَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ	مائده ١٢
٩	يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ	مائده ٥٥	١٠	يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ	اعراف ١٥٦
١١	وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	توبه ٥	١٢	وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	توبه ١١
١٣	وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ	توبه ١٨	١٤	يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ	توبه ٧١
١٥	خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ	كهف ٨١	١٦	وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً	مریم ١٣
١٧	وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ	مریم ٣١	١٨	أَهْلُهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ	مریم ٥٥
١٩	وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَابْتِئَاءَ الزَّكَاةِ	انبيا ٧٣	٢٠	أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	حج ٤١
٢١	فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	حج ٧٨	٢٢	وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ	مومنون ٤
٢٣	وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَابْتِئَاءَ الزَّكَاةِ	نور ٣٧	٢٤	وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	نور ٥٦
٢٥	وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ	نمل ٣	٢٦	وَمَا آتَيْتُمُ مِنْ زَكَاةٍ	روم ٣٩
٢٧	وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ	لقمان ٤	٢٨	أَقَمْنَا الصَّلَاةَ وَآتَيْنَا الزَّكَاةَ	احزاب ٣٣
٢٩	الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ	فصلت ٧	٣٠	فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ	مجادله ١٣
٣١	وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا	مزمل ٢٠	٣٢	وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكُمْ	بينه ٥

مشتقات كلمة زكات

١	وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمْ	بقره ١٥١	٢	وَلَا يُزَكِّيْهِمْ وَهُمْ عَذَابٌ	بقره ١٧٤
٣	وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ	ال عمران ١٦٤	٤	بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ	نسا ٤٩
٥	الَّذِينَ يُزَكُّوْنَ اَنْفُسَهُمْ	نسا ٤٩	٦	وَيُزَكِّيْهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ	توبه ١٠٣
٧	اللّٰهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ	نور ٢١	٨	مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ اَحَدٍ	نور ٢١
٩	وَمَنْ تَزَكَّى	فاطر ١٨	١٠	فَاِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهٖ	فاطر ١٨
١١	فَلَا تُزَكُّوا اَنْفُسَكُمْ	نجم ٣٢	١٢	وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ	جمعه ٢
١٣	يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى	ليل ١٨	١٤	قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى	اعلى ١٤
١٥	لَا هَبْ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا	مریم ١٩	١٦	قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكَاها	شمس ٩

١٧	أَيُّهَا أَزْجِي طَعَامًا	كهف ١٩	١٨	أَفْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً	كهف ٧٤
١٩	ذَلِكَ أَزْجِي هُمْ	نور ٣٠	٢٠	هُوَ أَزْجِي لَكُمْ	نور ٢٨
٢١	وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى	طه ٧٦	٢٢	إِلَى أَنْ تَزَكَّى	نازعات ١٨
٢٣	وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ	بقره ١٢٩	٢٤	لَا يُزَكِّيهِمْ وَهُمْ عَذَابٌ	العمران ٧٧
٢٥	لَعَلَّهُ يَزَكِّي	عبس ٣	جمع مشتقات: ٢٥ بار		

مشتقات كلمة بركت:

رديف	متن آيات	آدرس	رديف	متن آيات	آدرس
١	لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ	اعراف ٩٦	١٧	تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ	رحمن ٧٨
٢	بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ	هود ٤٨	١٨	تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ	اعراف ٥٤
٣	رَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ	هود ٧٣	١٩	فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ	مومنون ١٤
٤	أَنْزَلْنِي مُنْزِلًا مُبَارَكًا	مومنون ٢٩	٢٠	تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ	فرقان ١
٥	لِلَّذِي بِيَكَّةٍ مُبَارَكًا	العمران ٩٦	٢١	تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي	فرقان ٦١
٦	وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا	مریم ٣١	٢٢	تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ	ملك ١
٧	فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ	قصص ٣٠	٢٣	وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ	زحرف ٨٥
٨	وَهَذَا ذِكْرُ مُبَارَكٍ	انبيا ٥٠	٢٤	تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ	فرقان ١٠
٩	كِتَابٍ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ	انعام ١٥٥	٢٥	فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ ...	غافر ٦٤
١٠	كِتَابٍ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ	انعام ٩٢	٢٦	بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ	انبيا ٧١
١١	فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ	دخان ٣	٢٧	الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا	انبيا ٨١
١٢	مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا	ق ٩	٢٨	الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ	اسرى ١
١٣	مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ	نور ٣٥	٢٩	وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ	صافات ١١٣
١٤	عِنْدَ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ	نور ٦١	٣٠	الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا	اعراف ١٣٧
١٥	أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ	ص ٢٩	٣١	الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا	سباء ١٨
١٦	تُودِي أَنْ بُورِكَ	نمل ٨	٣٢	وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ	فصلت ١٠

تفاسیر احمقانه مفسرین

چنانچه دیدید تساویهای مطرح شده نیز هیچ کدام صحت ندارند ولی آقایان مفسر که از دروغ بودن موضوع بی اطلاعند برای همین موضوع دروغین تفاسیر بسیار مضحکی ساخته اند که شنیدنش خالی از لطف نیست. تفاسیری که هم متناقض با یکدیگرند و هم به نوعی باعث محکوم شدن خود مفسرین می شود. اینجاست که باید کسی به این آقایان بی فکر بگوید این قبری که بالای آن زار زار نوحه می خوانید مُرده داخلش نیست.

برکت و زکات

یک روز از تلویزیون ایران شنیدم جناب قرائتی می گفت:

مساوی بودن تعداد کلمات **زکات و برکت** به مفهوم این است که دادن زکات مساوی است با برکت در زندگی.

با اینگونه تفسیر باید خدمت ایشان عرض کنیم پس مساوی بودن تعداد کلمات **کفر و ایمان** نیز به این مفهوم است که رفتن به سوی کفر، مساوی است با ایمان در زندگی!!!! اگر زکات مساوی است با برکت، پس کافر نیز مساوی می شود با مومن. آیا خنده دار نیست؟

کفر و ایمان

مفسر دیگری در تلویزیون می گفت:

کفر و ایمان به تعداد مساوی در قرآن آمده و این یعنی اختیار با خود توست، می توانی کفر را برگزینی و یا ایمان را انتخاب کنی هیچ اجباری وجود ندارد.

خدمت ایشان نیز باید برسانیم این تفسیر یک ایراد بزرگ بر قانون زکات و تعبیر آقای قرائتی

وارد می کند. اگر تساوی تعداد دو کلمه در قرآن به مفهوم داشتن اختیار و نبودن اجبار باشد دادن زکات دیگر مساوی با برکت در زندگی نخواهد بود و تنها این معنی را خواهد رساند که در دادن زکات اجباری نیست و ما اختیار داریم که زکات بدهیم یا زکات ندهیم. با این تفسیر زکاتی که واجب است اختیاری می شود پس باید آن را از فروع دین نیز حذف کنید.

آخرت و دنیا

یک روز آقای قرائتی در یکی از سخنرانی هایش چنین می گفت:

آخرت و دنیا به تعداد مساوی در قرآن آمده اند و این یعنی ای بشر هم به دنیایت برس و هم به آخرت. یعنی به دنیا و آخرت به صورت مساوی توجه کن و از هیچکدام غافل نباش.

حال شما با همین فرمول آقای قرائتی، تساوی تعداد شیطان و ملائک را تفسیر کنید. زیرا خودشان می گویند کلمات شیطان و ملائک نیز تعدادشان مساوی است. لابد طبق فرمول ایشان منظور خدا این است که به شیطان و ملائک به صورت مساوی توجه کنید. یک روز به حرف شیطان عمل کنید یک روز به حرف ملائک. یک روز شیطان باشید یک روز فرشته و کار شیطانی کردن مساوی است با فرشته بودن در زندگی!!!

حال اگر آقای قرائتی بفهمد در شمارش اشتباه شده و کلمه آخرت تعدادش بیشتر از کلمه دنیاست^۲ به نظر شما آن وقت چه خواهد گفت؟ پاسخ واضح است باز هم این قضیه را معجزه خواهد شمرد و خواهد گفت:

کلمه آخرت که بیشتر از کلمه ی دنیا تکرار شده به مفهوم این است که انسان باید به آخرتش بیشتر از دنیا توجه کند. دنیا که ارزشی ندارد اصل آخرت است. آخرت ابدی است اما دنیا فانی و زود گذر.

حال بیایید برعکس فرض کنیم. اگر بالفرض تعداد کلمات دنیا در قرآن بیشتر از آخرت می بود

^۲ کلمه آخرت ۱۱۲ و دنیا ۱۰۹ بار در قرآن ذکر شده.

آن وقت آقای قرائتی چه تفسیری می کرد؟ پاسخ واضح است. باز هم مثل قبل این موضوع را یکی از معجزات قرآن خواهد شمرد و خواهد گفت:

بیشتر بودن تعداد کلمات دنیا از آخرت، به مفهوم هشدار است از سوی خداوند به انسانها که بدانند دنیاپرستان تعدادشان بیشتر از کسانی است که به آخرت می اندیشند، فسق و فجور زیاد شده و مردم از آخرتشان غافلند. هشدار خداوند را جدی بگیرید و فکری برای آخرت خود بیندیشید.

به طوری که دیدید از هر سه حالت این کلمات (تساوی، کمتر، بیشتر) می شود معجزه ای ساخت. ذهن معجزه ساز روحانی و مفسر هرگز نمی تواند بیکار بنشیند بنابراین اگر می بینیم از بدیهی ترین و بی ربط ترین مسائل، معجزه ای در می آورند جای تعجبی ندارد زیرا این امر نوعی اختلال روانی است (ساختن تخیلات گوناگون از یک حقیقت واحد) و ریشه های روانشناختی دارد. تخیل هرچه قدر از واقعیت دورتر باشد خطرناکتر می شود و انسان را از واقعیت های زندگی دورتر و بیگانه تر می سازد. بدینگونه می شود که این کاسه های داغتر از آتش، (مفسرین) برای قرآنی که خود صاحبش، بارها و بارها آن را روشن ترین و آسان ترین کتاب نامیده^۳ هزاران جلد تفسیر درست می کنند، هفت بطن برای آن قایل می شوند و از کثرت کتابهای تفسیر با کمال افتخار سخن می گویند در حالی که هزار گونه تفسیر و معنی داشتن برای یک کتاب، نه تنها کمالی برای آن کتاب نیست، بلکه نقصی است بزرگ. زیرا تولید تفرقه می کند و همین وضع می شود که امروز در جهان مسلمین شاهد آن هستیم. یک دین واحد که هزاران فرقه چون داعشها، شیعیان، طالبان، اسماعیلیها و ... در آن تولید شده و هر کدام با تفسیری که از قرآن دارند، معتقدند فرقه های دیگر کافرند و کشتن آنها مساوی است با رفتن به بهشت. این است ماجرای شگفت انگیز تفسیر که مسلمین با دیده هیبت به آن می نگرند و عناوینی غول پیکر چون علامه به صاحبان آن می بخشند.

^۳ ولقد یسرنا القرآن للذکر. همانا قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم (قمر، آیات ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰)

قد جئکم من الله نور و کتاب مبین. همانا برایتان از سوی خداوند نور و کتابی روشن رسید. (مائده، ۱۵)

فصل چہارم

آیات و سوره

مقدمه فصل

اعجاز عددی که برای آیات و سوره های قرآن ادعا می شود حاصل جمعها و ضربهایی است که از شمارش تعداد آیات، تعداد حروف، تعداد کلمات، جمع ردیف و یا شماره سوره ها به دست می آید. معجزاتی که از این شمارش ها ساخته می شود سه دسته اند:

دسته اول شمارشهایی است که از آنها تاریخ حوادث ساخته می شود.

دسته دوم شمارشهایی است که از آنها معجزات علمی ساخته می شود.

دسته سوم شمارش هایی است که از آنها یک نسبت و رابطه ساخته می شود.

آنچه در فصل حاضر به بررسی آن خواهیم پرداخت پیدا کردن صحت و سقم این قضیه است ببینیم آیا این ادعاها درستند یا خیر؟

تاریخ فتح کره ماه

معجزه: از سوره قمر تا آخر قرآن ۱۳۸۹ آیه وجود دارد. سال ۱۳۸۹ قمری برابر با ۱۹۶۹ میلادی تاریخ فتح کره ماه توسط بشر است.

از سوره قمر تا آخر قرآن ۱۳۹۰ آیه وجود دارد نه ۱۳۸۹ آیه.

سوره	تعداد آیه	سوره	تعداد آیه	سوره	تعداد آیه
قمر	۵۵	قیامت	۴۰	علق	۱۹
رحمن	۷۸	دهر	۳۱	قدر	۵
واقعه	۹۶	مرسلات	۵۰	بینه	۸
حدید	۲۹	نبا	۴۰	زلزال	۸
مجادله	۲۲	نازعات	۴۶	عادیات	۱۱
حشر	۲۴	عبس	۴۲	قارعه	۱۱
ممتحنه	۱۳	تکویر	۲۹	تکاثر	۸
صف	۱۴	انفطار	۱۹	عصر	۳
جمعه	۱۱	مطففین	۳۶	همزه	۹
منافقون	۱۱	انشقاق	۲۵	فیل	۵
تغابن	۱۸	بروج	۲۲	قریش	۴
طلاق	۱۲	طارق	۱۷	ماعون	۷
تحریم	۱۲	اعلی	۱۹	کوثر	۳
ملک	۳۰	غاشیه	۲۶	کافرون	۶
قلم	۵۲	فجر	۳۰	نصر	۳
حاقه	۵۲	بلد	۲۰	لهب	۵
معارج	۴۴	شمس	۱۵	اخلاص	۴
نوح	۲۸	لیل	۲۱	فلق	۵
جن	۲۸	ضحی	۱۱	ناس	۶
مزمل	۲۰	انشراح	۸	جمع کل: ۱۳۹۰	
مدثر	۵۶	تین	۸		

سوره های زوج و فرد

معجزه: اگر شماره هر سوره را با تعداد آیات آن سوره جمع کنیم عدد مخصوص آن سوره به دست می آید مثلاً سوره حمد که ۷ آیه دارد و اولین سوره قرآن است عدد مخصوصش چنین می شود: $۸(۱+۷)$ و سوره بقره $۲۸۸(۲+۲۸۶)$

حال اگر با توجه به اعداد مخصوص سوره های قرآن، آنها را به دو گروه زوج و فرد تقسیم کنیم و عددهای مخصوص هر گروه را جمع بزنیم نتایج شگفت آوری به دست می آید:

سوره	ترتیب سوره	تعداد آیات	عدد مخصوص سوره	زوج و فرد
حمد	۱	۷	$۷ + ۱ = ۸$	سوره زوج
بقره	۲	۲۸۶	$۲۸۶ + ۲ = ۲۸۸$	سوره زوج
آل عمران	۳	۲۰۰	$۲۰۰ + ۳ = ۲۰۳$	سوره فرد
نساء	۴	۱۷۶	$۱۷۶ + ۴ = ۱۸۰$	سوره زوج
...
نصر	۱۱۰	۳	$۳ + ۱۱۰ = ۱۱۳$	سوره فرد
لهب	۱۱۱	۵	$۵ + ۱۱۱ = ۱۱۶$	سوره زوج
اخلاص	۱۱۲	۴	$۴ + ۱۱۲ = ۱۱۶$	سوره زوج
فلق	۱۱۳	۵	$۵ + ۱۱۳ = ۱۱۸$	سوره زوج
ناس	۱۱۴	۶	$۶ + ۱۱۴ = ۱۲۰$	سوره زوج
نتایج جدول	حاصل جمع:	حاصل جمع:	حاصل جمع عدد مخصوص سوره های فرد: ۶۵۵۵	حاصل جمع عدد مخصوص سوره های زوج: ۶۲۳۶
	حاصل جمع:	حاصل جمع:	حاصل جمع عدد مخصوص سوره های زوج: ۶۲۳۶	حاصل جمع عدد مخصوص سوره های فرد: ۶۵۵۵

تعداد زوج ها ۵۷ عدد و فردها نیز به همان تعداد یعنی ۵۷ می باشد که این خود به تنهایی یک معجزه است اما غیر از این، دو مطلب بسیار شگفت انگیز در این جدول دیده می شود:

الف) مجموع اعداد گروه فرد برابر است با ۶۵۵۵ که مساوی است با حاصل جمع ترتیب سوره های قرآن.

عدد مخصوص سوره های فرد: ۶۵۵۵ = حاصل جمع ترتیب سوره ها

$$۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵ + ۶ + ۷ + + ۱۱۱ + ۱۱۲ + ۱۱۳ + ۱۱۴ = ۶۵۵۵$$

ب) مجموع اعداد گروه زوج برابر است با ۶۲۳۶ که مساوی است با مجموع کل آیات قرآن.

عدد مخصوص سوره های زوج: ۶۲۳۶ = تعداد کل آیات قرآن

حتی اگر یک آیه از سوره ای کم یا زیاد شود و یا یک سوره با سوره دیگر جابه جا گردد این نظم تماما از بین می رود. بنابراین ثابت می شود که حتی یک آیه از قرآن شریف کم یا زیاد نشده و هیچ سوره ای از جای خودش تکان نخورده است اینجاست که به سخن خداوند در سوره حجر آیه نهم پی می بریم که فرموده است: «ما خود قرآن را نازل کرده ایم و خودمان نیز محافظ و نگهبان آن هستیم.»

این ادعا درست است ولی تفاسیری که از این حالت شده نادرست می باشند. چنین حالتی یک نوع تناسب است ولی معجزه نیست زیرا نظایرش به وفور در سایر کتابها نیز یافت می شود نمونه اش غزلهای حافظ و شهریار. این غزلها که در فصل ششم به آنها اشاره کرده ایم. هر کدام چندین نوع از این تناسبات زیبا را دارا هستند و حتما باید مطالعه شوند. معجزه چیزی است که تنها یک شخص مشخص مانند پیامبر و ... بتواند آن را ارائه دهد. چیزی که به وفور در آثار دیگران نیز یافت می شود هرگز نامش معجزه نیست.

نام سوره	ترتیب سوره	تعداد آیات	عدد مخصوص سوره	نام سوره	ترتیب سوره	تعداد آیات	عدد مخصوص سوره
حمد	۱	۷	$۷ + ۱ = ۸$	منافقون	۶۳	۱۱	$۱۱ + ۶۳ = ۷۴$
بقره	۲	۲۸۶	$۲۸۶ + ۲ = ۲۸۸$	تغابن	۶۴	۱۸	$۱۸ + ۶۴ = ۸۲$
نساء	۴	۱۷۶	$۱۷۶ + ۴ = ۱۸۰$	تحریم	۶۶	۱۲	$۱۲ + ۶۶ = ۷۸$
توبه	۹	۱۲۹	$۱۲۹ + ۹ = ۱۳۸$	قلم	۶۸	۵۲	$۵۲ + ۶۸ = ۱۲۰$
هود	۱۱	۱۲۳	$۱۲۳ + ۱۱ = ۱۳۴$	معارض	۷۰	۴۴	$۴۴ + ۷۰ = ۱۱۴$
رعد	۱۳	۴۳	$۴۳ + ۱۳ = ۵۶$	جن	۷۲	۲۸	$۲۸ + ۷۲ = ۱۰۰$
ابراهیم	۱۴	۵۲	$۵۲ + ۱۴ = ۶۶$	مدثر	۷۴	۵۶	$۵۶ + ۷۴ = ۱۳۰$
حجر	۱۵	۹۹	$۹۹ + ۱۵ = ۱۱۴$	نبا	۷۸	۴۰	$۴۰ + ۷۸ = ۱۱۸$
نحل	۱۶	۱۲۸	$۱۲۸ + ۱۶ = ۱۴۴$	عبس	۸۰	۴۲	$۴۲ + ۸۰ = ۱۲۲$
اسرى	۱۷	۱۱۱	$۱۱۱ + ۱۷ = ۱۲۸$	تکویر	۸۱	۲۹	$۲۹ + ۸۱ = ۱۱۰$
کهف	۱۸	۱۱۰	$۱۱۰ + ۱۸ = ۱۲۸$	اعلی	۸۷	۱۹	$۱۹ + ۸۷ = ۱۰۶$
حج	۲۲	۷۸	$۷۸ + ۲۲ = ۱۰۰$	غاشیه	۸۸	۲۶	$۲۶ + ۸۸ = ۱۱۴$
نور	۲۴	۶۴	$۶۴ + ۲۴ = ۸۸$	بلد	۹۰	۲۰	$۲۰ + ۹۰ = ۱۱۰$
فرقان	۲۵	۷۷	$۷۷ + ۲۵ = ۱۰۲$	شمس	۹۱	۱۵	$۱۵ + ۹۱ = ۱۰۶$
نمل	۲۷	۹۳	$۹۳ + ۲۷ = ۱۲۰$	ضحی	۹۳	۱۱	$۱۱ + ۹۳ = ۱۰۴$
قصص	۲۸	۸۸	$۸۸ + ۲۸ = ۱۱۶$	انشراح	۹۴	۸	$۸ + ۹۴ = ۱۰۲$
عنکبوت	۲۹	۶۹	$۶۹ + ۲۹ = ۹۸$	قدر	۹۷	۵	$۵ + ۹۷ = ۱۰۲$
روم	۳۰	۶۰	$۶۰ + ۳۰ = ۹۰$	بینه	۹۸	۸	$۸ + ۹۸ = ۱۰۶$
سجده	۳۲	۳۰	$۳۰ + ۳۲ = ۶۲$	قارعه	۱۰۱	۱۱	$۱۱ + ۱۰۱ = ۱۱۲$
احزاب	۳۳	۷۳	$۷۳ + ۳۳ = ۱۰۶$	تکائر	۱۰۲	۸	$۸ + ۱۰۲ = ۱۱۰$
سبا	۳۴	۵۴	$۵۴ + ۳۴ = ۸۸$	عصر	۱۰۳	۳	$۳ + ۱۰۳ = ۱۰۶$
فاطر	۳۵	۴۵	$۴۵ + ۳۵ = ۸۰$	فیل	۱۰۵	۵	$۵ + ۱۰۵ = ۱۱۰$
ص	۳۸	۸۸	$۸۸ + ۳۸ = ۱۲۶$	قریش	۱۰۶	۴	$۴ + ۱۰۶ = ۱۱۰$
زمر	۳۹	۷۵	$۷۵ + ۳۹ = ۱۱۴$	معاون	۱۰۷	۷	$۷ + ۱۰۷ = ۱۱۴$
زخرف	۴۳	۸۹	$۸۹ + ۴۳ = ۱۳۲$	لهب	۱۱۱	۵	$۵ + ۱۱۱ = ۱۱۶$
جاثیه	۴۵	۳۷	$۳۷ + ۴۵ = ۸۲$	فلق	۱۱۳	۵	$۵ + ۱۱۳ = ۱۱۸$
واقعه	۵۶	۹۶	$۹۶ + ۵۶ = ۱۵۲$	اخلاص	۱۱۲	۴	$۴ + ۱۱۲ = ۱۱۶$
حدید	۵۷	۲۹	$۲۹ + ۵۷ = ۸۶$	ناس	۱۱۴	۶	$۶ + ۱۱۴ = ۱۲۰$
مجادله	۵۸	۲۲	$۲۲ + ۵۸ = ۸۰$	جمع: ۶۲۳۶			

عدد مخصوص سوره	تعداد آيات	ترتيب سوره	نام سوره	عدد مخصوص سوره	تعداد آيات	ترتيب سوره	نام سوره
$24 + 59 = 83$	24	59	حشر	$200 + 3 = 203$	200	3	ال عمران
$13 + 60 = 73$	13	60	ممتحنه	$120 + 5 = 125$	120	5	مائده
$14 + 61 = 75$	14	61	صف	$165 + 6 = 171$	165	6	انعام
$11 + 62 = 73$	11	62	جمعه	$206 + 7 = 213$	206	7	اعراف
$12 + 65 = 77$	12	65	طلاق	$75 + 8 = 83$	75	8	انفال
$30 + 67 = 97$	30	67	ملك	$109 + 10 = 119$	109	10	يونس
$52 + 69 = 121$	52	69	حاقه	$111 + 12 = 123$	111	12	يوسف
$28 + 71 = 99$	28	71	نوح	$98 + 19 = 117$	98	19	مريم
$20 + 73 = 93$	20	73	مزل	$135 + 20 = 155$	135	20	طه
$40 + 75 = 115$	40	75	قيامت	$112 + 21 = 133$	112	21	انبيا
$31 + 76 = 107$	31	76	دهر	$118 + 23 = 141$	118	23	مومنون
$50 + 77 = 127$	50	77	مرسلات	$227 + 26 = 253$	227	26	شعرا
$46 + 79 = 125$	46	79	نازعات	$34 + 31 = 65$	34	31	لقمان
$19 + 82 = 101$	19	82	انفطار	$83 + 36 = 119$	83	36	يس
$36 + 83 = 119$	36	83	مطففين	$182 + 37 = 219$	182	37	صافات
$25 + 84 = 109$	25	84	انشقاق	$85 + 40 = 125$	85	40	مومن
$22 + 85 = 107$	22	85	بروج	$54 + 41 = 95$	54	41	فصلت
$17 + 86 = 103$	17	86	طارق	$53 + 42 = 95$	53	42	شورى
$30 + 89 = 119$	30	89	فجر	$59 + 44 = 103$	59	44	دخان
$21 + 92 = 113$	21	92	ليل	$35 + 46 = 81$	35	46	احقاف
$8 + 95 = 103$	8	95	تين	$38 + 47 = 85$	38	47	محمد
$19 + 96 = 115$	19	96	علق	$29 + 48 = 77$	29	48	فتح
$8 + 99 = 107$	8	99	زلزال	$18 + 49 = 67$	18	49	حجرات
$11 + 100 = 111$	11	100	عاديات	$45 + 50 = 95$	45	50	ق
$9 + 104 = 113$	9	104	همزه	$60 + 51 = 111$	60	51	ذاريات
$3 + 108 = 111$	3	108	كوثر	$49 + 52 = 101$	49	52	طور
$6 + 109 = 115$	6	109	كافرون	$62 + 53 = 115$	62	53	نجم
$3 + 110 = 113$	3	110	نصر	$55 + 54 = 109$	55	54	قمر
جمع: 6555				$78 + 55 = 133$	78	55	الرحمن

نقد سایر ادعاهای این معجزه دروغین

ادعای اول:

تعداد زوج ها ۵۷ عدد و فردها نیز به همان تعداد یعنی ۵۷ می باشد که این خود به تنهایی یک معجزه است.

به راستی کجای این مطلب معجزه است؟ در غزلهای حافظ و شهریار که در فصل ششم بررسی کرده ایم عین همین حالت وجود دارد. آیا شهریار و حافظ معجزه کرده اند؟ آیا ادعایی خنده دارتر از این هم می شود کرد؟

ادعای دوم:

حتی اگر یک آیه از سوره ای کم یا زیاد شود یا یک سوره با سوره دیگر جا به جا گردد این نظم تماما از بین می رود. بنابراین ثابت می شود که حتی یک آیه از قرآن شریف کم یا زیاد نشده و هیچ سوره ای از جای خودش تکان نخورده است.

این ادعا دو قسمت دارد. الف: جابجا نشدن هیچ یک از سوره ها ب: کم و زیاد نشدن آیات الف: این نسبت هرگز دلیل بر این نمی شود که هیچ سوره ای از جای خودش تکان نخورده است. زیرا اگر شما جای یک سوره فرد را با یک سوره فرد دیگر عوض کنید هیچ مشکلی پیش نمی آید. برای مثال سوره های توبه و بروج.

توبه	۹	۱۲۹	$۱۲۹ + ۹ = ۱۳۸$	جمع عدد مخصوص ۲ سوره
بروج	۸۵	۲۲	$۲۲ + ۸۵ = ۱۰۷$	$۱۳۸ + ۱۰۷ = ۲۴۵$

توبه نهمین سوره و بروج هشتاد و پنجمین سوره ی قرآن است. اینک ما جای این دو سوره را باهم عوض می کنیم ببینیم چه اتفاقی می افتد:

بروج	۹	۲۲	$۲۲ + ۹ = ۳۱$	جمع عدد مخصوص ۲ سوره
توبه	۸۵	۱۲۹	$۱۲۹ + ۸۵ = ۲۱۴$	$۳۱ + ۲۱۴ = ۲۴۵$

چنانچه می بینید جای دو سوره را باهم عوض کردیم ولی در جمع عدد مخصوص دو سوره هیچ تغییری حاصل نشد. پس جای سوره ها را می شود عوض کرد بدون اینکه نسبت به هم بخورد به شرطی که جای سوره فرد با سوره ای عوض شود که در گروه فرد است و جای سوره زوج با سوره ای عوض شود که در گروه زوج قرار دارد.

ب: معجزه تراش مدعی است این نسبت نشان می دهد حتی یک آیه از قرآن کم یا زیاد نشده. این ادعا نیز باطل است زیرا هم می توان آیات را کم و زیاد کرد و هم می توان جابجا کرد بدون اینکه نسبت به هم بخورد. برای مثال می توان آیه ای را از یک سوره حذف کرد و سپس یکی از آیات بزرگ همان سوره را از وسط به دو آیه تقسیم کرد. همچنین می توان ده آیه از یک سوره را برداشت و به سوره ای دیگر افزود سپس از همان سوره که ده آیه به آن افزوده ایم ده آیه دیگر برداشت و به سوره قبل اضافه کرد بدون اینکه نسبت به هم بخورد.

نکته دیگر اینکه تا قبل از کشف این نسبت توسط معجزه تراش عزیز نه خود قرآن و نه هیچ منبع دیگری نگفته است که چنین نسبتی وجود دارد و وجود این نسبت دلیل جابجا نشدن آیات و سوره هاست. بنابراین می تواند چنین نسبتی در آغاز نبوده یا به گونه ای دیگر بوده باشد سپس با تحریف و جابجا شدن آیات و سوره ها به صورت سهوی یا عمدی توسط خود تحریف گران ایجاد شده باشد و ایجاد آن نیز بسیار سهل و ساده است.

لازم به ذکر است از آنجا که حالت‌های بسیاری برای یافتن تناسب عددی در یک متن می توان تصور کرد ممکن است در آینده فردی پیدا شود که به گونه ای دیگر حالتی پیدا کند که آن هم دارای تناسب عددی باشد. اینگونه موارد کاملاً طبیعی است زیرا همانگونه که پیشتر اشاره کردیم در هر متنی دهها و شاید صدها تناسب عددی می توان یافت پس این دلیل بر معجزه بودن آن متن نمی شود. مثالش نیز تناسبهای عددی در غزل‌های حافظ و شهریار است که در فصل ششم آورده ایم.

معجزات سوره حديد

وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ.

و آهن را نازل كرديم كه در آن نيروى شديد و منافعى براى مردم است. (حديد، ۲۵)

سه معجزه عددى در اين سوره وجود دارد:

۱- اگر كلمه «حديد» را به تنهاى با حروف ابجد حساب كنيم عدد ۲۶ به دست مى آيد و اين همان عدد اتمى آهن در جدول عناصر مندليف است.

۲- سوره حديد سوره ۵۷ در ترتيب قرآن است اگر كلمه «الحديد» را (با الف ولام) به حروف ابجد حساب كنيم همان عدد ۵۷ به دست مى آيد.

۳- سوره حديد ۲۹ آيه دارد. و سوره ۵۷ قرآن است. اگر همين ۲۹ در ۵۷ (شماره سوره) ضرب شود عدد به دست آمده ۱۶۵۳ خواهد بود.

$$۲۹ \times ۵۷ = ۱۶۵۳$$

حال اگر از عدد ۱ تا ۵۷ كه شماره سوره حديد است باهم جمع بسته شود باز هم عدد ۱۶۵۳ به دست مى آيد.:

$$۱ + ۲ + ۳ + + ۵۶ + ۵۷ = ۱۶۵۳$$

ظاهر اين مطلب بسيار شگفت انگيز به نظر مى آيد ولى با اندكى تأمل و دقت در چند نکته اساسى، پوشالى بودن تمام اين ادعاها ثابت مى گردد.

اگر كمى بينديشيد مى بينيد كه اين اعداد هيچ نسبتى با خود قرآن ندارند. كلمه حديد و الحديد قبل از نزول قرآن نيز وجود داشته اند. وقتى هنوز هيچ قرآنى وجود نداشت مردم عرب به آهن مى گفتند حديد. اکنون از چند منظر اشکالات این سه معجزه را نیز بررسی می کنیم.

معجزهٔ اوّل

اگر کلمهٔ «حدید» را به تنهایی با حروف ابجد حساب کنیم عدد ۲۶ به دست می‌آید و این همان عدد اتمی آهن در جدول عناصر مندلیف است.

حروف ابجد ساختهٔ دست بشر است و سالها بعد از اسلام به وجود آمده. نسبت دادن یک عدد به یک حرف، موضوعی کاملاً قراردادی است. برای مثال کسی که حروف ابجد را به وجود آورده از پیش خودش عدد ۹۰ را به حرف ص اختصاص داده است. اینکه عدد اتمی آهن در جدول مندلیف با عدد کلمهٔ حدید در حروف ابجد مساوی است هیچ ربطی به قرآن ندارد. زیرا زمانی که هنوز هیچ قرآنی نبود مردم عربستان به آهن می‌گفتند حدید و شاعرانشان نیز بارها در کتابها و نوشته‌هایشان حدید را استفاده کرده‌اند. اگر کلمهٔ حدید در شعر شاعران قبل از اسلام را نیز با حروف ابجد حساب کنید همین عدد ۲۶ در می‌آید.

گرچه این موضوع هیچ ربطی به قرآن ندارد ممکن است باز هم برخی افراد، خود این موضوع را (حتی بدون ربط دادن به قرآن) شگفت‌انگیز بدانند و بگویند چطور شده عدد اتمی آهن با عدد حروف ابجدش مساوی در می‌آید؟؟ خدمت این عزیزان باید عرض کنیم این تساوی فقط یک موضوع اتفاقی و تصادفی است و اصلاً جای کوچکترین تعجبی ندارد زیرا اگر اتفاقی نبود باید تمام فلزاتی که در جدول مندلیف ذکر شده اند عدد اتمی شان با حروف ابجد مساوی در می‌آمد. اگر اینگونه می‌شد هرگز کسی نمی‌توانست این موضوع را اتفاقی بداند.

برای اینکه هیچ شک و شبهه‌ای در دل خوانندگان محترم نماند نام چند فلز دیگر در زبان عربی را همراه با جدول عناصر مندلیف و جدول حروف ابجد به صورت مستند می‌آوریم تا عزیزان، اتفاقی بودن موضوع حدید را به چشم خود ببینند. لازم به یادآوری است بدین خاطر که کار از محکم کاری عیب نمی‌کند، دقیقاً نام فلزاتی را بررسی می‌کنیم که مثل حدید نامشان در قرآن ذکر شده. زیرا ممکن است هنوز برخی از خوانندگان عزیز دلایل ما را بر اتفاقی بودن این مسأله و ربط نداشتن آن به قرآن باور نکرده باشند. همچنین برای اینکه بهانه‌ای در دست بهانه‌جویان باقی نماند اسامی را هم با الف و لام و هم بدون الف و لام حساب

می کنیم.

رمزهای عددی در حروف ابجد:

ابجد، هوز، حطی، کلمن، سعفس، قرشت، ثخذ، ضطغ

الف	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

نام این چهار فلز در قرآن آمده:

حدید (آهن)، ذَهَب (طلا)، فِضَّة (نقره)، نُحَاس (مس).

الحدید	$۵۷ = ۴ + ۱۰ + ۴ + ۸ + ۳۰ + ۱$	حدید	$۲۶ = ۴ + ۱۰ + ۴ + ۸$
--------	--------------------------------	------	-----------------------

الذَّهَب	$۷۳۸ = ۲ + ۵ + ۷۰۰ + ۳۰ + ۱$	ذَهَب	$۷۰۷ = ۲ + ۵ + ۷۰۰$
----------	------------------------------	-------	---------------------

الفضَّة	$۹۱۶ = ۵ + ۸۰۰ + ۸۰ + ۳۰ + ۱$	فضَّة	$۸۸۵ = ۵ + ۸۰۰ + ۸۰$
---------	-------------------------------	-------	----------------------

النُّحَاس	$۱۵۰ = ۶۰ + ۱ + ۸ + ۵۰ + ۳۰ + ۱$	نُّحَاس	$۱۱۹ = ۶۰ + ۱ + ۸ + ۵۰$
-----------	----------------------------------	---------	-------------------------

به طوریکه در جدول ملاحظه می کنید کلمه ی ذَهَب به معنای طلا در حروف ابجد ۷۰۷ می باشد ولی عدد اتمی آن در جدول مندلیف ۷۹ است. هکذا عدد اتمی مس و نقره که هیچ کدام با عددشان در حروف ابجد مساوی نیستند. چه با الف و لام و چه بدون الف و لام. برای

اینکه خوانندگان عزیز بتوانند جدول عناصر مندلیف را به طور مستند ببینند و از صحت گفته های این کتاب اطمینان حاصل کنند می توانند به اینترنت یا کتابهای مربوطه مراجعه نمایند. جدول عناصر مندلیف را نیز که پایین همین صفحه مشاهده می کنید عیناً از اینترنت دانلود شده است.

نام فلز	رمز ابجد (بدون الف ولام)	عدد اتمی	رمز ابجد (با الف ولام)	ترتیب سوره	آدرس
حديد (آهن)	۲۶	۲۶	۵۷	۵۷	حديد، ۲۵
ذَهَب (طلا)	۷۰۷	۷۹	۷۳۸	۹	توبه، ۳۴
فِضَّة (نقره)	۸۸۵	۴۷	۹۱۶	۷۶	انسان ۲۱
نُحاس (مس)	۱۱۹	۲۹	۱۵۰	۵۵	الرحمن، ۳۵

Au : طلا

ag : نقره

cu : مس

fe : آهن

معجزه دوّم

سوره حدید سوره ۵۷ در ترتیب قرآن است اگر کلمه «الحدید» را (با الف ولام) به حروف ابجد حساب کنیم همان عدد ۵۷ به دست می آید.

ترتیب سوره های قرآن که امروز در دست ماست به ترتیب نزول سوره ها نیست زیرا اگر به ترتیب نزول سوره ها بود شما که می گوئید سوره علق در غار حرا نازل شده باید به عنوان اولین سوره در ترتیب قرآن قرار می گرفت و سوره توبه به عنوان آخرین سوره. در حالیکه در ترتیب قرآنهاى امروزی سوره علق نود و ششمین (۹۶) و سوره توبه نهمین (۹) سوره است.

تساوی عددی در ترتیب سوره حدید نیز امری کاملاً تصادفی است زیرا اگر تصادفی نبود سوره های دیگر قرآن نیز باید عددشان در حروف ابجد با عددشان در ترتیب سوره ها مساوی در می آمد. این تساوی فقط شامل سوره حدید است و در هیچ کدام از سوره های دیگر صادق نیست طوری که حتی یک مورد هم وجود ندارد. ما در اینجا برای مثال به ۹ سوره دیگر بعد از حدید اشاره می کنیم. خوانندگان عزیز جهت اطمینان بیشتر می توانند بقیه سوره ها را نیز طبق جدول حروف ابجد محاسبه کنند و ببینند.

نام سوره	عدد در حروف ابجد	ترتیب سوره در قرآن	ترتیب در نزول
الحدید	$۵۷ = ۴ + ۱۰ + ۴ + ۸ + ۳۰ + ۱$	۵۷	۹۴
الفجر	$۳۱۴ = ۲۰۰ + ۳ + ۸۰ + ۳۰ + ۱$	۸۹	۱۰
القلم	$۲۰۱ = ۴۰ + ۳۰ + ۱۰۰ + ۳۰ + ۱$	۶۸	۲
النجم	$۱۲۴ = ۴۰ + ۳ + ۵۰ + ۳۰ + ۱$	۵۳	۲۳
الشمس	$۴۳۱ = ۶۰ + ۴۰ + ۳۰۰ + ۳۰ + ۱$	۹۱	۲۶
الدخان	$۶۸۶ = ۵۰ + ۱ + ۶۰۰ + ۴ + ۳۰ + ۱$	۴۴	۶۴
التین	$۴۹۱ = ۵۰ + ۱۰ + ۴۰۰ + ۳۰ + ۱$	۹۵	۲۸
الفیل	$۱۵۱ = ۳۰ + ۱۰ + ۸۰ + ۳۰ + ۱$	۱۰۵	۱۹
الضحی	$۸۴۹ = ۱۰ + ۸ + ۸۰۰ + ۳۰ + ۱$	۹۳	۱۱
القمر	$۳۷۱ = ۲۰۰ + ۴۰ + ۱۰۰ + ۳۰ + ۱$	۵۴	۳۷

ترتیب سوره های قرآن یک ترتیب قراردادی است و چندین سال بعد از مرگ پیامبر، توسط عمر و عثمان تنظیم شده است. ایشان سوره ی حمد را در اول قرآن قرار دادند سپس سوره ها را به ترتیب از بزرگ به کوچک پشت سرهم تنظیم کردند (بقره، آل عمران، نساء، مائده و ..). حال اگر تساوی عددی ترتیب یک سوره با حروف ابجدش معجزه باشد باید بگوییم عمر و عثمان این معجزه را کرده اند نه خداوند. زیرا خداوند سوره ی حدید را نود و چهارمین (۹۴) سوره نازل کرده و عدد ۹۴ با عدد الحدید (۵۷) در حروف ابجد جور در نمی آید ولی عمر و عثمان آن را پنجاه و هفتمین سوره (در ترتیب) قرار داده اند که با حروف ابجدش دقیقاً مساوی است.

اینک بیایید تمام اشکالات مذکور را نادیده بگیریم و فرض را بر این بگذاریم که ترتیب سوره های قرآن کار عمر و عثمان نیست و همین ترتیبی که در سوره های قرآن می بینیم از طرف خود خداوند صورت گرفته است. همچنین فرض می کنیم که حروف ابجد ساخته ی انسان نیست و الهامی خداوندی است. حتی اگر بدینگونه فرض کنیم باز یک جای قضیه می لنگد و اشکالی دیگر پدید می آورد که معجزه بودن عدد پنجاه و هفت را در ترتیب قرآن و حروف ابجد خود به خود باطل می سازد. آن اشکال این نکته است که کلمه ی الحدید فقط در پنجاه و هفتمین سوره ی قرآن نیامده که ما آن را فقط به حساب این سوره بگذاریم و بگوییم چون این کلمه در حروف ابجدش ۵۷ در می آید قرار گرفتن آن نیز در سوره ۵۷ قرآن یک معجزه عددی است. این کلمه یک بار نیز در **هجدهمین** سوره ی قرآن (کهف) آمده است.

أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ
 قَطْرًا ﴿٩٦﴾

چه ترتیب قرار گرفتن سوره ها را در نظر بگیریم و چه ترتیب نزول آنها را، کلمه ی الحدید برای اولین بار در سوره کهف آمده و سپس در سوره ی حدید. سوره ی کهف هجدهمین سوره در قرآن است حال شما بگویید عدد ۱۸ را باید به چه حسابی بگذاریم؟ کسانی که کلمه الحدید را بحساب پنجاه و هفتمین سوره قرآن می گذارند چرا هیچ حرفی از آن در هجدهمین سوره به میان نمی آورند؟ پاسخ واضح است زیرا عدد ۱۸ با عدد حدید در حروف ابجد مساوی

در نمی آید تا آقایان بتوانند از آن معجزه ی عددی بسازند.

نام سوره	ترتیب نزول	ترتیب سوره	شماره جزء	شماره آیه
کَهِف	۶۹	۱۸	۱۶	۹۶
الحديد	۹۴	۵۷	۲۷	۲۵

مطلب آخر در مورد موضوع حدید این نکته است که اگر قرآن واقعاً می خواست معجزه ی عددی در این سوره نشان دهد چرا کلمه ی الحدید را که در آیه ۲۵ این سوره قرار گرفته به جای آیه ۲۵ در آیه ۲۶ این سوره قرار نداده تا آن هم با عدد اتمی آهن در جدول مندلیف جور در بیاید؟ آیا اینگونه زیباتر نبود؟ وای به روزی که این اتفاق می افتاد و زهی سعادت به حال معجزه تراشان اگر اینگونه می شد آن وقت معجزه ای می ساختند که آن ورش ناپیدا. زیرا ترتیب سوره ها تقریباً مربوط به خود قرآن و پیامبر است و کار حضرات عمر و عثمان نیست تا کسی بر آن اشکال بگیرد. نیز شماره جزء سوره که جزء ۲۷ است و تنها یک رقم بیشتر از عدد ۲۶ می باشد.

معجزه سوم

سوره حدید ۲۹ آیه دارد. و سوره ۵۷ قرآن است. اگر همین ۲۹ در ۵۷ (شماره سوره) ضرب شود عدد به دست آمده ۱۶۵۳ خواهد بود. $۲۹ \times ۵۷ = ۱۶۵۳$

حال اگر از عدد ۱ تا ۵۷ که شماره سوره حدید است با هم جمع بسته شود باز هم عدد ۱۶۵۳

به دست می آید: $۱ + ۲ + ۳ + \dots + ۵۶ + ۵۷ = ۱۶۵۳$

احتمال ایجاد این حالت کاملاً تصادفی است. توصیه می‌کنم کسانی که منکر حرف بنده اند فصل ششم این کتاب را حتماً مطالعه کنند. شما اگر بگردید حداقل یک مورد از این حالتها را در هر کتابی می‌توانید پیدا کنید. اینجا سه معجزه ی عددی برای سورهٔ حدید ذکر شد اگر معجزهٔ مضرب ۵ و مضرب ۱۳ در غزلیات حافظ و شهریار را مطالعه کنید (فصل ششم) شبیه همین سه معجزه ی عددی را آنجا نیز خواهید دید.

اعجاز عددی عمر نوح

عمر نوح ۹۵۰ سال بود:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا

و نوح را به سوی قومش برای پیامبری فرستادیم. او ۵۰ سال کمتر از هزار (۹۵۰ سال) در میان قومش عمر کرد. (عنکبوت، ۱۴)

قرآن همه چیزش با یک نظم عددی پیش می رود. وقتی حرف از روز می شود دقیقا ۳۶۵ بار کلمه روز (یوم) به کار می برد و وقتی سوره نوح را نازل می کند ۹۵۰ حرف در آن به کار می برد. سوره نوح دقیقا ۹۵۰ حرف دارد که مساوی است با عمر این پیامبر بزرگ.

این سوره دقیقا ۹۶۵ حرف دارد. خدای دروغین قرآن در حساب و کتابهای خودش ۱۵ عدد دچار اشتباه شده. تعداد حروف هر یک از آیات را با رنگ آبی جلوی خودش نوشته ایم. دوستان عزیز برای اطمینان خاطر می توانند خودشان نیز شمارش کنند.

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٥١﴾ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٢﴾ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا أَمْرًا ﴿٢٥﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا ﴿٢٦﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿٢١﴾ وَ إِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَ أَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿٧٩﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿١٦﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَ أَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٢٨﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا

﴿٢٧﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿٢١﴾ وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ
يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿٤٤﴾ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿٢٠﴾ وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمْ تَرَوْا
كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ﴿٣١﴾ وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا
﴿٣١﴾ وَ اللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿٢٣﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿٢٥﴾ وَ اللَّهُ
جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بَسَاطًا ﴿٢١﴾ لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي
وَ اتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَ وَادَّهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٤٩﴾ وَ مَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿١٥﴾ وَ قَالُوا لَا تَذَرُنَّ
آلِهَتَكُمْ وَ لَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَ لَا سُوَاعًا وَ لَا يَغُوثَ وَ يَعُوقَ وَ نَسْرًا ﴿٥٣﴾ وَ قَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ
إِلَّا ضَلَالًا ﴿٣٥﴾ مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٥٤﴾ وَ
قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٣٧﴾ إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا
يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٤١﴾ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٧١﴾

$$٤٤٥ = ٢٠ + ٢١ + ٢٧ + ٢٨ + ١٦ + ٧٩ + ٢١ + ٢٦ + ٦٥ + ٢٥ + ٢٢ + ٥١$$

$$٥٢٠ = ٧١ + ٤١ + ٣٧ + ٥٤ + ٣٥ + ٥٣ + ١٥ + ٤٩ + ٢٠ + ٢١ + ٢٥ + ٢٣ + ٣١ + ٣١ + ١٤$$

$$٤٤٥ + ٥٢٠ = ٩٦٥$$

جمع كل ٩٦٥

دو ماه متوالی (شهرین متتابعین)

خداوند کفارہ قتل غیر عمد را در قرآن، آزاد کردن برده و یا روزه گرفتن دو ماه متوالی اعلام کرده است و می فرماید:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (نساء: ۹۲)

علم نوین ثابت نموده هر ماه قمری برابر با ۲۹ / ۵ روز است که دو ماه آن می شود ۵۹ روز. تعداد کلمات از ابتدای آیه تا کلمه «شهرین» ۵۹ کلمه می باشد یعنی به اندازه تعداد روزهای دو ماه قمری و اگر تعداد کلمات را از ابتدای آیه تا (شهرین متتابعین) حساب کنیم، خواهیم دید که تعداد کلمات ۶۰ کلمه می باشد (به اندازه روزهای دو ماه متوالی)

حال سوال اینجاست آیا این تقارن های بی نظیر موجود در قرآن فقط اتفاقی است یا اینکه این ترتیب عددی خود شاهی است بر اینکه قرآن کتاب خداوند است؟ شما را با تعداد کلمات تنها می گذاریم:

و	ما	کان	لمومن	ان	یقتل	مومنا	الا	خطا	و	من	قتل
مومنا	خطا	فتحیر	رقبه	مومنه	و	دیه	مسلمه	الی	اهله	الا	ان
یصدقوا	فان	کان	من	قوم	عدو	لکم	و	هو	مومن	فتحیر	رقبه
مومنه	و	ان	کان	من	قوم	بینکم	و	بینهم	میثاق	فدیه	مسلمه
الی	اهله	و	تحیر	رقبه	مومنه	فمن	لم	یجد	فصیام	شهرین	متتابعین

این معجزه هم خنده دار است و هم سرشار از ایراد و اشکال.

اشکال اول: عبارت لَمْ یَجِدْ به معنای «نیافت»، فقط یک کلمه است. سازنده معجزه آن را دو

کلمه حساب کرده است. کار وی به این شبیه است که ما حرف **ن** در کلمه «نیافت» را یک کلمه حساب کنیم و بگوییم کلمه **نیافت** دو کلمه است: ن + یافت.

اشکال دوّم: جایی که واو عطف نیز یک کلمه حساب می شود «ف» به معنای پس نیز باید یک کلمه حساب شود زیرا هر دو آنها جزو حروف ربطند تنها تفاوتشان این است که «و» به کلمه بعد از خودش نمی چسبد ولی «ف» می چسبد. شش بار کلمه «ف» در این آیات بکار رفته است. معجزه تراش گرامی واوهای عطف را جزو کلمات حساب کرده ولی این شش مورد را در لیست کلمات قرار نداده است: **فَتَحْرِيْرُ فَاِنْ فَتَحْرِيْرُ فَدِيَةٌ فَمَنْ فَصِيَامُ**

اشکال سوّم: حرف «ل» نیز خودش یک کلمه به معنای برای می باشد. سازنده محترم معجزه، این کلمه را نیز از قلم انداخته است: **لِمُؤْمِنٍ**: برای مؤمن **لَكُمْ**: برای شما

تبر خلاص

حتی اگر واقعا تعداد کلمات این آیه تا کلمه «شهرین» ۵۹ کلمه بود باز هم چیزی را ثابت نمی کرد و دلیل نظم عددی نمی شد زیرا آیات بسیاری عین همین آیه وجود دارد که هیچ کدام دارای نظم عددی نیستند چه کلماتشان و چه حروفشان:

سوره مجادله (دو ماه)

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ. ﴿٤﴾

سوره طلاق (سه ماه)

وَاللَّائِي يَتَسَّنَّ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾

لابد طبق آیات فوق هم باید بگوییم دو ماه قمری ۶ روز دارد و سه ماه قمری ۱۲ روز.

اعجاز عددی در سوره نحل

زنبور عسل دارای ۱۶ عدد کروموزوم می باشد. سوره نحل به معنای زنبور عسل شانزدهمین سوره در ردیف قرآن است.

بله زنبور عسل ۱۶ عدد کروموزوم دارد و سوره نحل نیز شانزدهمین سوره قرآن است ولی آیا واقعا به نظر شما شماره ردیفی یک سوره می تواند به معنای تعداد کروموزومهای یک جانور باشد؟ ذکر چند نکته در این مورد الزامی است.

نکته اول: در میان سوره های قرآن ۶ سوره به نام موجودات زنده اند. ولی تنها شماره ردیف یکی از آنها برابر با تعداد کروموزومهای آن موجود است. شماره ردیف سوره های بقره (گاو)، نمل (مورچه)، عنکبوت، انسان و فیل هیچکدام با تعداد کروموزومهایشان یکی نیست. پس قضیه کاملا تصادفی است و هیچ ربطی به تعداد کروموزوم ندارد.

نام سوره	تعداد کروموزوم	شماره ردیف سوره
بقره (گاو)	۳۰	۲
نحل (زنبور)	۱۶	۱۶
نمل (مورچه)	۸	۲۷
عنکبوت	۴ الی ۱۴	۲۹
انسان	۲۳	۷۶
فیل	۵۶	۱۰۵

نکته دوم: اگر قرآن کتاب خدا بود و خود خداوند می خواست از طریق شماره ردیف یک سوره، تعداد کروموزوم یک موجود را بیان کند برایش هیچ کاری نداشت که بقره را سوره سی ام، فیل را سوره پنجاه و ششم، انسان را سوره بیست و سوم و نمل را سوره هشتم قرار دهد. وقتی چنین نشده پس قضیه کاملا بی ربط است.

نکته سوم: ترتیب سوره های قرآن یک ترتیب قراردادی است و چندین سال بعد از مرگ محمد، توسط جمع آورندگان قرآن (عمر و عثمان) تنظیم شده. چون نام دیگر سوره حمد، فاتحه الکتاب یعنی گشاینده کتاب است ایشان آن را در اول قرآن قرار دادند سپس سوره ها را به ترتیب از بزرگ به کوچک پشت سر هم تنظیم کردند (بقره، آل عمران، نساء، مائده و). حال اگر تساوی عددی میان ترتیب سوره نحل و تعداد کروموزومهای زنبور معجزه باشد باید بگوییم عمر و عثمان این معجزه را کرده اند نه خداوند. زیرا خدای دروغین اسلام سوره نحل را هفتادمین (۷۰) سوره نازل کرده و عدد ۷۰ با تعداد کروموزومهای زنبور جور در نمی آید ولی عمر و عثمان آن را شانزدهمین سوره (در ترتیب) قرار داده اند که با تعداد کروموزومهای زنبور دقیقاً مساوی است.^۴

نکته آخر

کسانی که بی ربط بودن این موضوع به کروموزومهای زنبور عسل را باور ندارند حتما قسمت معجزه سازی علمی از غزل شهریار و حافظ را در فصل ششم همین کتاب مطالعه کنند.

^۴ لازم به ذکر است معجزه تراشان معجزه دیگری نیز مربوط به شکمهای زنبور عسل مطرح کرده اند که آن را در کتاب «افسانه معجزات قرآن» ذکر کرده ایم. این کتاب یعنی «افسانه اعداد» تنها مواردی را بررسی می کند که از شمارش اعداد؛ جمع و تفریق، ضرب و نسبتها ساخته شده اند چه علمی باشند و چه پیشگویی یا غیره. ولی موضوع شکمهای زنبور عسل چون هیچ یک از این موارد را شامل نمی شود در گروه معجزات عددی قرار نمی گیرد.

ماجرای یازده سپتامبر

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾

آیا کسی که بنایش را به نیت تقوای خداوند و رضای او تاسیس کند خوب است یا کسی که بنایش را در پرتگاهی سست بسازد که زود به ویرانی کشد و عاقبت او را به آتش دوزخ بیندازد؟ و خداوند هرگز ظالمین را هدایت نمی کند. (توبه، ۱۰۹)

معجزه سازان مدعی هستند این آیه پیشگویی ماجرای یازده سپتامبر است. دلایل ایشان برای این ادعا از این قرار می باشد.

- متن آیه از خراب شدن یک بنا حرف می زند.

- برجها ۱۰۹ طبقه داشتند این آیه نیز آیه ۱۰۹ سوره است.

- حادثه در قرن ۲۱ اتفاق افتاد و این آیه در حزب ۲۱ قرآن قرار دارد.

- روز حادثه یازدهم ماه بود. این آیه نیز در جزء یازدهم قرآن قرار دارد.

- «جُرُفِ هَارٍ» در آیه، نام خیابانی است که بُرجهای دوقلو در آن قرار دارند.

- ماجرا در سال ۲۰۰۱ اتفاق افتاد. «جُرُفِ هَارٍ» نیز کلمه ۲۰۰۱ سوره است.

- ماه سپتامبر نهمین ماه از سال میلادی است سوره توبه نیز نهمین سوره در قرآن است.

ماجرای یازده سپتامبر را همگان شنیده اید و نیازی نیست اصل ماجرا را نقل کنیم فلذا یک راست به سراغ تحلیل این قضیه می رویم تا ببینیم آیا می شود این آیه را پیشگویی ماجرای یازده سپتامبر دانست یا خیر؟ اگر این پیشگویی درست باشد خود بنده ایمان خواهم آورد. با هم تک تک این موارد را بررسی می کنیم.

متن آیه از خراب شدن یک بنا حرف می زند.

این آیه و آیات قبل و بعد آن تماما ماجرا و اتفاقات مسجد ضرار و مسجد قبا در مدینه است. ماجرای مسجد ضرار در ۱۴۰۰ سال پیش چه ربطی به ماجرای یازده سپتامبر دارد؟

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٠٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴿١٠٨﴾ أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١٠﴾

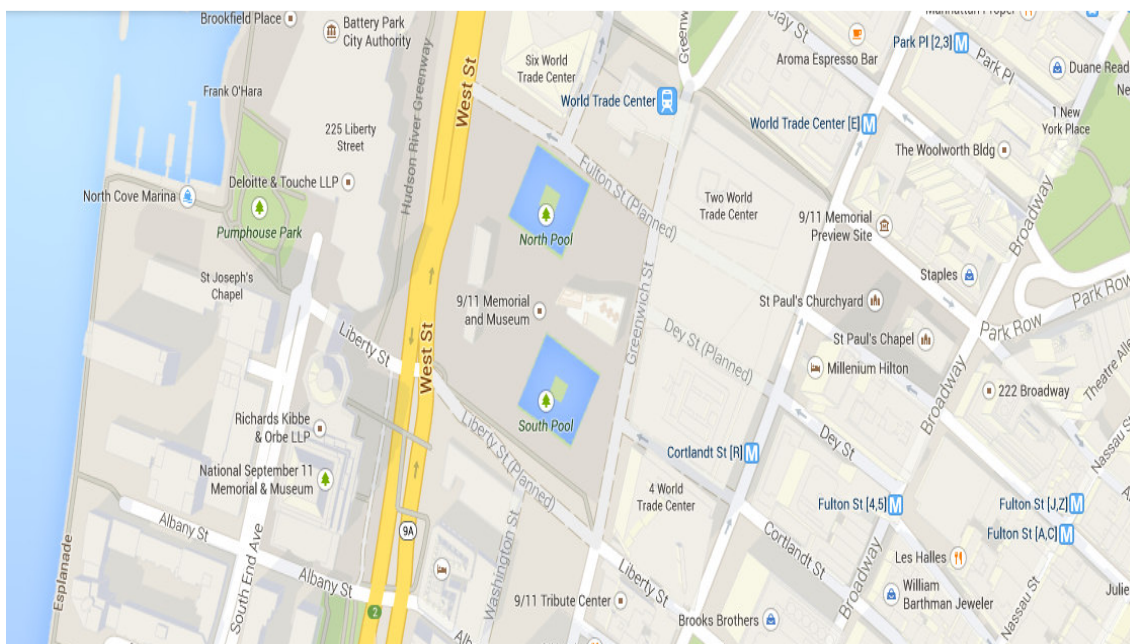
کسانی که مسجد ضرار را به نیت ایجاد کفر و تفرقه میان مسلمین و یاری رساندن به دشمنان خدا و پیامبرش ساختند همیشه سوگند می خورند که ما نیتی جز خیر نداریم در حالیکه خداوند شاهد است آنان دروغ می گویند. ای رسول هرگز در آنجا نماز اقامه نکن بلکه در آن مسجدی نماز بخوان که اساسش به نیت تقوا بنا گردیده است (مسجد قبا) در آن مسجد مردانی هستند که پاکی را دوست می دارند و خداوند پاکان را دوست می دارد. «آیا کسی که بنایش را به نیت تقوای خداوند و رضای او تأسیس کند خوب است یا کسی که بنایش را در پرتگاهی سست بسازد که زود به ویرانی کشد و عاقبت او را به آتش دوزخ بیندازد؟ و خداوند هرگز ظالمین را هدایت نمی کند.» بنایی که آنان ساختند همیشه دل‌هایشان را در شک و تردید خواهد افکند، مگر اینکه از آن دل بکنند و خداوند دانا و حکیم است.

مخالفین محمد که منافق نامیده می شدند مسجدی به نام ضرار ساخته بودند که مردم را از رفتن به مسجد قبا که توسط اصحاب پیامبر ساخته شده بود باز دارند تا بین مسلمین تفرقه بیفتد. نام مسجد ضرار را در آیه ۱۰۷ می بینید. آیه ۱۰۸ به پیامبر دستور می دهد هرگز در

مسجد آن منافقان نماز اقامه نکن بلکه در مسجد مردان با تقوا یعنی مسجد قبا نماز برپا کن. در آیه ۱۰۹ این دو مسجد را باهم مقایسه می کند و می گوید آیا آن مسجدی که بر اساس تقوا و رضایت خداوند ساخته شده بهتر است (قبا) یا مسجدی که به زودی خراب می شود و سازندگانش به جهنم می روند (ضرار)؟ مسلمانان نیز بعداً آن مسجد را به دستور محمد خراب کردند. آیه ای که به این روشنی از مسجد ضرار حرف می زند نسبت دادنش به برجهای دوقلوی پنتاگون در نیویورک چگونه می تواند برای اهالی عقل و منطق قابل قبول باشد؟

«جُرفِ هار» در آیه، نام خیابانی است که بُرجهای دوقلو در آن قرار دارند.

قبل از طرح اشکال دوم و اشکالات بعدی، فرض را بر این می گذاریم که نام مسجد ضرار در این آیات نیامده. حال با این فرض می خواهیم ببینیم می شود باز هم آن را به پیشگویی یازده سپتامبر نسبت داد یا نه؟ مدعیان این موضوع (در اینترنت) با آب و تاب فراوان می گویند کلمه **جُرفِ هار** (پرترگاه سُست) که در آیه ۱۰۹ آمده نام خیابانی است که بُرج های دوقلوی پنتاگون در آن قرار داشتند. ما برای اثبات دروغین بودن این مطلب، آن قسمت از نقشه ی شهر نیویورک را که بُرجهای دوقلو در آن واقع بودند به همراه خیابانهای اطراف می آوریم تا خودتان ببینید. نقشه ی نیویورک خودش گویاترین دلیل برای اثبات این دروغ بزرگ است.



محل قرار گرفتن برجهای دوقلو با دو عدد مربع آبی رنگ و با علامت ۹/۱۱ روی نقشه مشخص است. چنانچه می بینید هیچ یک از خیابانهای اطراف این برجها به نام جرفِ هار نمی باشد.

شمالی: خیابان فولتون جنوبی: خیابان لیبرتی

شرقی: خیابان گرینویچ غربی: خیابان وست

این نقشه عیناً از گوگل مپ گرفته شده و منطقه مانهاتان شهر نیویورک را نشان می دهد که برجهای پنتاگون در آنجا قرار دارند. آری نه تنها برجهای دوقلو در خیابانی به اسم جرفِ هار قرار ندارند بلکه اصلاً خیابانی به این اسم در نیویورک و حتی کل آمریکا وجود ندارد.

ماجرا در سال ۲۰۰۱ اتفاق افتاد. «جرفِ هار» نیز کلمه ۲۰۰۱ سوره است.

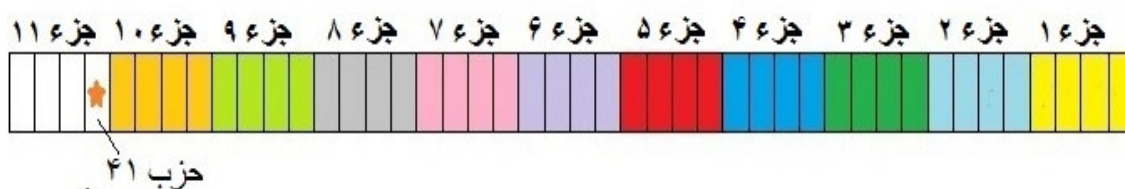
اولاً این عدد هرگز صحیح در نمی آید و عزیزان اگر بخواهند خودشان می توانند شمارش کنند و ببینند. ثانیاً خود من هم که می خواهم کذب این مطلب را اثبات کنم نمی توانم ادعا کنم جرفِ هار چندمین کلمه ی سوره است زیرا تعریف کلمه آن هم در زبان عربی بسیار مشکل است و هیچ معیاری ندارد. برای مثال بعضی ها می گویند عباراتی مانند «فی» «مین» «ثم» «مَع» «علی» کلمه هستند ولی برخی دیگر می گویند اینها کلمه نیستند و جزو حروفند زیرا به تنهایی معنایی نمی دهند. یا مثلاً عبارت «أفلا یؤمنون» چند کلمه محسوب می شود؟ دو حرف اول این عبارت یعنی «أف» تنها دو حرف است ولی به معنای «آیا پس» می باشد. «آیا پس» کلمه محسوب می شود یا جزو حروف است؟ الّذی، هم به معنای «که» است هم به معنای «کسی». «که» حرف است «کسی» کلمه. الّذی را کلمه حساب کنیم یا حرف؟ و هزاران مثال دیگر از این نوع.

کسانی که مدّعی هستند جرفِ هار کلمه ۲۰۰۱ سوره ی توبه است چگونه و با چه معیاری شمرده اند تا اینگونه در آمده است؟ خوانندگان عزیز با هر مدل و با هر معیاری که شمارش کنند هرگز جرفِ هار کلمه ۲۰۰۱ سوره ی توبه نخواهد بود. می توانید امتحان کنید. ثالثاً تنها سالی که قرآن می شناسد و آن را برای تقویم انسانها معرفی کرده سال قمری است اگر قرار

بود عدد کلمه ی جُرْفِ هار در سوره، تاریخ این ماجرا حساب شود باید مطابق سالی می شد که خود قرآن معرفی کرده یعنی سال ۱۴۲۳ قمری نه سال ۲۰۰۱ میلادی.

حادثه در قرن ۲۱ اتفاق افتاد و این آیه در حزب ۲۱ قرآن قرار دارد.

آیات فوق در حزب ۴۱ قرآن قرار دارند نه حزب ۲۱ که ایشان مدعی هستند قرن حادثه را نشان می دهد. هر جزء قرآن به چهار حزب تقسیم می شود. آیه ۱۰۹ توبه در حزب اول جزء یازدهم* قرار دارد که می شود چهل و یکمین حزب قرآن.



از اینها گذشته ترتیب قرار گرفتن سوره ها و تقسیم آنها به سی قسمت مساوی یعنی سی جزء، امری است قراردادی که عمر و عثمان انجامش داده اند و هرگز ربطی به معجزه قرآن ندارد. توضیح مفصلش نیز در ماجرای سوره نحل داده شد و دیگر لازم نیست آن را دوباره اینجا ذکر کنیم. همان اشکالی که آنجا وارد بود اینجا نیز وارد است. همچنین اگر شماره جزء یا شماره سوره در یک حادثه، نشانگر تاریخ وقوع آن باشد آیه غدیر (مائده، ۳) که روز ۱۸ ماه ذی الحجه اتفاق افتاده باید در سوره ۱۲ و جزء ۱۸ قرار می گرفت زیرا ذی الحجه دوازدهمین ماه سال قمری است. در حالیکه آیه در سوره پنجم (مائده) و جزء ششم قرآن است. حتی اگر با سال شمسی یا میلادی هم حساب کنید باز هم درست در نمی آید و هکذا وقایع دیگری که در قرآن آمده اند از قبیل هجرت، فتح مکه، و جنگهای مختلف.

برجها ۱۰۹ طبقه داشتند این آیه نیز آیه ۱۰۹ سوره است.

کاملاً غلط است. بُرجهای دو قلوی پنتاگون هر کدام دقیقاً ۱۰۴ طبقه داشتند نه ۱۰۹ طبقه.

و اما مهمترین اشکال

این اشکال مهمتر از تمام اشکالاتی است که ذکر شد زیرا به ماهیت قضیه مربوط می شود. در قضیه یازده سپتامبر که به دست جلادانی چون بن لادن انجام گرفت و هزاران انسان بی گناه را به کشتن داد جهان به سوگ نشست و همگی از ملتها گرفته تا دولتها این عمل پست و غیرانسانی را محکوم کردند حتی دولت و ملت خود ایران. البته کسانی نیز بودند که عامل این جنایت را بن لادن نمی دانستند ولی به هر حال طراح این جنایت را هر کس که باشد محکوم می دانستند و برای قربانیان این حادثه شادی روح و برای بازماندگانشان صبر آرزو می کردند. پس نتیجه می گیریم در این حادثه **نابود کنندگان** برجهای محکوم و گناهکار هستند و بالطبع در آخرت نیز اهل جهنم. اما متن آیه ۱۰۹ را اگر دقت کنید هرگز اینگونه نیست و کاملاً برعکس این حالت می باشد. در این آیات **نابود شوندگان** و سازندگان بنا محکوم هستند و اهل دوزخ، نه نابود کنندگان بنا که اصحاب خود پیامبرند. زیرا قرآن می گوید بنای آنها در پرتگاهی سست است و به زودی ویران می شود و سازندگان نیز به آتش جهنم خواهند افتاد. و حال اینکه در ماجرای یازده سپتامبر کسانی که بنا یعنی **برجها** را نابود کردند محکوم شدند و عاقبتشان در افغانستان آن شد که دیدید و شنیدید. به عبارت کاملاً خلاصه در آیه ی قرآن سازندگان بنا محکوم هستند ولی در یازده سپتامبر نابود کنندگان بنا.

یک احتمال برای موضوع

از آنجا که گروه بن لادن پرورش یافتگان مکتب وحشی اسلام بوده و چیزی جز جنگ و جنایت از آن به ارث نبرده بودند احتمال دارد برای معجزه نشان دادن قرآن و رنگ الهی و اسلامی دادن بر جنایت حیوانی و بی شرمانه ی خویش، تاریخ اجرای عملیات خود را عمداً به **۲۰۰۱/۹/۱۱** انداخته اند تا با اعداد و ارقام آیه ۱۰۹ سوره توبه (شماره سوره و شماره جزء) مطابقت کند تا بعداً چنین وانمود کنند که این ماجرا آن قدر مورد تأیید خداوند بوده که آن را بدین صورت در قرآن پیشگویی کرده تا وسیله ای شود برای حق جلوه دادن جنایت شیطانی خویش و جلب حمایت مسلمینی مانند خودشان. شاید!!!!!!

ستاره دنباله دار هالی

این ستاره که به اسم کاشف خودش ادموند هالی نامگذاری شده به دور خورشید می چرخد و این چرخش تقریباً ۷۶ سال طول می کشد. (۷۶ سال کره زمین) نام این ستاره در آیه ۷۶ سوره انعام آمده است. اگر به حروف قرمز نگاه کنید نام ستاره هالی را در آن می بینید.



کاری به تمسخرآمیز بودن این معجزه ندارم ولی باید خدمت این معجزه تراش عرض کنیم هالی شما فقط در سوره انعام نیامده. در سوره ها و آیات بسیاری این اسم وجود دارد که شماره هیچکدام هم ۷۶ نیست. برای مثال آیه ۱۸ سوره سباء:

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ

ضمناً کره ماه هر ۲۹ روز یکبار دور زمین می چرخد. لطفاً بفرمایید پس چرا به روش خود شما اسمش در آیه ۸۲ (سوره اسری) ذکر شده است:

وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا. ﴿۸۲﴾

اینگونه که آقایان معجزه تراش پیش می روند بعید نیست یک روز خواهند گفت نام کشور مالزی نیز در قرآن آمده (طه، ۵۹) و چون ۵۹٪ این کشور پوشیده از جنگل است شماره آیه اش را به درصد جنگلهایش نسبت خواهند داد:

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضَحَىٰ. ﴿٥٩﴾



اینجا بنده پا در کفش معجزه تراشان کردم و یک معجزه برای قرآن ساختم تا بدانید معجزه ساختن بسیار آسان است. شما نیز در هر کتابی که بگردید می توانید صدها جور معجزات از این قبیل برایش بسازید حتی برای کتابی که مخالف آن هستید. فقط کافی است فکر کنید، فوت و فن کار را بلد باشید و همه ی جوانب را در نظر بگیرید. در این صورت بالاخره دو عدد پیدا خواهید کرد که باهم تناسب داشته باشند. برای مثال در قضیه ی مالزی، بنده اول حروف ابجد مالزی را در نظر گرفتم دیدم نشد. درصد مسلمینش را بررسی کردم دیدم جور در نیامد، تعداد جمعیت، وسعت، درصد تراکم، درصد رشد اقتصادی و خلاصه همه چیزش را بررسی کردم دیدم هیچکدام ۵۹ نیستند تا اینکه درصد جنگلهایش را یافتم دیدم ۵۹٪ است.

فصل پنجم

مضرب‌های ۷ و ۱۹

مقدمه فصل

حتما اسم مضرب ریاضی را شنیده اید. هر عددی برای خودش به تعداد بی نهایت مضرب دارد که از ضرب آن عدد در عددهای ۱، ۲، ۳، ... (تا بینهایت) به دست می آیند. برای مثال مضربهای عدد ۸:

$$۸ = ۱ \times ۸ \quad ۱۶ = ۲ \times ۸ \quad ۲۴ = ۳ \times ۸ \quad ۳۲ = ۴ \times ۸ \quad ۴۰ = ۵ \times ۸ \quad \text{الی آخر}$$

اخیرا معجزه تراشان مدعی شده اند میان تعداد کلمات، حروف، آیات و سوره های قرآن روابطی بر مبنای مضربهای ریاضی وجود دارد که معجزه محسوب می شود. سردسته ی این معجزه تراشان دو نفر است:

نفر اول رشاد خلیفه ی مصری سازنده ی مضرب ۱۹ برای قرآن

نفر دوم عبدالدائم الکحیل سازنده ی مضرب ۷ برای بسم الله و سوره های حمد و توحید

در فصل حاضر نمونه هایی از ادعاهای این دو نفر را مطرح می کنیم سپس صحت و سقم قضیه و معجزه بودن یا نبودن آن را بررسی خواهیم کرد.

مضرب نوزده

سازنده این معجزه عددی رشاد خلیفه مصری از پیروان مذهب بهائیت است. از آنجا که عدد ۱۹ در بین بهائیان عددی مقدس محسوب می شود وی به نیت حق جلوه دادن بهائیت این معجزه را برای قرآن درست کرد. برخی از ادعاهای وی و حسابهایی که کرده درستند و برخی غلط. ولی نکته ی مهم اینجاست که فرد مذکور چنان ارادتی به عدد نوزده داشت^۵ که مجبور شده است تحریفاتی در آیات و کلمات قرآن ایجاد کند تا عددهای مورد نظرش با مضرب ۱۹ جور در بیایند. ابتدا به دو مورد از این تحریفات اشاره می کنیم سپس ادعاهای وی را بررسی خواهیم کرد.

تحریف اول: دو آیه آخر در سوره توبه جزو قرآن نیست و باید حذف شوند.

قرآن ۶۲۳۶ آیه دارد. این عدد مضرب ۱۹ نیست. رشاد خلیفه برای اینکه تعداد آیات را به مضرب ۱۹ برساند گفته: بسم الله الرحمن الرحيم های اول هر سوره نیز جزو آیات آن سوره است. در این حالت تعداد آیات به ۶۳۴۸ می رسند^۶ ولی بازهم این عدد مضرب ۱۹ نیست لذا رشاد خلیفه برای حل این مشکل دستور داده دو آیه ی آخر سوره ی توبه را از قرآن حذف کنند. $۶۳۴۸ - ۲ = ۶۳۴۶ (۱۹ \times ۳۳۴)$

تحریف دوم: حرف مقطعه «ن» در اول سوره قلم باید به صورت «نون» نوشته شود.

به ادعای رشاد خلیفه تعداد تمامی حروف مقطعه ی موجود در قرآن، مضربی از عدد ۱۹ است. حرف «ن» یکی از حروف مقطعه می باشد و فقط نیز در سوره ی قلم آمده. تعداد این حرف در سوره قلم ۱۳۱ عدد است. با احتساب یک حرف «ن» در بسم الله الرحمن الرحيم می شود ۱۳۲ حرف، که هیچ کدام مضرب ۱۹ نیستند. رشاد خلیفه برای رفع این مشکل و

^۵ رشاد خلیفه یک بهائی مذهب بود. عدد ۱۹ در دین بهائی مقدس می باشد. وی با درست کردن مضرب ۱۹ برای قرآن می خواست دین بهائیت را حق جلوه دهد. به همین علت در پایان کتاب خودش گفته است: و ان البهائی هوالدين الحق

^۶ قرآن ۱۱۴ سوره دارد. بسم الله سوره حمد جزو سوره حساب می شود. سوره ی توبه نیز بسم الله ندارد به همین علت فقط ۱۱۲ بسم الله برای اضافه کردن باقی می ماند که اگر اضافه شود تعداد آیات قرآن به ۶۳۴۸ عدد می رسد.

رساندن تعداد به مضرب ۱۹ دستور داده تا حرف «ن» در اول این سوره به صورت «نون» نوشته شود.

کسی که چنین استدلالی دارد می خواهد بگوید صورت نوشتاری کلمات قبول نیست بلکه به گونه ای که خوانده می شوند باید حسابشان کرد. در این صورت باید خدمت ایشان عرض کنیم اگر قرار باشد صورت خوانداری حروف را حساب کنیم باید تمام تنوین ها و تشدیدها را نیز به این لیست اضافه کنید مثل «حَرِدٍ» در آیه ۲۵ که با تنوین بصورت «حَرْدِین» خوانده می شود و حرف «ن» تولید می کند. همچنین کلماتی که حرف «ن» در آنها تشدید دارند. حرف «ن» در این کلمات یکبار نوشته می شود ولی دو بار تلفظ می گردد. سراسر سوره پُر است از این تنوین ها و تشدیدها (مثل «لا یَدْخُلْنَهَا» در آیه ۲۴) بنابراین ادعای مضرب ۱۹ بودن حرف «ن» در این سوره به یک بازی شبیه است تا واقعیت.

ادعاهای اصلی رشاد خلیفه

“بسم الله الرحمن الرحيم” ۱۹ حرف دارد.

توضیح: این عبارت در اصل دارای ۲۰ حرف می باشد. علت ۱۹ دیده شدن تعداد حروفش این است که معجزه تراشان الف دوم در کلمه ی الرحمن را حذف کرده اند. **الرحمان الرحيم.**

تعداد تکرار کلمات “بسم الله الرحمن الرحيم” در قرآن مضربی از عدد ۱۹ است.

بسم	الله	الرحمن	الرحيم
۱۹	۲۶۹۸ (19 X 142)	۵۷ (19 X 3)	۱۱۴ (19 X 6)

توضیح: تنها یک مورد از این ارقام درست است ولی بقیه ی ارقام صحیح نمی باشند. همانطور که در جدول صفحه بعد می بینید کلمه ی «بسم» فقط ۶ بار در قرآن ذکر شده نه ۱۹ بار. حتی اگر کلمه «اسم» را حساب کنیم باز هم نمی شود زیرا «اسم» ۲۰ بار در قرآن ذکر شده.

رشاد خلیفه اینجا به دو مورد تقلب دست زده. از تعداد کلمات اسم یک عدد دزدیده سپس آن را بجای کلمه «بسم» جا زده است.

تعداد کلمات بسم در قرآن

آدرس	متن آیه	ردیف	آدرس	متن آیه	ردیف
واقعه ۹۶	فَسَبِّحْ بِسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ	۴	هود ۴۱	ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ جَرَّاهَا	۱
حاقه ۵۲	فَسَبِّحْ بِسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ	۵	نمل ۳۰	مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ	۲
علق ۱	اقْرَأْ بِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي	۶	واقعه ۷۴	فَسَبِّحْ بِسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ	۳

تعداد کلمات اسم در قرآن

آدرس	متن آیه	ردیف	آدرس	متن آیه	ردیف
الرحمن ۷۸	تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي	۱۱	مائده ۴	وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ	۱
صف ۶	مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ	۱۲	انعام ۱۱۸	فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ	۲
مزمّل ۸	وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ	۱۳	انعام ۱۱۹	تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ	۳
انسان ۲۵	وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً	۱۴	انعام ۱۲۱	لَمْ يُدْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ	۴
نور ۳۶	وَيُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ	۱۵	انعام ۱۳۸	لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا	۵
آل عمران ۴۵	مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى	۱۶	حج ۲۸	وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ	۶
بقره ۱۱۴	أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى	۱۷	حج ۳۴	لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَى مَا	۷
مریم ۷	نُبَشِّرَكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى	۱۸	حج ۳۶	خَيْرٍ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا	۸
اعلی ۱	سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى	۱۹	حج ۴۰	يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا	۹
اعلی ۱۵	وَذَكَّرِ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى	۲۰	حجرات ۱۱	بِسْمِ الْأَسْمِ الْمُسْوَقُ بَعْدَ	۱۰

کلمه الرحمن با احتساب بسم الله الرحمن الرحيم سوره حمد ۵۷ بار در قرآن ذکر شده. این مورد درست است و مضرب ۱۹ می باشد:

تعداد کلمات رحمان در قرآن

آدرس	متن آیه	ردیف	آدرس	متن آیه	ردیف
فرقان ۲۶	الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ	۲۹	حمد ۳	الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	۱
فرقان ۵۹	الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا	۳۰	بقره ۱۶۳	هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	۲
فرقان ۶۰	لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ	۳۱ و ۳۲	رعد ۳۰	وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ	۳
فرقان ۶۳	وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ	۳۳	اسرى ۱۱۰	أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَتِيًّا	۴
شعرا ۵	مِنْ ذَكَرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ يُحَدِّثُ	۳۴	مریم ۱۸	إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ	۵
نمل ۳۰	وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	۳۵	مریم ۲۶	إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا	۶
یس ۱۱	وَحَشِيئَةَ الرَّحْمَنِ بِالْغَيْبِ	۳۶	مریم ۴۴	إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ	۷
یس ۱۵	وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ	۳۷	مریم ۴۵	أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ	۸
یس ۲۳	إِنْ يُرِيدَنَّ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ	۳۸	مریم ۵۸	إِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ	۹
یس ۵۲	هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ	۳۹	مریم ۶۱	الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ	۱۰
فصلت ۲	تَنْزِيلًا مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	۴۰	مریم ۶۹	أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا	۱۱
زحرف ۱۷	بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ	۴۱	مریم ۷۵	فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا	۱۲
زحرف ۱۹	عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَّا أَشْهَدُوا	۴۲	مریم ۷۸	أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا	۱۳
زحرف ۲۰	لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ	۴۳	مریم ۸۵	الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًّا	۱۴
زحرف ۳۳	لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ	۴۴	مریم ۸۷	مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا	۱۵
زحرف ۳۶	وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ	۴۵	مریم ۸۸	اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا	۱۶
زحرف ۴۵	أَجْعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً	۴۶	مریم ۹۱	أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا	۱۷
زحرف ۸۱	قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ	۴۷	مریم ۹۲	وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ	۱۸
ق ۳۳	مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ	۴۸	مریم ۹۳	إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عِبَادًا	۱۹
الرحمن ۱	الرَّحْمَنُ	۴۹	مریم ۹۶	سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا	۲۰
حشر ۲۲	وَالشَّهَادَةَ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	۵۰	طه ۵	الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى	۲۱
ملك ۳	فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ	۵۱	طه ۹۰	وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي	۲۲
ملك ۱۹	مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ	۵۲	طه ۱۰۸	وَحَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ	۲۳
ملك ۲۹	قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ	۵۳	طه ۱۰۹	إِلَّا مَنْ أَدْرَكَ لَهُ الرَّحْمَنُ	۲۴
نبأ ۳۷	وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا	۵۴	انبيا ۲۶	وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا	۲۵
نبأ ۳۸	إِلَّا مَنْ أَدْرَكَ لَهُ الرَّحْمَنُ	۵۵	انبيا ۳۶	وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ	۲۶
ملك ۲۰	يَنْصُرْكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ	۵۶	انبيا ۴۲	بِاللَّيْلِ وَالتَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ	۲۷
با احتساب بسم الله سورة حمد ۵۷ بار			انبيا ۱۱۲	بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ	۲۸

کلمه رحیم نیز با احتساب بسم الله الرحمن الرحيم سورة حمد ۱۱۵ بار در قرآن ذکر شده و
مضرب ۱۹ نمی باشد:

تعداد کلمات رحیم در قرآن

آدرس	متن آیه	ردیف	آدرس	متن آیه	ردیف
فتح ۱۴	وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا	۲	حمد ۳	الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	۱
مائده ۳۹	إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۴	بقره ۳۷	إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ	۳
مائده ۷۴	وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۶	بقره ۵۴	إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ	۵
مائده ۹۸	وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۸	بقره ۱۲۸	إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ	۷
انعام ۵۴	وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۱۰	بقره ۱۴۳	إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ	۹
انعام ۱۴۵	فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۱۲	بقره ۱۶۰	وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ	۱۱
انعام ۱۶۵	سَرِيعَ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ	۱۴	بقره ۱۶۳	لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	۱۳
اعراف ۱۵۳	إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ	۱۶	بقره ۱۷۳	عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۱۵
اعراف ۱۶۷	لَسَرِيعَ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ	۱۸	بقره ۱۸۲	عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۱۷
انفال ۶۹	إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۰	بقره ۱۹۲	فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۱۹
انفال ۷۰	وَيَعْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۲	بقره ۱۹۹	إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۱
توبه ۵	سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۴	بقره ۲۱۸	وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۳
توبه ۲۷	مَنْ يَشَاءِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۶	بقره ۲۲۶	فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۵
توبه ۹۱	مِنْ سَبِيلِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۸	آل عمران ۳۱	ذُنُوبِكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۷
توبه ۹۹	إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۳۰	آل عمران ۸۹	وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۲۹
توبه ۱۰۲	إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۳۲	آل عمران ۱۲۹	مَنْ يَشَاءِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۳۱
توبه ۱۰۴	وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ	۳۴	نساء ۱۶	إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا	۳۳
توبه ۱۱۷	تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رُءُوفٌ رَحِيمٌ	۳۶	نساء ۲۳	إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا	۳۵
توبه ۱۱۸	إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ	۳۸	نساء ۲۵	خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ	۳۷
توبه ۱۲۸	بِالْمُؤْمِنِينَ رُءُوفٌ رَحِيمٌ	۴۰	نساء ۲۹	إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا	۳۹
يونس ۱۰۷	وَهُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ	۴۲	نساء ۶۴	لَوْجِدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا	۴۱
هود ۴۱	إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ	۴۴	نساء ۹۶	وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا	۴۳
هود ۹۰	إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ	۴۶	نساء ۱۰۰	وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا	۴۵
يوسف ۵۳	إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ	۴۸	نساء ۱۰۶	إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا	۴۷
يوسف ۹۸	إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ	۵۰	نساء ۱۱۰	يَجِدِ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا	۴۹
نحل ۷	إِنَّ رَبَّكُمْ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ	۵۲	نساء ۱۲۹	فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا	۵۱

١٨ نحل	إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٥٤	١٥٢ نساء	وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا	٥٣
٤٧ نحل	فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ	٥٦	مائده ٣	فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٥٥
١١٠ نحل	إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ	٥٨	مائده ٣٤	فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٥٧
احزاب ٤٣	وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا	٦٠	نحل ١١٥	فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٥٩
احزاب ٥٠	وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا	٦٢	نحل ١١٩	إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ	٦١
احزاب ٥٩	وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا	٦٤	اسرى ٦٦	مَنْ فَضَّلَهُ إِنَّمَا كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا	٦٣
احزاب ٧٣	وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا	٦٦	حج ٦٥	إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ	٦٥
روم ٥	وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٦٨	ابراهيم ٣٦	وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٦٧
سبا ٢	يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْعَفُورُ	٧٠	نور ٥	وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٦٩
سجده ٦	وَالشَّهَادَةَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٧٢	نور ٢٠	وَأَنَّ اللَّهَ رُءُوفٌ رَحِيمٌ	٧١
يس ٥	تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ	٧٤	نور ٢٢	لَكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٧٣
يس ٥٨	سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ	٧٦	نور ٣٣	مَنْ بَعَدَ إِكْرَاهِيَهُنَّ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٧٥
حديد ٩	وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ	٧٨	نور ٦٢	هُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٧٧
حديد ٢٨	وَيَعْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٨٠	حجر ٤٩	أَتَى أَنَا الْعَفُورُ الرَّحِيمُ	٧٩
زمر ٥٣	إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ	٨٢	شعرا ٩	وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٨١
مجادله ١٢	فَإِنْ لَمْ يَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٨٤	شعرا ٦٨	وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٨٣
فصلت ٢	تَنْزِيلٍ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	٨٦	شعرا ١٠٤	وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٨٥
فصلت ٣٢	نُزُلًا مِنْ عَفُورٍ رَحِيمٍ	٨٨	شعرا ١٢٢	وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٨٧
حشر ١٠	رَبَّنَا إِنَّكَ رُءُوفٌ رَحِيمٌ	٩٠	شعرا ١٤٠	وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٨٩
حشر ٢٢	وَالشَّهَادَةَ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ	٩٢	شعرا ١٥٩	وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٩١
شورى ٥	أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ	٩٤	شعرا ١٧٥	وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٩٣
ممتحنه ٧	قَدِيرٌ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٩٦	شعرا ١٩١	وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	٩٥
ممتحنه ١٢	إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	٩٨	شعرا ٢١٧	وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ	٩٧
دخان ٤٢	إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ	١٠٠	فرقان ٦	إِنَّهُ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا	٩٩
تغابن ١٤	فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	١٠٢	فرقان ٧٠	وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا	١٠١
احقاف ٨	وَهُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ	١٠٤	نمل ١١	بَعْدَ سُوءِ فَإِنِّي عَفُورٌ رَحِيمٌ	١٠٣
تحریم ١	وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ	١٠٦	نمل ٣٠	وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	١٠٥
حجرات ٥	هُمُ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ	١٠٨	قصص ١٦	إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ	١٠٧
حجرات ١٢	وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ	١١٠	احزاب ٥	وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا	١٠٩
حجرات ١٤	إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	١١٢	احزاب ٢٤	إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا	١١١
طور ٢٨	إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ	١١٤	مزمّل ٢٠	إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ	١١٣

با احتساب بسم الله سورة حمد ١١٥ بار

تعداد واقعی کلمه الله نیز ۲۸۰۷ عدد است که مضرب ۱۹ نمی باشد.

نکته مهم:

گویا جناب رشاد خلیفه فراموش کرده که قبلا گفته بودند بسم الله های هر سوره نیز باید جزو آیات آن سوره حساب شود.

حال اگر مطابق حرف خودش حساب کنیم تعداد کلمات بسم، الله، رحمان و رحیم همگی تغییر خواهند کرد و حتی کلمه رحمان که به صورت واقعی مضرب ۱۹ است از مضرب ۱۹ بودن خارج می شود زیرا ۱۱۲ عدد دیگر^۷ نیز باید به تعداد هر کدام اضافه شود.

(مضرب ۱۹ نیستند) $۱۱۲ + ۶ = ۱۱۸$ بسم $۲۹۱۹ = ۱۱۲ + ۲۸۰۷$ الله

(مضرب ۱۹ نیستند) $۱۱۲ + ۵۷ = ۱۶۹$ رحمان $۲۲۷ = ۱۱۲ + ۱۱۵$ رحیم

اگر یادتان باشد رشاد خلیفه با این کار خواسته بود تعداد آیات قرآن به مضرب نوزده برسد و چون باز هم مضرب ۱۹ نمی شد دستور داد دو آیه آخر سوره توبه را حذف کنند. البته چنین افرادی مردم را احمق فرض کرده اند و گرنه فرد عادی هرگز به خودش اجازه نمی دهد چنین مهملاتی ببافد.

سوره علق اولین سوره نازل شده بر پیامبر ۱۹ آیه و ۲۸۵ حرف یعنی 19×15 حرف دارد. همچنین ۱۹ سوره مانده به آخر قرآن یعنی سوره ۹۶ است.

توضیح: بله سوره علق ۱۹ سوره مانده به آخر قرآن است ولی مثل اینکه جناب خلیفه فراموش کرده که قبلا گفته بود بسم الله الرحمن الرحیم های اول هر سوره نیز جزو آیات آن سوره است و باید حساب شوند. با احتساب بسم الله، این سوره ۲۰ آیه خواهد داشت نه ۱۹ آیه. ضمنا

^۷ قرآن ۱۱۴ سوره دارد. بسم الله سوره حمد جزو سوره حساب می شود. سوره ی توبه نیز بسم الله ندارد به همین علت فقط ۱۱۲ بسم الله برای اضافه کردن باقی می ماند.

این سوره دقیقا ۲۸۸ حرف دارد نه ۲۸۵ تا. تعداد حروف هر یک از آیات را با رنگ آبی جلوی خودش نوشته ایم. دوستان برای اطمینان خاطر می توانند خودشان نیز شمارش کنند.

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱۸) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۱۵) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۱۴) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۱۳) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۱۸) كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي (۱۷) أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (۱۱) إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى (۱۴) أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (۱۳) عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰) أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ (۱۸) أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ (۱۲) أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۵) أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ (۱۷) كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۲۶) نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۵) فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۰) سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۲) كَلَّا لَا تَطِعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۲۰)

$$۲۸۸ = ۲۰ + ۱۲ + ۱۰ + ۱۵ + ۲۶ + ۱۷ + ۱۵ + ۱۲ + ۱۸ + ۱۰ + ۱۳ + ۱۴ + ۱۱ + ۱۷ + ۱۸ + ۱۳ + ۱۴ + ۱۵$$

پنج آیه اول علق که اولین آیات نازل شده بر پیغمبر (ص) است ۱۹ کلمه دارد و ۷۶ حرف است یعنی $19 \times 4 = 76$

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اقْرَأْ وَ رَبِّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

توضیح: این پنج آیه، ۷۸ حرف دارد و دو حرف را نادیده گرفته است. خودتان بشمارید تا مطمئن شوید. کلمه نیز تعریف مشخصی ندارد. در معجزه ی شهرین متتابعین حرف «و» و حرف «لم» کلمه حساب می شد ولی اینجا کلمه حساب نشده اند زیرا اگر حساب شوند تعداد ۲۱ می شود و این یعنی نحوه ی شمارش کلمات از سوی معجزه تراشان کاملا دلبخواهی است.

سوره نصر آخرین سوره نازل شده بر پیامبر دارای ۱۹ کلمه و آیه اول آن ۱۹ حرف دارد.

توضیح: آخرین سوره نازل شده سوره توبه است نه سوره نصر. نه تعداد حروف در سوره توبه مضرب ۱۹ است و نه تعداد کلماتش.

در تمامی حروف مقطعه قرآن نیز این روابط ریاضی بر مبنای مضرب ۱۹ وجود دارد که حدود دویست رابطه است.

حرف "ق" در سوره ق ۵۷ بار تکرار شده است یعنی 19×3 (ادعا صحیح است).

حرف "ن" در سوره نمل ۱۳۳ بار آمده است یعنی 19×7

توضیح: ادعا غلط است. تعداد واقعی ۱۳۲ می باشد. وی برای جبران یک مورد کسری خودش، حرف "ن" در اول سوره را به صورت «نون» حساب کرده است.

حرف "ص" در سوره اعراف ۹۷ بار، در سوره مریم ۲۶ بار و در سوره "ص" ۲۹ بار آمده که جمع آن در سه سوره ۱۵۲ می باشد. یعنی: 19×8 (ادعا صحیح است).

حرف "ک" در سوره مریم ۱۳۳ بار آمده است یعنی: 19×7

توضیح: ادعایی است کاملاً دروغ. تعداد حرف ک در سوره مریم ۱۳۷ تاست. از شانس رشاد خلیفه در بین ۲۹ سوره ای که حروف مقطعه دارند^۸ حرف «ک» فقط در سوره ی مریم است. به همین علت نتوانسته آن را با سوره ای دیگر جمع ببندد لاجرم به دروغ متوسل شده است.

حروف مقطعه « ی » و « الف »

بین چهارده حرف «ع، ی، ل، ه، ک، س، م، ن، ق، ح، ط، ا، ر، ص» که حروف مقطعه ی قرآن را تشکیل می دهند دو حرف «الف، ی» حالت خاصی نسبت به دوازده حرف دیگر دارند. دوازده حرف دیگر را به راحتی می شود شمرد ولی شمارش این دو حرف با حرف و حدیث

^۸ حروف مقطعه و ۲۹ سوره ی مذکور از این قرارند:

الم، المر، المص، کهیعص، حم، طه، یس، ق، ص، ن، عسق. طسم.

بقره، آل عمران، اعراف، یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم، حجر، مریم، طه، شعرا، نمل، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، سجده، یس، ص، مومن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جائیه، احقاف، ق، قلم

های بسیاری همراه است و اشکالات زیادی ایجاد می کند. دوازده حرف دیگر، هم نوشته می شوند هم خوانده می شوند ولی این دو حرف گاهی نوشته می شوند ولی خوانده نمی شوند و گاهی هم برعکس، خوانده می شوند ولی نوشته نمی شوند و چهارگونه حالت دارند. این چهار حالت از این قرارند:^۹

ردیف	عبارت	توضیح	تلفظ
۱	کونوا	الف آخرش نوشته می شود ولی خوانده نمی شود.	کونو
۲	هذا	الف دومش نوشته نمی شود ولی خوانده می شود.	هاذا
۳	موسی	حرف آخرش <u>ی</u> نوشته می شود ولی الف خوانده می شود.	موسا
۴	زکوة	حرف سومش <u>واو</u> نوشته میشود ولی الف خوانده می شود.	زکات

حتی حالت پنجمی نیز برای این مسأله وجود دارد و آن اینکه برخی قرآنها برای مثال کلمه ی **سَمَوَات** را با یک الف به صورت **سَمَوَات** و برخی دیگر با دو الف به صورت **سماوات** می نویسند. حال با این اوصاف چگونه یک شخص می تواند بگوید من این دو حرف «**الف و ی**» را در قرآن شمردم و فلان تعداد بودند یا مضرب نوزده می شدند؟؟؟؟ نتیجه می گیریم هر کس چنین ادعایی کند صد در صد دروغگوست چون هیچ معیاری نمی توان برای شمارش آنها در نظر گرفت و هزار جور اشکال در شمردن اینها پیش می آید. به فرض در کلمات «موسی و حتی» خواهند پرسید آیا حرف آخر این کلمات را «ی» حساب کردید یا الف؟ آخر در کلمه ی «کونوا» خوانده نمی شود؛ آیا آن را حساب کردید یا نکردید؟ همچنین حالت‌های دیگر؟ حروف مقطعه در سوره ی بقره «الم» است. که **الف لام میم** خوانده می شوند. آیا آنها را سه حرف حساب می کنید یا **۹** حرف؟ در **الف** حرف «ل» وجود دارد. در **لام** حرف «ا» و حرف «م» موجود است، همچنین در **میم** دو تا «م» تلفظ می گردد. حال اگر کسی بخواهد حروف مقطعه در سوره ی بقره را بشمارد آیا باید اینها را نیز حساب کند یا نه؟ اگر حساب کند یک

^۹ امثال این کلمات در قرآن بیشتر است آنچه ما اشاره کرده ایم فقط چند نمونه است.

جور مشکل پیش می آید و اگر حساب نکند جور دیگر!!!! چنانچه ملاحظه می کنید هزار جور
اما و اگر در شمارش این حروف وجود دارد بنابراین ادعای شمارش این دو حرف جز دروغ و
تقلب چه می توند باشد؟

این دو حرف را با اوصافی که عرض شد هرگز نمی توان شمرد. فلذا بنده نیز از شمارش آنها
صرف نظر کردم زیرا هیچ معیار و قانونی برایشان وجود ندارد و هر کس هر قانونی که وضع
کند فقط مطابق سلیقه ی خودش وضع می کند. برای مثال اگر در شمارش الف، یک عدد الف
کم بیاورد سموات را تبدیل به سماوات می کند و اگر هم یک الف زیاد بیاورد «ذالک» را
بصورت «ذالک» حساب خواهد کرد تا تعداد شمارش شده با مضرب نوزده جور در بیاید.

لازم به ذکر است چند حروف مقطعه نیز وجود دارد که تعدادشان با مضرب نوزده جور در
می آید مثل حرف «ق» در سوره ی شوری که ۵۷ حرف است و مضرب نوزده نیز می باشد.
تذکر این نکته از آن جهت است که خوانندگان عزیز بدانند بنده منکر مضرب نوزده بودن تمام
حروف مقطعه نیستم فلذا این شبهه در ایشان پیش نیاید که ما همه را رد می کنیم. سخن
بنده این است که چون در بین این حروف مثالهای نقض برای مضرب نوزده بودن بسیار است
ادعای معجزه بودن این قضیه به کلی مردود می باشد. این موضوع تنها در صورتی می توانست
معجزه باشد که همه ی حروف مقطعه تعدادشان مضرب نوزده می شد ولی چون اکثرشان
مضرب نوزده نیستند پس نتیجه می گیریم آن تعداد اندکی هم که مضرب ۱۹ هستند چیزی
جز تصادف و اتفاق نیست. زیرا اگر شما هر حرفی را در هر کتابی بشمارید تعدادش بالاخره
مضربی از یک عدد خواهد بود. و تعجبی هم ندارد چون بالاخره اکثر اعداد مضربی از مضربهای
یک عدد دیگرند و این امر یک قضیه ی کاملاً اتفاقی و تصادفی است که هیچ ربطی به نبوغ
یا هوش نویسنده ندارد و هیچ زحمتی هم نمی طلبد حتی کوچکترین زحمت، چون نویسنده
آن اصلاً کاری به تعداد حروف ندارد.

امثال این عدد بازیها میان معجزه تراشان قرآن بسیار است ما اگر بخواهیم تمامی موارد را در
این کتاب به بحث بگذاریم، هم این کتاب بحر طویل می شود و هم از حوصله ی خواننده خارج
است ولی از آنجا که مُشت نمونه ی خروار است و انسان عاقل را فقط یک اشاره کافی

است (العقل یکفیه الاشارة) تنها به ذکر چند نمونه ی معروف بسنده کردیم زیرا همین چند نمونه ی معروف کافی است تا عزیزان دروغ بودن بقیه ی این ادعاهای پوچ را با عقل و منطق سنجیده و به باور قلبی برسند. شما نیز اگر خودتان قسمت معجزات عددی را بطور کامل در جاهای دیگر مطالعه کنید خواهید دید که این بحث (مضرب نوزده) تنها یک بازی با حروف است. اشخاص خیال پردازی که هر جا یک عدد کم می آورند چیزی را به آن می افزایند و هر جا اضافه می آورند به بهانه ای آن را نادیده می گیرند تا بالاخره به نحوی عدد حاصل شده با مضرب ۱۹ آنها جور دربیاید.

اگر از سوره ناس به صورت بر عکس سوره ها را بشمارید علق سوره نوزدهم می شود ولی آیا واقعا به چنین چیزی معجزه می گویند حرف از اعجاز ریاضی زدن برای قرآنی که در ساده ترین مسأله ریاضی جهان یعنی ۲+۲ اشکال دارد (فصل هفتم این کتاب) جز حماقت و سفاهت چیز دیگری نمی تواند باشد.

جناب رشاد خلیفه از پیروان فرقه ی بهائیت در کشور مصر بود. از آنجا که عدد ۱۹ عدد مقدس این فرقه می باشد رشاد خلیفه برای تبلیغ حقانیت مذهب خویش سعی کرد تا با درست کردن ماجرای مضرب نوزده برای قرآن، فرقه ی بهائیت را تنها دین بر حق عالم معرفی کند. وی این کار را با دستکاری در رسم الخط قرآن و شگردهایی که به برخی از آنها اشاره کردیم انجام داد. نقطه ی شروع کار وی از خود **بسم الله الرحمان الرحیم** بود که با تبدیل کردن کلمه الرحمان به الرحمن (حذف یک الف) مدعی شد **بسم الله الرحمان الرحیم** ۱۹ حرف دارد. پس نتیجه می گیریم فرقه ی بهائیت مورد تأیید خداست و تمامی فرقه های دیگر چه شیعه چه سنّی باطلند و انّ البهائی هوالدین الحق و... گویند همین رشاد خلیفه بعدها ادعای نبوت نیز کرد و گفت من پیامبرم و به همین جرم نیز توسط مسلمانان پاکستانی کشته شد. این بود ماجرای مضرب ۱۹ و عاقبت نظریه پردازش. ماجرای که از همان **بسم الله** آغازینش با دروغ و تقلّب و حيله گری (حذف یک الف) آغاز شده بود. **سالی که نکوست از بهارش پیداست.**

مضرب ۷ در سوره حمد



تعداد آیات سوره حمد ۷ است:

از ۲۸ حرف عربی ۷ حرف در سوره حمد نیامده (ث، ج، خ، ز، ش، ظ، ف) و ۲۱ حرف دیگر ذکر شده است.

تعداد حروف مقطعه ۱۴ (۲ × ۷) تاست که این حروف ۱۱۹ بار در سوره تکرار شده اند که مضربی از عدد ۷ است.

توضیح: سازنده این معجزه فردی به نام عبدالدائم الکحیل است. وی نیز همچون رشاد خلیفه مصری از همین آغاز بنای کارش را بر قلب گذاشته و با تغییر در رسم الخط آیات، چهار حرف از این سوره را حذف کرده تا عده‌های حاصله مضرب ۷ در بیایند. اگر دقت کنید وی کلمات الْعَالَمِينَ، مَالِكٍ و صِرَاطِ را به صورت الْعَلَمِينَ، مَلِكٍ و صِرَاطِ نوشته است زیرا اگر چنین نمی کرد تعداد حروف مقطعه در سوره ۱۲۳ می شد و ۱۲۳ مضرب ۷ نیست.

تعداد تکرار حروف الله یعنی (ا ل ه) در این سوره ۴۹ بار است. $۷ \times ۷ = ۴۹$

توضیح: تعداد واقعی ۵۳ بار است. ۴۹ بار به این علت است که وی چهار الف را از کلمات الْعَالَمِينَ، مَالِكٍ و صِرَاطٍ (۲ بار) حذف کرده. ضمناً اگر الف دیگری را که رشاد خلیفه از کلمه ی الرحمان دزدیده به آن بیفزاییم تعداد به ۵۴ خواهد رسید که واقعی تر خواهد بود و مضرب ۷ هم نیست.

اولین آیه این سوره (بسم الله الرحمن الرحيم) ۱۹ حرف و آخرین آیه آن (صرط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين) ۴۳ حرف دارد. اگر این ۲ عدد را کنار هم بنویسیم ۴۳۱۹ بدست می آید که مضربی از ۷ است: $۴۳۱۹ = ۷ \times ۶۱۷$

توضیح: کاری به تعداد حروف بسم الله نداریم ولی آیه ی آخر ۴۴ حرف دارد. بازهم جناب عبدالکحیل یک الف را (الف صراط) دزدیده. خودتان بشمارید تا دروغ این مسلمان را ببینید.

صرط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين

از میان ۲۸ حرف ابجد (حروف زبان عربی) ۱۰ حرف در اولین آیه و ۱۶ حرف در آخرین آیه این سوره آمده است، اگر این ۲ عدد را کنار هم قرار دهیم ۱۶۱۰ بدست می آید که بر ۷ بخشپذیر است: $۱۶۱۰ = ۷ \times ۲۳۰$

توضیح: این مورد صحیح است.

اگر تعداد کلمات اولین آیه (۴) و آخرین آیه (۱۰) را با هم جمع کنیم ۱۴ به دست می آید که مضربی از ۷ است: (۷×۲)

توضیح: کلمه هرگز تعریف مشخصی برای شمردن ندارد. برخی حرف ربط «و» را کلمه حساب

می کنند برخی نمی کنند. ضمنا عبارت **عَلَيْهِمْ** خودش دو کلمه است و معنایش «بر آنها» می باشد. چسبیده نوشته شدن دلیل بر یک کلمه بودن نیست.

اگر برای آخرین کلمات هر آیه یعنی (الرحیم - العلمین - الرحیم - الدین - نستعین - المستقیم - الضالین) تعداد حروف آنها را بنویسیم عدد حاصله ۵ مرتبه بر ۷ بخشپذیر است!

الرحیم	العلمین	الرحیم	الدین	نستعین	المستقیم	الضالین
۶	۷	۶	۵	۶	۸	۷
$468 \times 7 \times 7 \times 7 \times 7 \times 7 = 7865676$						

توضیح: باز هم همان دروغ قبلی زیرا العالمین دارای ۸ حرف است که جناب عبدالکحیل برای جورشدن محاسبات خود مجبور شده یک حرفش را بدزدد. عدد واقعی ۷۸۶۵۶۸۶ می باشد که مضرب ۷ نیست.

حمد سوره شماره ۱ و دارای ۷ آیه و ۳۱ کلمه است اگر این سه عدد را به ترتیب کنار هم بگذاریم عدد ۳۱۷۱ بدست می آید که مضرب ۷ است. (۴۵۳×۷)

اولین سوره قرآن حمد که عدد آن ۱ و آخرین سوره قرآن ناس که عدد آن ۱۱۴ است. اگر این ۲ عدد را کنار هم قرار دهیم عدد ۱۱۴۱ بدست می آید که مضربی از ۷ است. (۱۶۳ × ۷)

توضیح: این شگرد، کنار هم قرار دادن اعداد است با این روش صدها مضرب می توان ساخت لطفا این شگرد را به خاطر بسپارید زیرا در فصل ششم (معجزه مضرب ۱۳ و ۵ در غزلهای حافظ و شهریار) ما نیز دو سه مورد از همین شگرد را استفاده کرده ایم.

نکته: نه تعداد حروف این سوره مضرب ۷ است (۱۳۹ حرف) و نه تعداد واژه هایش. (۳۱ واژه). خدای جناب عبدالکحیل برای مضرب ۷ شدن، شماره سوره حمد با شماره سوره ناس را تنظیم کرده ولی اصلا یادش نبود تعداد حروف این سوره را نیز مضرب ۷ قرار دهد!!

مضرب ۳۳

بعد از محکومیت مضربهای ۷ و ۱۹ بد نیست بدانید این بار از خود ایران، عنصر سست مغز دیگری به اسم فریبرز رازقی پیدا شده که برای به شهرت رساندن خود و اعتقادات پوشالی اش مضربی دیگر با عنوان مضرب ۳۳ برای قرآن ساخته است. ماجرای مضرب ۳۳ بسیار سست تر و خنده دارتر از دو مورد قبلی (مضربهای ۷ و ۱۹) است. و هیچ نیازی به گرفتن وقت خوانندگان عزیز ندارد. به همین علت تنها برای آشنایی با اوج حماقت این افراد گوشه هایی از این مضرب را نیز نقل می کنیم.

سوره مبارکه آل عمران بر اساس آیه شماره ۳۳ خود نامگذاری شده است. بقره هم بر اساس آیه شماره ۳۳+۳۴ خود نامگذاری شده است.

توضیح: این موضوع زمانی می توانست شگفت انگیز باشد که تمامی سوره ها بر اساس آیه ۳۳ خودشان نامگذاری می شدند. بیش از صد سوره دیگر قرآن نیز بر اساس آیات دیگرشان نامگذاری شده اند. ضمنا عدد ۶۷ را ۳۳+۳۴ نوشتن آیا می شود معجزه مضرب ۳۳؟

هر سی و سه سال شمسی تقریبا معادل ۳۴ سال قمری ست. جالب آنکه در قرآن ۳۴ تا آیه شماره ۳۳+۳۴ داریم.

توضیح: مضرب شما ۳۳ است نه ۳۴. پس باید ۳۳ تا آیه شماره ۳۴ در قرآن وجود می داشت که نیست. آیات شماره ۳۴ در قرآن ۶۱ تا است. از این گذشته آیه ای که ایشان می گوید ۳۴ بار در قرآن وجود دارد آیه شماره ۶۶ است نه ۳۳. وی چون دیده آیات شماره ۳۳ و ۳۴ هر دو تعدادشان ۶۱ تا است آیات شماره ۶۶ را جایگزین کرده و آن را ۳۳ + ۳۳ نوشته است. منطقی ترش این بود که ۳۳ تا آیه ۳۴ یا حداقل ۳۳ تا آیه ۶۷ (۳۳+۳۴) در قرآن می بود ولی تعداد آیات ۳۳ و ۳۴ در قرآن ۶۱ تا و آیات ۶۷ (۳۳+۳۴) تا می باشد که منطقی نیست.

«بحر» ۳۳ بار، «جبال» ۳۳ بار، «احد» ۳۳ بار، «او» در نساء ۳۳ بار، «الذین» در سوره انعام ۳۳ بار تکرار شده است.

توضیح: جالب است. معجزه تراش قبلی که می خواست از نسبت آنها و خشکیهای زمین در قرآن معجزه بسازد تعداد کلمه بحر را ۳۲ بار گفته بود. حالا این معجزه ساز تعداد آن را ۳۳ بار که تعداد صحیح است نوشته. دکانداران سخیف و خرافاتی اسلام بی آنکه متوجه باشند یکدیگر را محکوم می کنند زیرا همگی باطلند. از این گذشته هزاران کلمه در قرآن وجود دارد که تعدادشان ۳۳ نیست. معجزه ساز عزیز کل قرآن را گشته و تنها ۵ کلمه با تعداد ۳۳ یافته و آن را معجزه دیده است.

تعداد آیات سوره حج و ۳۳ سوره بعد از آن باهم مساوی است. (جن). (بارالها!) چه اسراری تاکنون مکتوم مانده است و ما کمترین خبری هم نداشته ایم!!!

توضیح: اولاً ۳۳ سوره بعد از حج، سوره الرحمن است نه سوره جن. بله سوره الرحمن و حج هر دو ۷۸ آیه دارند. ثانیاً این مورد زمانی می توانست منطقی باشد که تمامی سوره هایی که تعداد آیاتشان مساوی است ۳۳ سوره باهم فاصله می داشتند ولی تنها یک مورد اینگونه است و بقیه نیستند. برای مثال حمد و ماعون تعداد آیاتشان مساوی است ولی ۱۰۶ سوره فاصله دارند. همچنین یوسف و اسری که ۵ سوره فاصله دارند.

سی و سومین حزب قرآن کریم مستقلاً" به سوره انبیاء اختصاص یافته است.

توضیح: سی و سومین حزب قرآن آیات ۸۸ تا ۱۴۱ سوره اعراف است نه سوره انبیا. سوره انبیا در جزء ۱۷ قرآن، حزبهای ۶۵ و ۶۶ واقع است. آیا قرار گرفتن یک سوره در یک حزب یا جزء چیز عجیبی است؟ تنها انسانهای حقیر از چنین موضوعات حقیر و بیربط به شگفتی می آیند.

در هر یک از سوره های مائده، یس و نمل، ۳۳ آیه با حرف «و» آغاز می شوند. در سوره طه نیز ۳۳ آیه با حرف «ق» آغاز می شود.

توضیح: کاشف عزیز کل قرآن را زیر و رو کرده تا توانسته در ۴ سوره به این کشف بزرگ برسد!

نتیجه گیری از مطالب فصل

در کل ماجرای مضرب ۷ و ۳۳ خنده دار تر از ماجرای مضرب ۱۹ است. جناب عبدالکحیل به هر روشی چنگ زده تا بالاخره یک عدد با مضرب ۷ از این سوره در بیاورد آن قدر که گاهی مجبور به حذف حروف یا حتی گفتن دروغ هم شده است. اگر واقعیت را بخواهید هر عددی را که شما فرض کنید می توانید به همین روش صدها مضرب برایش بسازید و اصلا لازم نیست مثل ایشان دروغ بگویید یا حروف را حذف و اضافه کنید فقط کافی است فکر کنید و حوصله به خرج دهید.

از نوع محاسبات عبدالکحیل پیداست وی علاوه بر دروغگو بودن، سخیف و کم عقل نیز بوده است زیرا به جای این همه دروغ و تقلب می توانست تعداد نقطه ها و تعداد تشدیدهای این سوره را مطرح کند که هر دو تعدادشان مضرب ۷ است.

آری درست کردن معجزه ی مضرب ریاضی برای یک متن، آسان ترین کار ممکن است که از عهده ی هر کسی بر می آید. توصیه می کنم کسانی که این حرف را باور ندارند یا هنوز هم طبیعی و تصادفی بودن مضربهای عددی ۱۹ و ۷ را در قرآن نمی پذیرند حتما فصل بعدی این کتاب را بخوانند. فصلی که در آن اعجاز عددی مضرب ۱۳ و مضرب ۵ را در غزلیات حافظ و شهریار نشان داده ایم آن هم درست به همین روشهایی که آقایان رشاد خلیفه و عبدالکحیل انجام داده اند + روشهایی دیگر و متنوع تر. با این تفاوت که بسیاری از اعداد ایشان دروغ و اشتباه است ولی اعداد ما همگی صحیح و درستند. از این گذشته نه تعداد حروف قرآن مضرب ۱۹ است و نه تعداد حروف سوره حمد مضرب ۷. ولی غزلهای حافظ و شهریار گذشته از تعداد کلمات، نقطه ها و ... تعداد حروفشان نیز مضرب ۵ و ۱۳ می باشند.

فصل ششم

اعجاز در آثار شاعران

مقدمه فصل

شگرد بازی با اعداد بر مبنای یک مضرب و ساختن نسبت‌های عددی در مورد قرآن را دیدید این شگردها تقریباً شش دسته بودند:

اعدادی که به تنهایی مضرب عدد مورد نظر بودند. / مضربهایی که از حاصل جمع ساخته می شدند. / مضربهایی که از حاصل ضرب ساخته می شدند. / مضربهایی که بر اساس حروف ابجد ساخته می شدند. / نسبت‌هایی که از تقسیم متن به دو نیمه ی مساوی حاصل می شدند. مثل نسبت سوره های زوج و فرد / نسبت‌هایی که از ردیف بدست می آید. مثل نسبت ردیفی در سوره ی حدید که صحیح بود.

گرچه بسیاری از اعداد و نسبت‌های مطرح شده در مورد قرآن دروغ بودند ولی حتی اگر دروغ نبودند باز هم معجزه محسوب نمی شدند زیرا نسبت‌های عددی بر اساس یک مضرب در تمامی متون و نوشته های مکتوب وجود دارد. نام این کار بازی با اعداد است و دلیل اینکه در نگاه اول شگفت انگیز به نظر می رسد بی خبری و بی اطلاعی ما از اصل قضیه است.

آری در هر کتاب، شعر یا نوشته ای که تصور کنید چنین نسبت‌هایی وجود دارد کافی است وقت بگذارید حوصله به خرج دهید و بگردید درست همانگونه که دکانداران دین برای فریب مردم وقت گذاشته و حوصله به خرج داده اند. حال برای اینکه ادعایمان را ثابت کنیم چند مورد از غزل‌های شاعران را می آوریم و تمامی کارهایی را که معجزه تراشان برای قرآن کرده اند روی همین غزلها انجام می دهیم.

قرآن بیش از هزار صفحه است لذا میدان بازی با اعداد در آن نیز بسیار وسیع تر است به همین علت میلیونها عدد و رابطه می توان در آن پیدا کرد ولی غزل‌های مورد نظر ما گرچه فقط ده بیتند ولی تمامی شگردهایی را که در فصل‌های گذشته برای قرآن مطرح کردیم دارا می باشند با این تفاوت که بیشتر اعداد و نسبت‌های ادعا شده در مورد قرآن دروغند ولی اعداد و نسبت‌های مطرح شده در این غزلها همگی راست و صحیح می باشند.

معجزهٔ مضر ب ۱۳ در غزل شهریار

سیزده را همه عالم بدر آیند از شهر

من خود آن سیزدهم کز همه عالم بدرم

(شهریار)

حالا چرا

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا	بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی	سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست	من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا
نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم	دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا
وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار	این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا
شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود	ای لب شیرین، جواب تلخ سربالا چرا
ای شب هجران که یک دم درتوچشمانم نخفت	این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند	در شگفتم من نمی پاشد ز هم دنیا چرا
در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین	خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا
شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر	این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

خصوصیات کلی غزل

این غزل جمعا ۵۴۶ حرف (۱۳ x ۴۲) ۲۹۹ نقطه (۱۳ x ۲۳) و ۱۵۶ واژه دارد. (۱۳ x ۱۲)

مصرعهای زوج				مصرعهای فرد			
واژه	نقطه	حروف	مصرع	واژه	نقطه	حروف	مصرع
۹	۱۳	۲۸	۲	۷	۱۲	۲۶	۱
۶	۱۳	۲۸	۴	۷	۷	۲۷	۳
۹	۱۱	۲۸	۶	۹	۱۱	۲۸	۵
۹	۱۵	۲۹	۸	۷	۱۵	۲۸	۷
۹	۲۳	۲۸	۱۰	۸	۱۰	۲۷	۹
۸	۱۸	۲۵	۱۲	۹	۱۸	۳۱	۱۱
۸	۱۵	۲۸	۱۴	۱۰	۲۲	۲۹	۱۳
۸	۲۱	۲۶	۱۶	۶	۲۴	۲۹	۱۵
۶	۱۱	۲۵	۱۸	۸	۱۱	۲۴	۱۷
۷	۱۶	۲۶	۲۰	۶	۱۳	۲۶	۱۹
۷۹	۱۵۶	۲۷۱	جمع	۷۷	۱۴۳	۲۷۵	جمع

تعداد واژه ها	تعداد نقطه ها	تعداد حروف	ابیات
۱۶	۲۵	۵۴	بیت اول
۱۳	۲۰	۵۵	بیت دوم
۱۸	۲۲	۵۶	بیت سوم
۱۶	۳۰	۵۷	بیت چهارم
۱۷	۳۳	۵۵	بیت پنجم
۱۷	۳۶	۵۶	بیت ششم
۱۸	۳۷	۵۷	بیت هفتم
۱۴	۴۵	۵۵	بیت هشتم
۱۴	۲۲	۴۹	بیت نهم
۱۳	۲۹	۵۲	بیت دهم
۱۵۶	۲۹۹	۵۴۶	جمع کل

حروف تشکیل دهنده:

غزل جمعا از ۲۶ حرف الفبا ساخته شده است: (۱۳ x ۲)

این ۲۶ حرف جمعا ۵۴۶ بار در کل غزل به کار رفته اند: (۱۳ x ۴۲)

۹۷/آ	۲۸/ب	۴/پ	۱۹/ت	۷/ج	۱۴/چ	۵/ح	۸/خ	۳۰/د	۴۹/ر	۱۳/ز	۱۱/س	۱۴/ش
------	------	-----	------	-----	------	-----	-----	------	------	------	------	------

۱/ط	۶/ع	۳/غ	۱۲/ف	۴/ق	۱۲/ک	۵/گ	۱۶/ل	۴۰/م	۴۵/ن	۳۱/و	۲۶/هـ	۴۶/ی
-----	-----	-----	------	-----	------	-----	------	------	------	------	-------	------

این ۲۶ حرف را به هر ترتیب که طبقه بندی کنید مجموع اعداد هر قسمت مضربی از عدد ۱۳ خواهد بود:

*- ترتیب الفبا

۱۳ حرف اول: **ا-ب-پ-ت-ج-چ-ح-خ-د-ر-ز-س-ش** (۱۳ x ۲۳) ۲۹۹

۱۳ حرف دوم: **ط-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ی**^{۱۰} (۱۳ x ۱۹) ۲۴۷

*- ترتیب ریاضی

۱۳ عدد اول: **۱-۳-۴-۴-۵-۵-۶-۷-۸-۱۱-۱۲-۱۲-۱۳** (۱۳ x ۷) ۹۱

۱۳ عدد دوم: **۱۴-۱۴-۱۶-۱۹-۲۶-۲۸-۳۰-۳۱-۴۰-۴۵-۴۶-۴۹-۹۷** (۱۳ x ۳۵) ۴۵۵

*- ترتیب زوج و فرد

تعدادهای فرد: **۱-۳-۵-۵-۷-۱۱-۱۳-۱۹-۳۱-۴۵-۴۹-۹۷-** (۱۳ x ۲۲) ۲۸۶

تعدادهای زوج: **۴-۴-۶-۸-۱۲-۱۲-۱۴-۱۴-۱۶-۲۶-۲۸-۳۰-۴۰-۴۶** (۱۳ x ۲۰) ۲۶۰

^{۱۰} حرف «ی» در چهار حالت نوشته می شود: (ئ ی ئ ی) در سه حالت اول جزو حروف بی نقطه است و در حالت چهارم جزو حروف نقطه دار. از این چهار حالت سه حالت آن در غزل وجود دارد: (ی ئ ی). این هر سه حالت که جمعا ۴۶ بار در غزل تکرار شده همگی حرف «ی» محسوب می شوند.

*- حروف اول و آخر مصرعها جمعا از ۱۳ حرف تشکیل شده است:

ا، ب، ت، خ، د، ر، س، ش، ع، م، ن، و، ی

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا	بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی	سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست	من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا
نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم	دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا
وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار	این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا
شور فرهادم به پرسش سربه زیر افکنده بود	ای لب شیرین جواب تلخ سر بالا چرا
ای شب هجران که یکدم در تو چشماتم نخفت	این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند	در شگفتم من نمی پاشد زهم دنیا چرا
در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین	خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا
شهریارا بی حبيب خود نمی کردی سفر	این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

*- شش حرف در غزل وجود ندارند. حاصل جمع ابجد آنها مضرب ۱۳ می باشد:

$$(۹۰۰ظ) + (۸۰۰ض) + (۹۰ص) + (۰ژ) + (۷۰۰ذ) + (۵۰۰ث) = ۲۹۹۰ (۱۳ \times ۲۳۰)$$

معشوقه غزل

معشوقه شهریار، ثریا ابراهیمی بود. مجموع حروف «ثریا ابراهیمی» و «محمدحسین شهریار» در کنار یکدیگر مضرب ۱۳ است (۲۶ حرف). نقل است وقتی استاد اواخر عمرش در بیمارستان بستری بود ثریا به عیادت وی رفت و وقتی در اتاق را باز کرد شهریار این شعر مشهور را که از

مفاخر ادبیات فارسی است برایش سرود. شهریار در طول غزل با این القاب از ثریا یاد کرده:

القاب	بی وفا	نوشدارو	سنگدل	نازنین	شیرین	گل	حبیب
مصرع	۲	۳	۴	۷	۱۲	۱۷	۱۹
ابجد	۹۹	۵۶۷	۱۴۴	۱۶۸	۵۷۰	۳۰	۲۲

*- این القاب دارای ۱۳ حرف مشترک با «ثریا ابراهیمی» هستند. (حروف قرمز)

*- مجموع شماره مصرع و ابجدهای این القاب مضرب ۱۳ است: (۱۲۸ x ۱۳) ۱۶۶۴

*- اگر ابجد این القاب را با همین ترتیب کنار هم بچینیم عددی هجده رقمی حاصل میشود

که مضرب ۱۳ است: (۱۲۳۰۵۷۰۵۲۳ x ۱۳) ۱۶۸۱۴۴۵۶۷۹۹

*- تعداد حروف «ثریا ابراهیمی» هم در کل غزل و هم در مصرع سیزدهم، مضرب ۱۳ است:

حروف ثریا ابراهیمی در غزل

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا
نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست
نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم
وہ کہ با این عمرهای کوتاه بی اعتبار
شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
ای شب هجران که یگانگم در تو چشمانم نخفت
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند
در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین
شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر

بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا
دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا
این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا
ای لبها شیرین، جواب تلخ سر بالا چرا
این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا
در شگفتم من نمی باشد ز هم دنیا چرا
خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا
این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

ث/۰ بار	ر/۴۹ بار	ی/۴۶ بار	آ/۹۷ بار	ب/۲۸ بار	ه/۲۶ بار	م/۴۰ بار
---------	----------	----------	----------	----------	----------	----------

واژه های غزل

*- ۱۵۶ واژه در غزل به کار رفته است: (۱۲ x ۱۳)

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا	بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
نوشداروئی و بعد از مرگ سهراب آمدی	سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست	من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا
نازینا ما به ناز تو جوانی داده ایم	دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا
وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار	این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا
شور فرهادم به پریش سر به زیر افکنده بود	ای لب شیرین جواب تلخ سر بالا چرا
ای شب هجران که یک دم در تو چشمانم نخفت	این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند	در شگفتم من نمی باشد ز هم دنیا چرا
در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین	خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا
شهربارا بی حبيب خود نمی کردی سفر	این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

*- کلمات «منی شیدا» به طور مشترک واژه های وسطی غزل می باشند. (هفتاد و هشتمین واژه های غزل از اول و از آخر) این دو واژه روی هم ۱۳ حرف و نقطه دارند.

آمدی ۸۷۶۵۴۳۲۱ منی شیدا ۷۸ ۷۸ چرا ۲۳۴۵۶۷۸

*- پر تکرارترین واژه ۱۱ بار تکرار شده. سایر واژه ها نیز یا ۵ بار تکرار شده اند یا ۴ بار یا ۳ بار یا ۲ بار یا ۱ بار. مجموع این تکرارها مضرب ۱۳ است: $۱ + ۲ + ۳ + ۴ + ۵ + ۱۱ = ۲۶$

*- واژه هایی که مجموع حروف و نقطه هایشان ۱۳ است، ۱۳ حرف مشترک نیز با «ثریا

ابراهیمی» دارند: نوشداروئی - نازینا - شیرین - چشمانم

*- بیت‌هایی که هر کدام به تنهایی ۱۳ واژه دارند بیت‌های دوم و دهم می باشند. مجموع حروف و نقطه های این دو بیت مضرب ۱۳ است: $(12 \times 13) = 156$ حرف و نقطه

*- غزل با واژه آمدی (۵۵) شروع و با واژه چرا (۲۰۱) پایان می پذیرد. اگر رقم‌های ابجدی این دو کلمه را جمع کنیم عدد ۱۳ حاصل می شود: $1 + 0 + 2 + 5 + 5 = 13$

واژه های دستور زبانی

*- و، که، تا، ولی، اما (حرف ربط) در، بر، به، از، را، بی، با (حرف اضافه) چون (ادات تشبیه) وه (حرف تعجب) ای، یا، الا (حرف ندا) این، آن (ضمیر اشاره). به این نوع کلمات واژه های دستور زبانی گفته می شود. فقط ۱۳ نوع از این واژه ها در غزل استفاده شده است:

و	که	ولی	در	به	از	را	بی	با	چون	وه	ای	این
---	----	-----	----	----	----	----	----	----	-----	----	----	-----

*- مجموع حروف و نقطه هایشان نیز مضرب ۱۳ می باشند: $(3 \times 13) = 39$ حرف و نقطه

واژه های مضرب ۱۳

کلماتی در غزل وجود دارد که یا ابجدشان مضرب ۱۳ است (ستاره های سبز) یا مجموع حروف و نقطه هایشان (ستاره های آبی). این کلمات، واژه های مضرب ۱۳ غزل می باشند:

نوشتاروئی	نیست	نازینا	داده ایم	شیرین	چشمانم	خواب آلود	دنیا	هجر
بیت ۲	بیت ۳	بیت ۴	بیت ۶	بیت ۷	بیت ۸	بیت ۹	بیت ۹	بیت ۹

*- واژه های مضرب ۱۳ جمعاً ۹۱ حرف و نقطه دارند: $(13 \times 7) = 91$

*- مجموع شماره بیت‌هایشان مضرب ۱۳ است: $(3 \times 13) = 39 = 2 + 3 + 4 + 6 + 7 + 8 + 9$

*- تعداد حروف مشترکشان با «ثریا ابراهیمی» مضرب ۱۳ می باشد: $(2 \times 13) = 26$ حرف

*- همین حروف مشترک، (حروف قرمز) تعداد نقطه هایشان نیز مضرب ۱۳ است: ۱۳ نقطه

ردیف و قافیه های غزل

کلمه «چرا» ردیف و کلمات «حالا - پا - فردا - ما - شیدا - بالا - لالا - دنیا - غوغا - تنها» قافیه های غزلند.

*- واژه های مذکور جمعا ۲۶ بار (۱۵ + ۱۱) در کل غزل تکرار شده اند. (۲ x ۱۳)

*- تعداد مصرعهایی که این واژه ها در آنها تکرار شده اند ۱۳ تاست. (۱ x ۱۳)

*- این ۲۶ واژه مشخص شده، ۲۶ حرف مشترک با «ثریا ابراهیمی» دارند. (۲ x ۱۳)

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا	بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی	سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست	من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا
نازینا ما به ناز تو جوانی داده ایم	دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا
وه که با این عمرهای کوتاه و بی اعتبار	این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا
شور فرهادم بپرسش سر به زیر افکنده بود	ای لب شیرین، جواب تلخ سر بالا چرا
ای شب بجز آنکه بگم پریشانم و نرفت	در قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند	در شگفتم من نمی باشد ز هم دنیا چرا
در خزان بجز گل از بلباب لب حریف	خال غلی رسم وفاداری بود غوغا چرا
شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر	این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

*- رمز ابجدی ردیف غزل (چرا) ۲۰۱ است و مجموعا ۶ حرف و نقطه دارد. اگر این دو عدد را

کنار هم بگذاریم مضرب ۱۳ ساخته می شود: (۴۷۷ x ۱۳) ۶۲۰۱

وزن عروضی غزل

*- وزن عروضی غزل، دارای ۲۶ حرف است: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (۲ x ۱۳)

رابطه شگفت انگیز میان حروف

این رابطه یک رابطه معنادار و زیباست و تقریباً شبیه چیزی است که دکانداران اسلام در مورد سوره های زوج و فرد ساخته اند. هر کدام از ابیات و مصرعهای غزل دارای شماره ای است. نیمی از این شماره ها عدد فرد و نیم دیگر عدد زوج می باشند:

تعداد حروف	بیت‌های شماره زوج	تعداد حروف	بیت‌های شماره فرد
۵۵	بیت دوم	۵۴	بیت اول
۵۷	بیت چهارم	۵۶	بیت سوم
۵۶	بیت ششم	۵۵	بیت پنجم
۵۵	بیت هشتم	۵۷	بیت هفتم
۵۲	بیت دهم	۴۹	بیت نهم
جمع تعداد حروف: ۲۷۱		جمع تعداد حروف: ۲۷۵	

تعداد حروف	مصرع‌های شماره زوج	تعداد حروف	مصرع‌های شماره فرد
۲۸	مصرع دوم	۲۶	مصرع اول
۲۸	مصرع چهارم	۲۷	مصرع سوم
۲۸	مصرع ششم	۲۸	مصرع پنجم
۲۹	مصرع هشتم	۲۸	مصرع هفتم
۲۸	مصرع دهم	۲۷	مصرع نهم
۲۵	مصرع دوازدهم	۳۱	مصرع یازدهم
۲۸	مصرع چهاردهم	۲۹	مصرع سیزدهم
۲۶	مصرع شانزدهم	۲۹	مصرع پانزدهم
۲۵	مصرع هجدهم	۲۴	مصرع هفدهم
۲۶	مصرع بیستم	۲۶	مصرع نوزدهم
جمع تعداد حروف: ۲۷۱		جمع تعداد حروف: ۲۷۵	

دو رابطه زیبا و معنادار بین این جدولها وجود دارد:

رابطه اول: بین ستونهای همنام رابطه تساوی برقرار است: **فرد = فرد** **زوج = زوج**

رابطه دوم: بین ستونهای ناهمنام رابطه مضرب ۱۳ برقرار است: **فرد + زوج** **فرد + زوج**

رابطه شگفت انگیز میان نقطه ها

غزل را چه عمودی به دو نیم کنیم و چه افقی، تعداد نقطه ها در هر نیمه آن مضرب ۱۳ است:

<p>آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار این همه غافل شدن از چون منی شنیدا چرا</p> <p style="text-align: center; color: red; font-size: 2em;">۱۳۰</p>	<p>آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار این همه غافل شدن از چون منی شنیدا چرا شور فرهادم به پرسش سربه زیر افکنده بود ای لب شیرین جواب تلخ سربالا چرا ای شب هجران که یکدم در تو چشماتم نخفت این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند در شگفتم من نمی باشد ز هم دنیا چرا در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا شهریارا بی جیب خود نمی کردی سفر این سفر راه قیامت می روی تنها چرا</p> <p style="text-align: center; color: green; font-size: 2em;">۱۳۰</p>
---	---

*- رابطه ای دیگر

غزل را به دو نیمه تقسیم می کنیم: پنج بیت اول: ۱۳۰ نقطه پنج بیت دوم: ۱۶۹ نقطه

هر بیت تعدادی نقطه دارد. نیمی از تعدادها عدد فرد (قرمز) و نیم دیگر زوج (آبی) می باشند.

بیت ۱	بیت ۲	بیت ۳	بیت ۴	بیت ۵	بیت ۶	بیت ۷	بیت ۸	بیت ۹	بیت ۱۰
۲۵	۲۰	۲۲	۳۰	۳۳	۳۶	۳۷	۴۵	۲۲	۲۹

مجموع زوجها برابر است با حاصل جمع نیمه اول غزل: $۲۰ + ۲۲ + ۳۰ + ۳۶ + ۲۲ = ۱۳۰$

مجموع فردها برابر است با حاصل جمع نیمه دوم غزل: $۲۵ + ۳۳ + ۳۷ + ۴۵ + ۲۹ = ۱۶۹$

*- اگر نقطه های هر مصرع را به طور مستقل و به ترتیب شماره بندی کنیم تنها ۱۳ مصرع

نقطه شماره ۱۳ خواهند داشت (مصرعهای قرمز رنگ):

مصرع	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
نقطه ها	۱۲	۱۳	۷	۱۳	۱۱	۱۱	۱۵	۱۵	۱۰	۲۳	۱۸	۱۸	۲۲	۱۵	۲۴	۲۱	۱۱	۱۱	۱۳	۱۶

*- صد و پنجاهمین نقطه، نقطه وسط غزل است. این نقطه روی کلمه ای قرار دارد که جمعا

دارای ۱۳ حرف و نقطه می باشد: «شیرین»

سیزدهمین ها

*- سیزدهمین حرف حروف الفبا، ۱۳ بار در غزل تکرار شده است. حرف «ز»

*- ابجد سیزدهمین حرف، سیزدهمین نقطه و سیزدهمین واژه غزل، عددی پنج رقمی را

تشکیل می دهد که مضرب ۱۳ می باشد: (۴۰۹۴ x ۱۳) = ۵۳۲۲۲

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا ^{۲ سیزدهمین حرف} بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا ^{۵۳۲ سیزدهمین واژه} ^{۲ سیزدهمین نقطه}

*- سیزدهمین مضرب ۱۳، رمز ابجدی کلمه ای است که جمعا ۱۳ حرف و نقطه دارد:

(نازینا) ۱۶۹ - ۱۵۶ - ۱۴۳ - ۱۳۰ - ۱۱۷ - ۱۰۴ - ۹۱ - ۷۸ - ۶۵ - ۵۲ - ۳۹ - ۲۶ - ۱۳

*- سیزدهمین مصرع از آخر غزل، مصرع (دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا) است. این

مصرع از ۱۳ حرف الفبا (اب ج چ د ر ز ک گ م ن و ی) ساخته شده است.

*- حروف قرمز رنگ، سیزدهمین حروف بیتها هستند (سمت راستیها از اول. سمت چپها از

آخر). این سیزدهمینها، جمعا ۱۳ حرف می باشند: ا ب ت چ خ د ر ش ک م ن ه ی

<p>بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا ای لب شیرین، جواب تلخ سربالا چرا این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا در شگفتم من نمی باشد زهم دنیا چرا خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا این سفر راه قیامت می روی تنها چرا</p>	<p>آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست نازینا ما به ناز تو جوانی داده ایم وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار شورفرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود ای شب هجران که یکدم در تو چشمانم نخفت آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر</p>
--	---

*- تنها حرفی که تعداد تکرار آن با ارزش ابجدی اش مساوی است (تکرار/۴۰ = ابجد/۴۰)

سیزدهمین حرف در حروف ابجد می باشد: ابجد هوژ حطی کمن سعفص قرشت ثخذ ضفغ

رمزهای ابجدی

*- حاصل جمع کل حروفات غزل مطابق با رمزهای ابجدی مضرب ۱۳ است. چهار حرف «گ، ژ، پ، چ» جزو حروف ابجد نیستند بنابراین ارزش عددی آنها نیز در کل کتاب صفر محاسبه شده. جدول رمزهای ابجدی در صفحه ۶۷ همین کتاب آمده است.

ابجد	مصرعهای زوج	ابجد	مصرعهای فرد
۹۹۶	بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا	۱۱۹۶	آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا
۲۱۹۰	سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا	۱۲۴۰	نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی
۱۶۶۸	من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا	۲۵۰۸	عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست
۸۲۸	دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا	۸۱۶	نازینا ما به ناز تو جوانی داده ایم
۲۲۵۶	این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا	۱۵۴۳	وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار
۲۱۵۰	ای لب شیرین جواب تلخ سر بالا چرا	۲۰۶۱	شورفهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
۲۳۷۳	این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا	۲۸۴۲	ای شب هجران که یک دم درتوچشمانم نخفت
۱۸۳۷	در شگفتم من نمی باشد ز هم دنیا چرا	۱۸۹۸	آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند
۳۷۷۳	خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا	۱۳۳۱	در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین
۲۰۸۱	این سفر راه قیامت می روی تنها چرا	۲۰۳۵	شهریارا بی حبيب خود نمی کردی سفر
جمع کل غزل: ۳۷۶۲۲ (۲۸۹۴ x ۱۳)			

تنها دو مورد از مصرعهای غزل عدد ابجدیشان مضرب ۱۳ است که با رنگ قرمز در جدول مشخص شده اند.

*- این دو مصرع جمعا از ۱۳ واژه تشکیل شده اند:

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
آمدی	جانم	به	قربانت	ولی	حالا	چرا	آسمان	چون	جمع	مشتاقان	پریشان	می کند
حرف ۴	حرف ۴	حرف ۲	حرف ۶	حرف ۳	حرف ۴	حرف ۳	حرف ۵	حرف ۳	حرف ۳	حرف ۷	حرف ۶	حرف ۵

*- اگر تعداد حروف هر یک از این واژه ها را به همین ترتیب بخوانیم عددی است ۱۳ رقمی که مضرب ۱۳ نیز می باشد: (۵۶۷۳۳۵۳۴۳۶۲۴۴ (۱۳ x ۴۳۶۴۱۱۸۰۲۷۸۸)

*- مجموع حروف و نقطه های این دو مصرع باهم مضرب ۱۳ است: (۹۱ (۱۳ x ۷)

*- واژه هایی که عدد ابجدی آنها مضرب ۱۳ است این کلمات می باشند:

هجرت	دنیا	خواب آلود	داده ایم	نازنینا	نیست
۲۰۸	۶۵	۶۵۰	۶۵	۱۶۹	۵۲۰

*- این کلمات جمعا ۵۲ حرف و نقطه دارند: (۴ x ۱۳)

*- اگر شماره مصرعهایی را که این کلمات در آنها قرار دارند به ترتیب کنار هم بچینیم عددی ۸ رقمی حاصل می شود که مضرب ۱۳ می باشد:

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا
 نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی
 عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست
 نازنینا ما به ناز و جوانی داده ایم
 وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار
 شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
 ای شب هجران که یکدم در تو چشمانم نخفت
 آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند
 در خزان هجر گل ای بلبلی طبع حزین
 شهریارا بی حبيب خود نمی کردی سفر

(۴۳۹۵۵۰۹ x ۱۳) ۵ ۷ ۱۴ ۱۶ ۱۷

نکته جالب:

کلمات «نازنینا» و «داده ایم» چون بطور مشترک در مصرع هفتم قرار دارند شماره ۷ فقط یکبار نوشته شده. ممکن است برخی این حالت را نپذیرند و بگویند مشترک حساب کردن تقلب است و عدد ۷ باید دو بار نوشته شود. حتی اگر چنین کنیم باز هم عدد به دست آمده

مضرب ۱۳ خواهد بود: (۴۴۳۹۵۵۰۹ x ۱۳) ۵ ۷ ۷ ۱۴ ۱۶ ۱۷

مصرعهای غزل

مصرعهای آبی رنگ مصرعهایی است که یک یا چند مورد از موارد داخل جدول در آنها مضربی از عدد سیزده می باشد. مصرعهای آبی رنگ تعدادشان ۱۳ تاست:

مصرع	حروف	نقطه	تشکیل دهنده	رمز ابجدی	حروف ثریا ابراهیمی	مصرع	حروف	نقطه	تشکیل دهنده	رمز ابجدی	حروف ثریا ابراهیمی
اول	۲۶	*	*	۱۱۹۶	*	دوم	*	۱۳	*	*	*
سوم	*	*	*	*	*	چهارم	*	۱۳	*	*	*
پنجم	*	*	*	*	*	ششم	*	*	*	*	*
هفتم	*	*	*	*	*	هشتم	*	۱۳	*	*	*
نهم	*	*	*	*	*	دهم	*	*	*	۱۳	*
یازدهم	*	*	*	*	*	دوازدهم	*	۱۳	*	*	*
سیزدهم	*	*	*	*	۱۳	چاردهم	*	۱۳	*	*	*
پانزدهم	*	*	*	*	۱۸۹۸	شانزدهم	۲۶	*	۱۳	*	*
هفدهم	*	*	*	*	*	هجدهم	*	۱۳	*	۱۳	*
نوزدهم	۲۶	۱۳	*	*	*	بیستم	۲۶	*	*	*	*

هیچ کدام از مصرعهای غزل تعداد حروف مشترکشان با «محمدحسین شهریار» مضرب ۱۳ نیست.

ابیات غزل

*- بیتهای اول، هفتم، هشتم و دهم، هر دو مصرعشان جزو مصرعهای آبی رنگ است. چه این شماره ها را کنار هم بگذارید و چه آنها را با هم جمع کنید عددهای حاصله مضرب ۱۳ خواهند بود:

$$۱+۷+۸+۱۰ = ۲۶ \quad (۱۳ \times ۲) \quad ۱۷۸۱۰ \quad (۱۳ \times ۱۳۷۰)$$

نکته جالب: تنها یک بیت در کل غزل وجود دارد که هیچ کدام از مصرعهایش جزو مصرعهای آبی رنگ نیست (بیت سوم). کلمه «نیست» هم که فقط یکبار در کل غزل بکار رفته در همین بیت قرار دارد و رمز ابجدی آن نیز مضرب ۱۳ می باشد: $۵۲۰ \quad (۱۳ \times ۴۰)$ «نیست»

*- تنها دو بیت در غزل وجود دارد که از شماره مصرعهایشان مضرب ۱۳ ساخته می شود. مجموع شماره های این دو بیت (بیت ۳ و بیت ۱۰) ۱۳ است:

۶۵ (۱۳×۸) عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا

۳۹ (۱۳×۳) شهریارا بی حیبه خود نمی کردی سفر + این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

رابطه جالب میان حروف استثنایی و واژه استثنایی غزل

دو حرف (ز/۱۳) و (ه/۲۶) حروف استثنایی غزلند. زیرا هم تعداد تکرارشان در غزل مضرب ۱۳ است. هم جزوی از حروف «سیزده» می باشند و هم فاصله آنها از یکدیگر دقیقا ۱۳ حرف است (حروف بکار رفته در غزل به ترتیب الفبا):

ا-ب-پ-ت-ج-چ-ح-خ-د-ر-ز-س-ش-ط-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ی

کلمه «نازینا» نیز واژه استثنایی غزل است زیرا هم رمز ابجدی آن مضرب ۱۳ است (۱۶۹)، هم مجموع حروف و نقطه هایش (۱۳) و هم اینکه رمز ابجدی آن سیزدهمین مضرب عدد ۱۳ می باشد.

اگر به ترتیب، واژه هایی را که دو حرف (ز/۱۳) و (ه/۲۶) در آنها به کار رفته علامت بگذاریم «نازینا» از اول غزل واژه ۱۳ و از آخر غزل واژه ۲۶ خواهد بود:

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا	بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی	سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست	من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا
نازینا ما به ناز تو جوانی داده ایم	دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا
و که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار	این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا
شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود	ای لب شیرین جواب تلخ سر بالا چرا
ای شب هجرات که یکدم درتو چشمانم نخفت	این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند	در شگفتم من نمی باشد ز هم دنیا چرا
در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین	خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا
شهریار بی حبيب خود نمی کردی سفر	این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

رمزهایی از زندگی شهریار در غزل

عمر محمد حسین شهریار ۸۲ سال و چند ماه بود. حاصل این عمر ۸۲ ساله، ثریا ابراهیمی است که عشق او شهریار را به کمال و شکوفایی رساند. واژه «عمر» دو بار در کل غزل تکرار شده. این دو واژه نسبت جالبی با عمر (۸۲) و حاصل عمر شهریار (ثریا ابراهیمی) دارند:

*- کلمات قرار گرفته میان این دو واژه ۸۲ حرف مشترک با «محمد حسین شهریار» دارند!

من که یک امروز مهمانم تورا فردا چرا دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا	عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم وہ کہ با این عمر های کوتاه بی اعتبار
--	---

*- تعداد حروف مشترک با «ثریا ابراهیمی» در میان این دو واژه، مضرب ۱۳ است: ۶۵ حرف

من که یک امروز مهمانم تورا فردا چرا دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا	عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم وہ کہ با این عمر های کوتاه بی اعتبار
--	---

*- عمر جوانی و مجردی شهریار ۴۷ سال بود. وی ۴۷ سال از عمر خود را به پای ثریا ایستاد و به قول خودش جوانی اش را به ناز او فروخت. کلمات قرار گرفته میان دو واژه «عمر» و «جوانی» نیز ۴۷ حرف مشترک با «محمد حسین شهریار» دارند!

من که یک امروز مهمانم تورا فردا چرا دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا این همه غافل شدن از چون منی شیدا چرا	عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم وہ کہ با این عمر های کوتاه بی اعتبار
--	---

*- ۴۷ سال تحمل هجران و ۴۷ حرف مشترک با «ثریا ابراهیمی» میان دو واژه هجران و هجر:

این قدر با بخت خواب آلود من لالا چرا در شگفتم من نمی پاشد ز هم دنیا چرا خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا	ای شب هجران که یک دم در تو چشمانم نخفت آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین
--	--

*- قصه وفاداری شهریار به ثریا حقیقتی است که تا قیامت ماندگار خواهد ماند. تعداد حروف

مشترک با «ثریا ابراهیمی» در میان این دو واژه نیز مضرب ۱۳ است: ۲۶ حرف

در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین خامشی رسم **وفاداری** بود غوغا چرا
 شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر این سفر راه **قیامت** می روی تنها چرا

منظور از کلمه «ما» در مصرع هفتم خود «شهریار» است؛ اگر می خواهید بدانید منظور از کلمه «تو» در این مصرع چه کسی است ابجد این سه کلمه را از یکدیگر کسر کنید:

$$\text{رمز ابجدی ابراهیمی } ۲۶۹ = ۴۰۶ - ۴۱ - ۷۱۶ \quad \text{تو (۴۰۶) ما (۴۱) شهریار (۷۱۶)}$$

آری منظور از «تو» در این مصرع ثریا ابراهیمی است که شهریار در این مصرع از وی با لقب نازنین یاد کرده است.

تقریباً همه چیز شهریار مضرب ۱۳ است البته گویا خود شهریار نیز این موضوع را می دانست و کنایه وار به آن اشاره کرده: «من خود آن سیزدهم کز همه عالم بدرم»

*- شهریار سال ۱۲۸۵ شمسی متولد و سال ۱۳۶۷ شمسی از دنیا رفته است. جمع این دو تاریخ نیز مضرب ۱۳ می باشد:
 $۱۲۸۵ + ۱۳۶۷ = ۲۶۵۲ \quad (۱۳ \times ۲۰۴)$

*- «محمدحسین شهریار» خودش نیز مضرب ۱۳ است چه آن را با حروف ابجد حساب کنید و چه با شماره های الفبای فارسی:

حروف	م	ح	م	د	ح	س	ی	ن	ش	ه	ر	ر	ا	ر	محمدحسین شهریار
ابجد	۴۰	۸	۴۰	۴	۸	۶۰	۱۰	۵۰	۳۰۰	۵	۲۰۰	۱۰	۱	۲۰۰	جمع: ۹۳۶ (۱۳×۷۲)

حروف	الف	ح	د	ر	س	ش	م	ن	ه	ی	محمدحسین شهریار
شماره الفبا	۱	۸	۱۰	۱۲	۱۵	۱۶	۲۸	۲۹	۳۱	۳۲	جمع: ۱۸۲ (۱۳×۱۴)

*- مجموع شماره های ابجد ۹۳۶ (۷۲ × ۱۳) و مجموع شماره های الفبا ۱۸۲ (۱۴ × ۱۳) می باشد که هر دو این اعداد مضرب ۱۳ می باشند.

بررسی چند مصرع ویژه

در این قسمت سه مصرع را به طور ویژه بررسی می کنیم.

الف: مصرعی که شماره رمز این غزل است. (مصرع ۱۳)

ب: مصرعی که تخلص شاعر در آن قرار دارد. (مصرع تخلص. ۱۹)

ج: مصرع پایانی که حسن ختام غزل است و دارای رموزی خاص (مصرع ۲۰)

ولی قبل از بررسی بهتر است بدانید اگر شماره این مصرعها جمع بسته شود مضرب ۱۳ به

$$\text{دست می آید: } (13 \times 3) = 30 = 13 + 19 + 20$$

مصرع سیزدهم

ای شب هجران که یک دم در تو چشمانم نخفت

اهمیت این مصرع به علت سیزدهمین بودن آن است. از نظر تعداد حروف، نقطه و واژه نیز بزرگترین مصرع غزل می باشد.

این مصرع دارای ۱۳ مورد از حروف «ثریا ابراهیمی» معشوقه غزل است و همانطور که قبلا اشاره شد تعداد این حروف در کل غزل نیز مضرب ۱۳ بود.

نکته مهم:

نه تعداد حروف این مصرع مضرب ۱۳ است و نه تعداد نقطه هایش. مجموع آنها با مضرب ۱۳ بودن تنها یک عدد فاصله دارد. یعنی می توانستند مضرب ۱۳ بشوند ولی نشده اند شاید بپرسید چرا؟ این نیز خودش دو راز بسیار زیبا و عجیب در خود دارد که در صفحه ۱۴۹ مبحث «پیوند اسرارآمیز غزلهای حافظ و شهریار» به آن اشاره خواهیم کرد.

مصرع تخلص

شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر

مصرع نوزدهم این غزل، مصرع تخلص است. مصرع تخلص مصرعی است که شاعر تخلص خود را در آن ذکر می کند. تخلص شاعر، «شهریار» و رمز ابجدی آن ۷۱۶ است. این مصرع با کلمه «شهریار» ۱۳ حرف مشترک دارد (حروف قرمز). حال ببینید تخلص شاعر و مصرع تخلص، چگونه بر اساس مضرب ۱۳ با یکدیگر در هم تنیده اند:

اگر بجای هر واژه، رمز ابجدی تخلص را بگذاریم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

شهریارا	بی	حبیب	خود	نمی کردی	سفر
۷۱۶	۷۱۶	۷۱۶	۷۱۶	۷۱۶	۷۱۶
(۱۳ × ۵۵۱۳۲۰۵۵۱۳۲۰۵۵۱۳۲) ۷۱۶۷۱۶۷۱۶۷۱۶۷۱۶۷۱۶۷۱۶					

اگر به ابجد تخلص، تعداد واژه های مصرع را اضافه کنیم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

۷۱۶۶	۷۱۶۶	۷۱۶۶	۷۱۶۶	۷۱۶۶	۷۱۶۶
(۱۳ × ۵۵۱۲۸۵۸۹۷۸۲۰۵۵۱۲۸۵۸۹۷۸۲) ۷۱۶۶۷۱۶۶۷۱۶۶۷۱۶۶۷۱۶۶۷۱۶۶۷۱۶۶					

اگر به ابجد تخلص تعداد حروف این مصرع را اضافه کنیم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

۷۱۶۲۶	۷۱۶۲۶	۷۱۶۲۶	۷۱۶۲۶	۷۱۶۲۶	۷۱۶۲۶
(۱۳ × ۵۵۰۹۷۴۷۴۰۵۱۶۶۳۵۹۳۵۵۹۰۱۲۵۱۳۲۰۲) ۷۱۶۲۶۷۱۶۲۶۷۱۶۲۶۷۱۶۲۶۷۱۶۲۶۷۱۶۲۶۷۱۶۲۶					

اگر به ابجد تخلص تعداد نقطه های مصرع را اضافه کنیم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

۷۱۶۱۳	۷۱۶۱۳	۷۱۶۱۳	۷۱۶۱۳	۷۱۶۱۳	۷۱۶۱۳
(۱۳ × ۵۵۰۸۷۴۷۳۹۵۱۶۶۲۵۹۳۵۴۹۰۱۲۴۱۳۲۰۱) ۷۱۶۱۳۷۱۶۱۳۷۱۶۱۳۷۱۶۱۳۷۱۶۱۳۷۱۶۱۳۷۱۶۱۳					

اگر به ابجد تخلص، شماره این مصرع را اضافه کنیم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

۷۱۶۱۹	۷۱۶۱۹	۷۱۶۱۹	۷۱۶۱۹	۷۱۶۱۹	۷۱۶۱۹
(۱۳ × ۵۵۰۹۲۰۸۹۳۸۲۴۳۲۲۸۵۸۶۱۳۲۰۱۵۱۶۶۳) ۷۱۶۱۹۷۱۶۱۹۷۱۶۱۹۷۱۶۱۹۷۱۶۱۹۷۱۶۱۹					

اگر به ابجد تخلص، ابجد این مصرع را اضافه کنیم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

۷۱۶۲۰۳۵	۷۱۶۲۰۳۵	۷۱۶۲۰۳۵	۷۱۶۲۰۳۵	۷۱۶۲۰۳۵	۷۱۶۲۰۳۵
۷۱۶۲۰۳۵۷۱۶۲۰۳۵۷۱۶۲۰۳۵۷۱۶۲۰۳۵۷۱۶۲۰۳۵۷۱۶۲۰۳۵۷۱۶۲۰۳۵					
(۱۳ × ۵۵۰۹۲۵۸۲۴۳۲۳۳۵۱۶۶۳۱۰۴۳۹۷۰۷۹۶۷۰۴۷۷۱۹۷۸۱۶۹۵)					

اگر به جای هر واژه، تعداد واژه های مصرع را بگذاریم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

شهریارا	بی	حبیب	خود	نمی کردی	سفر
۶	۶	۶	۶	۶	۶
۶۶۶۶۶۶ (۱۳ × ۵۱۲۸۲)					

اگر به جای هر واژه، تعداد حروف مصرع را بگذاریم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۶
۲۶۲۶۲۶۲۶۲۶۲۶ (۱۳ × ۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰۲)					

اگر به جای هر واژه، تعداد نقطه های مصرع را بگذاریم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۳۱۳۱۳۱۳۱۳۱۳ (۱۳ × ۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱)					

اگر به جای هر واژه، شماره مصرع را بگذاریم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹	۱۹
۱۹۱۹۱۹۱۹۱۹۱۹ (۱۳ × ۱۴۷۶۳۰۱۴۷۶۳)					

اگر به جای هر واژه، عدد ابجدی مصرع را بگذاریم عدد حاصله مضرب ۱۳ خواهد بود.

۲۰۳۵	۲۰۳۵	۲۰۳۵	۲۰۳۵	۲۰۳۵	۲۰۳۵
۲۰۳۵۲۰۳۵۲۰۳۵۲۰۳۵۲۰۳۵۲۰۳۵ (۱۳ × ۱۵۶۵۵۴۱۱۶۹۵۰۱۵۶۵۵۴۱۱۶۹۵)					

نکته شگفت انگیز: تمامی جدولها حتی اگر اعدادشان را برعکس بنویسیم باز هم اعداد

حاصله همگی مضرب ۱۳ خواهند بود!!!

این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

آخرین مصرع غزل درست مانند اولین مصرع (۲ × ۱۳) ۲۶ حرف دارد. ضمنا مصرع فوق، ارتباط جالبی نیز با تاریخ درگذشت شهریار دارد که جلوتر اشاره کرده ایم. اگر چه مجموع کل حروفات غزل مضرب ۱۳ است ولی مصرعهای آغازین و پایانی غزل نیز به طور خصوصی مضرب ۱۳ شده اند تا ورود و خروج غزل هر دو به نماد ۱۳ مزین شود درست مانند شهری زیبا که نمادهای آن، هم در دروازه ورودی آن دیده می شود و هم در دروازه خروجی آن.

چنانچه می بینید شهریار در مصرع آخر غزل از سفر قیامت یا همان درگذشت خویش حرف زده گل خصوصیات این مصرع که در مورد مرگ شهریار حرف می زند بدین قرار است:

بیت: ۱۰ مصرع: ۲۰ حروف: ۲۶ نقطه ها: ۱۶ واژه ها: ۷ ردیف: ۱۱ (چرای یازدهم) ابجد: ۲۰۸۱

مجموع اعداد بالا: ۲۱۷۱ است. سالی که شهریار از دنیا رفت «سال هزار و سیصد و شصت و هفت شمسی» بود. اگر حروف «سال هزار و سیصد و شصت و هفت شمسی» را به ابجد در بیاوریم باز همان عدد ۲۱۷۱ در می آید که مضرب ۱۳ نیز می باشد. (۱۶۷ × ۱۳)

س ا ل ه ز ا ر و س ی ص د و ش ص ت و ه ف ت ش م س ی
 ۱۰ ۶۰ ۴۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۸۰ ۵ ۶ ۴۰۰ ۹۰ ۳۰۰ ۶ ۴ ۹۰ ۱۰ ۶۰ ۶ ۲۰۰ ۱ ۷ ۵ ۳۰ ۱ ۶۰

*یک تساوی پُر معنا

سال درگذشت شهریار (۲۱۷۱)

مجموع ویژگیهای عددی مصرع درگذشت شهریار (۲۱۷۱)

روز درگذشت مرحوم شهریار صد و هشتاد و دومین روز سال است (۲۷ شهریور).

*- تعداد تکرار حروف «درگذشت» در غزل شهریار مضرب ۱۳ است:

$$۱۹/ت + ۱۴/ش + ۰/ذ + ۵/گ + ۴۹/ر + ۳۰/د = ۱۱۷ \quad (۱۳ \times ۹)$$

محل دفن شهريار

زنده ياد شهريار شيرين سخن به وصيت خودش در مقبره الشعراى تبريز به خاک سپرده شد.
رمز ابجدى محل دفن شهريار نيز م ضرب ۱۳ مى باشد:

مقبره الشعرا (۱۳x۷۳) ۹۴۹

م/۴۰ ق/۱۰۰ ب/۲ ر/۲۰۰ ه/۵ ل/۱ ش/۳۰ ع/۷۰ ر/۲۰۰ ا/۱

روى سنگ مزار شهريار اين بيت نوشته شده:

محراب شفقه اوزومى سجده ده گوردوم قان ايچره غميم يوخ يوزوم السون سنه سارى

حتى تعداد واژه هاى اين بيت ۱۳ و رمز ابجدى آن نيز م ضرب ۱۳ است: (۱۳ x ۲۹۴) ۳۸۲۲

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
سارى	سنه	السون	يوزوم	يوخ	غميم	ايچره	قان	گوردوم	سجده ده	اوزومى	شفقه	محراب
۲۷۱	۱۱۵	۱۴۷	۶۹	۶۱۶	۱۰۹۰	۲۱۶	۱۵۱	۲۵۶	۸۱	۷۰	۴۸۹	۲۵۱



معجزهٔ مضرَب ۵ در غزل حافظ

شاهد قدسی

ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت ای مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت
خوابم بشد از دیده در این فکر جگرسوز کاغوش که شد منزل آسایش و خوابت
درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد اندیشه‌آمزش و پروای ثوابت
راه دل عشاق زد آن چشم خماری پیداست از این شیوه که مست است شرابت
تیری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت تا باز چه اندیشه کند رای صوابت
هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی پیداست نگارا که بلند است جنابت
دور است سر آب از این بادیه هشدار تا غول بیابان نغریبد به سرابت
تا در ره پیری به چه آیین روی ای دل باری به غلط صرف شد ایام شبابت
ای قصر دل افروز که منزلگه انسی یا رب مکناد آفت ایام خرابت
حافظ نه غلامیست که از خواجه گریزد صلحی کن و بازاً که خرابم ز عتابت

خصوصیات کلی غزل

این غزل جمعا ۴۸۵ حرف (۵ x ۹۷) ۱۴۵ واژه (۵ x ۲۹) و ۳۰۰ نقطه (۵ x ۶۰) دارد.

مصرعهای زوج				مصرعهای فرد			
واژه	نقطه	حروف	مصرع	واژه	نقطه	حروف	مصرع
۸	۱۱	۲۳	۲	۷	۱۶	۲۳	۱
۷	۱۸	۲۴	۴	۸	۱۵	۲۸	۳
۵	۱۹	۲۲	۶	۶	۱۶	۲۴	۵
۹	۲۶	۲۸	۸	۷	۱۴	۲۱	۷
۷	۱۷	۲۴	۱۰	۹	۱۳	۲۶	۹
۷	۱۷	۲۵	۱۲	۷	۱۱	۲۴	۱۱
۶	۱۷	۲۴	۱۴	۸	۱۳	۲۵	۱۳
۷	۱۶	۲۳	۱۶	۱۰	۱۶	۲۵	۱۵
۶	۱۳	۲۱	۱۸	۶	۷	۲۴	۱۷
۸	۱۱	۲۴	۲۰	۷	۱۴	۲۷	۱۹
۷۰	۱۶۵	۲۳۸	جمع	۷۵	۱۳۵	۲۴۷	جمع

تعداد واژه ها	تعداد نقطه ها	تعداد حروف	ردیف
۱۵	۲۷	۴۶	بیت اول
۱۵	۳۳	۵۲	بیت دوم
۱۱	۳۵	۴۶	بیت سوم
۱۶	۴۰	۴۹	بیت چهارم
۱۶	۳۰	۵۰	بیت پنجم
۱۴	۲۸	۴۹	بیت ششم
۱۴	۳۰	۴۹	بیت هفتم
۱۷	۳۲	۴۸	بیت هشتم
۱۲	۲۰	۴۵	بیت نهم
۱۵	۲۵	۵۱	بیت دهم
۱۴۵	۳۰۰	۴۸۵	جمع

حروف تشکیل دهنده غزل

*- کل غزل از ۱۵ حرف نقطه دار و ۱۵ حرف بی نقطه ساخته شده است. (۳ × ۵)

نقطه دار: ش ق ب ن ت غ خ ز ف ج پ ث چ ظ ی **بی نقطه:** اه د س ی ک و م ر گ ل ع ط ص ح

*- جمعا ۴۸۵ حرف در کل غزل استفاده شده. (۹۷ × ۵)

حروف	آ	ب	پ	ت	ث	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ز	ژ	س	ش	ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ک	گ	ل	م	ن	و	ه	ی
ردیف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	وجود ندارد	۱۲	۱۳	وجود ندارد	۱۵	۱۶	۱۷	وجود ندارد	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
تعداد	۷۵	۳۲	۵	۲۷	۱	۳	۳	۲	۷	۳۷	وجود ندارد	۳۷	۱۷	وجود ندارد	۱۵	۲۰	۴	وجود ندارد	۲	۱	۲	۶	۸	۴	۱۸	۴	۱۲	۱۸	۲۰	۲۷	۳۴	۴۴
ابجد	۱	۲	۰	۴۰۰	۰	۳۵۰۰	۰	۸۰	۶۰۰	۴۰۰	وجود ندارد	۲۰۰	۷	وجود ندارد	۶۰	۳۰۰	۹۰	وجود ندارد	۹	۹۰۰	۷۰	۱۰۰۰	۸۰	۱۰۰	۲۰	۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۵۰	۱۰
جمع ردیفها: ۴۸۵			جمع تعدادها: ۴۸۵												جمع ابجدها: ۴۴۹۵																	
ردیفهای فرد: ۲۴۵	ردیفهای زوج: ۲۴۰	تعدادهای فرد: ۲۵۵	تعدادهای زوج: ۲۳۰	ابجدهای فرد: ۲۵	ابجدهای زوج: ۴۴۷۰																											

*- هر حرف دارای یک شماره ردیف در ترتیب الفباست. حروف استفاده شده در غزل، مجموع ردیفهایشان نیز مضرب ۵ می باشد. (۹۷ × ۵) ۴۸۵

نکته جالب: مجموع تکرار حروف استفاده شده در غزل دقیقا مساوی است با مجموع ردیفی آنها در ترتیب الفبای فارسی: جمع تکرار حروف ۴۸۵ = جمع ردیفی حروف

*- سه حرفی که در غزل وجود ندارند جمع ابجدشان مضرب ۵ است: ذ ژ ض

$$(۱۵۰۰) = (۷۰۰/ذ) + (۰/ژ) + (۸۰۰/ض)$$

*- ابجد کل حروف تشکیل دهنده غزل مضرب ۵ می باشد. (۸۹۹ × ۵) ۴۴۹۵

*- اعداد ردیف، تعداد و ابجد، برخی عدد زوج و برخی عدد فرد می باشند. هم حاصل جمع فردها مضرب ۵ است و هم حاصل جمع زوجها. (داخل جدول)

*- حرفی که تعدادشان مضرب ۵ است خودشان نیز ۵ مورد هستند: آ - پ - س - ش - و

*- در ترتیب الفبا ۵ حرف اول مجموع تکرارشان مضرب ۵ می باشد: آ - ب - پ - ت - ث

*- مجموع تکرار حروف «پنج» در غزل مضرب ۵ می باشد: $۳۵ = ۵/پ + ۲۷/ن + ۳/ج$

*- حرف «ت» حرف وسط غزل است (حرف ۲۴۳) این حرف دارای سه عدد با مضرب ۵ می باشد: رمز ابجدی: ۴۰۰ مکان: بیت ۵ / مصرع ۱۰

*- تعداد حروف به هم چسبیده (۳۵۰) و تعداد حروف به هم نچسبیده (۱۳۵) در غزل هر دو مضرب ۵ می باشد.

*- رابطه زوج و فرد میان حروف

این رابطه یک رابطه معنادار و زیباست و تقریباً شبیه چیزی است که دکانداران اسلام در مورد سوره های زوج و فرد ساخته اند:

غزل را به دو نیمه مساوی تقسیم می کنیم: پنج بیت اول پنج بیت دوم

۴۹	بیت ششم		۴۶	بیت اول
۴۹	بیت هفتم		۵۲	بیت دوم
۴۸	بیت هشتم		۴۶	بیت سوم
۴۵	بیت نهم		۴۹	بیت چهارم
۵۱	بیت دهم		۵۰	بیت پنجم
جمع نیمه دوم: ۲۴۲			جمع نیمه اول: ۲۴۳	

هر بیت دارای تعدادی حرف است. نیمی عدد فرد (قرمز) و نیمی عدد زوج (آبی).

بیت ۱	بیت ۲	بیت ۳	بیت ۴	بیت ۵	بیت ۶	بیت ۷	بیت ۸	بیت ۹	بیت ۱۰
۴۶	۵۲	۴۶	۴۹	۵۰	۴۹	۴۹	۴۸	۴۵	۵۱

*- مجموع فردها برابر است با حاصل جمع نیمه اول: $۲۴۳ = ۵۱ + ۴۵ + ۴۹ + ۴۹ + ۴۹$

*- مجموع زوجها برابر است با حاصل جمع نیمه دوم: $۲۴۲ = ۴۸ + ۵۰ + ۴۶ + ۵۲ + ۴۶$

واژه های غزل

*- ۱۴۵ واژه در غزل به کار رفته است: (۲۹ x ۵)

ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت	ای مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت
خوابم بشد از دیده در این فکر جگرسوز	کاغوش که شد منزل آسایش و خوابت
درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد	اندیشه آمرزش و پروای ثوابت
راه دل عشاق زد آن چشم خماری	پیداست از این شیوه که مست است شرابت
تیری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت	تا باز چه اندیشه کند رای صوابت
هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی	پیداست نگارا که بلند است جنابت
دور است سر آب از این بادیه هشدار	تا غول بیابان نفریبید به سرابت
تا در ره پیری به چه آیین روی ای دل	باری به غلط صرف شد ایام شبابت
ای قصر دل افروز که منزلگه انسی	یا رب مکناد آفت ایام خرابت
حافظ نه غلامیست که از خواجه گریزد	صلحی کن و باز که خرابم ز عتابت

*- مصرعهای فرد تعداد واژه هایشان مضرب ۵ است: (۱۵ x ۵) ۷۵

*- مصرعهای زوج تعداد واژه هایشان مضرب ۵ است: (۱۴ x ۵) ۷۰

*- تنها ۵ کلمه در غزل وجود دارد که هم تعداد حروف آنها ۵ می باشد و هم تعداد نقطه هایشان: آسایش-درویش-نباشد-جنابت-عتابت

*- اگر شماره مصرعهایی را که این کلمات در آنها قرار دارند به ترتیب کنار هم بچنین عددی ۶ رقمی درست می شود که مضرب ۵ می باشد: ۴۵۱۲۲۰

مصرع ۴	مصرع ۵	مصرع ۱۲	مصرع ۲۰
--------	--------	---------	---------

*- تنها بیت‌هایی که تعداد واژه هایشان مضرب ۵ است بیت‌های اول، دوم و دهم می باشد. (هر کدام ۱۵ واژه). اگر شماره این ابیات را به ترتیب کنار هم بچنین عددی ۵ رقمی درست می شود که مضرب ۵ می باشد: $(۲۴۲ \times ۵) ۱۰ ۲ ۱$

*- مصرع پانزدهم تنها مصرعی است که تعداد واژه های آن مضرب ۵ است. هم شماره این مصرع (۱۵) و هم تعداد حروفش (۲۵) مضرب ۵ می باشد.

*- واژه هایی که جمعا ۵ حرف و نقطه دارند تعدادشان نیز مضرب ۵ است: ۱۵ واژه

بند - دانه - شد - مست - است - باز - چه - ناله - است - است - چه - باری - شد - قصر - انسی
 *- مجموع نقطه های این ۱۵ واژه نیز مضرب ۵ است: $(۵ \times ۶) ۳۰$ نقطه

*- رابطه زوج و فرد در واژه ها

غزل را به دو نیمه مساوی تقسیم می کنیم: پنج بیت اول پنج بیت دوم

۱۴	بیت ششم		۱۵	بیت اول
۱۴	بیت هفتم		۱۵	بیت دوم
۱۷	بیت هشتم		۱۱	بیت سوم
۱۲	بیت نهم		۱۶	بیت چهارم
۱۵	بیت دهم		۱۶	بیت پنجم
جمع نیمه دوم: ۷۲			جمع نیمه اول: ۷۳	

هر بیت تعدادی واژه دارد. نیمی از آنها عدد فرد (قرمز) و نیم دیگر زوج (آبی) می باشند:

بیت ۱	بیت ۲	بیت ۳	بیت ۴	بیت ۵	بیت ۶	بیت ۷	بیت ۸	بیت ۹	بیت ۱۰
۱۵	۱۵	۱۱	۱۶	۱۶	۱۴	۱۴	۱۷	۱۲	۱۵

*- حاصل جمع فردها برابر است با حاصل جمع نیمه اول: $۱۵ + ۱۵ + ۱۱ + ۱۷ + ۱۵ = ۷۳$

*- حاصل جمع زوجها برابر است با حاصل جمع نیمه دوم: $۱۶ + ۱۶ + ۱۴ + ۱۴ + ۱۲ = ۷۲$

*- واژه هایی که رمز ابجدی آنها مضرب ۵ است تعدادشان نیز مضرب ۵ می باشد: ۴۰ واژه

ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت	ای مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت
خوابم بشد از دیده در این فکر جگرسوز	کاغوش که شد منزل آسایش و خوابت
درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد	اندیشه آمرزش و پروای ثوابت
راه دل عشاق زد آن چشم خماری	پیداست از این شیوه که مست است شرابت
تیری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت	تا باز چه اندیشه کند رای صوابت
هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی	پیداست نگارا که بلند است جنابت
دور است سر آب از این بادیه هشدار	تا غول بیابان نغریبد به سرابت
تا در ره پیری به چه آیین روی ای دل	باری به غلط صرف شد ایام شبابت
ای قصر دل افروز که منزلگه انسی	یا رب مکناد آفت ایام خرابت
حافظ نه غلامیست که از خواجه گریزد	صلحی کن و باز آ که خرابم ز عتابت

*- اگر شماره مصرع‌هایی را که این کلمات در آنها قرار دارند به ترتیب کنار هم بچنین عددی درست می شود که مضرب ۵ می باشد: ۱۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰۱۱۱۲۱۳۱۵۱۶۱۷۱۹۲۰

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۵	۱۶	۱۷	۱۹	۲۰
---	---	---	---	---	---	---	---	---	----	----	----	----	----	----	----	----	----

واژه استثنایی غزل

واژه «درویش» کلمه استثنایی غزل می باشد. این واژه در مصرع ۵ قرار دارد. هم تعداد حروفش ۵ می باشد هم تعداد نقطه هایش. رمز ابجدی آن مضرب ۵ است (۵۲۰) و ابجد پنجمین حرف آن نیز مضرب ۵ می باشد. درویش / ۳۰۰

نقطه های غزل

*- جمعا ۳۰۰ نقطه در کل غزل وجود دارد. (۵ × ۶۰)

*- کلماتی که پنج نقطه دارند مجموع حروفشان نیز مضرب ۵ می باشد. ۶۰ نقطه ۶۰ حرف

آسایش، درویش، نباشد، عشاق، شیوه، جنابت، بیابان، نفریبد، پیری، آیین، غلامیست، عتاب

*- اگر شماره مصرعهایی را که این کلمات در آنها قرار دارند به ترتیب کنار هم بچنین عددی

۱۴ رقمی درست می شود که مضرب ۵ می باشد: ۴۵۷۸۱۲۱۴۱۵۱۹۲۰

مصرع ۲۰	مصرع ۱۹	مصرع ۱۵	مصرع ۱۴	مصرع ۱۲	مصرع ۸	مصرع ۷	مصرع ۵	مصرع ۴
---------	---------	---------	---------	---------	--------	--------	--------	--------

*- رابطه های شگفت انگیز میان نقطه ها

اگر غزل را یکبار به صورت عمودی و یکبار هم به صورت افقی به دو قسمت مساوی تقسیم کنیم رابطه ای شگفت انگیز در تعداد نقطه ها دیده می شود:

<p>ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت خوایم بشد از دیده در این فکر جگرسوز درویش نمی پرسی و ترسم که نباشد راه دل عشاق زد آن چشم خماری تبری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت تا باز چه اندیشه کند رای صولت</p> <p style="text-align: center; color: red; font-size: 2em;">۱۶۵</p>	<p>ای مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت کافوش که شد منزل آسایش و خوبت اندیشه آمرزش و پروای ثولت پیداست از این شیوه که مست است شربت تا باز چه اندیشه کند رای صولت پیداست نعلی که بکشد لالت جنابت</p> <p style="text-align: center; color: green; font-size: 2em;">۱۶۵</p>	<p>ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت خوایم بشد از دیده در این فکر جگرسوز درویش نمی پرسی و ترسم که نباشد راه دل عشاق زد آن چشم خماری تبری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفت تا باز چه اندیشه کند رای صولت</p> <p style="text-align: center; color: green; font-size: 2em;">۱۳۵</p>
<p>هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی دوراست سر آب از این بادیه هشدار تا در ره پیری به چه آیین روی ای دل ای قصر دل افروز که منزلگه انسی حافظ نه غلامیست که از خواجه گریزد صلحی کن و باز که خرابم ز عتابت</p> <p style="text-align: center; color: red; font-size: 2em;">۱۳۵</p>	<p>پیداست نگارا که بلند است جنابت تا غول بیابان نفریبد به سرابت باری به غلط صرف شد ایام شبابت یا رب مکناد آفت ایام خرابت حافظ نه غلامیست که از خواجه گریزد صلحی کن و باز که خرابم ز عتابت</p> <p style="text-align: center; color: green; font-size: 2em;">۱۳۵</p>	<p>هر ناله و فریاد که کردم نشنیدی دوراست سر آب از این بادیه هشدار تا در ره پیری به چه آیین روی ای دل ای قصر دل افروز که منزلگه انسی حافظ نه غلامیست که از خواجه گریزد صلحی کن و باز که خرابم ز عتابت</p> <p style="text-align: center; color: green; font-size: 2em;">۱۳۵</p>

به تصاویر خوب دقت کنید. جدا از اینکه تعداد نقطه ها در هر چهار قسمت مضرب ۵ است یک رابطه ی بسیار عجیب نیز بین آنها وجود دارد. در هر دو نوع تقسیم افقی و عمودی تعداد نقطه ها در یک نیمه ۱۳۵ و در نیمه مقابل آن ۱۶۵ می باشد. حتی اگر یک مصرع در این غزل

جابجا شود یا کلمه و حرفی از آن حذف یا تعویض یا اضافه گردد این نظم و زیبایی شگفت انگیز به هم می ریزد.!!!!!!

این شگفتی یک نوع نسبت است. درست شبیه همان نسبتی که معجزه تراشان برای سوره های فرد و سوره های زوج ساخته بودند. (صفحه ۵۹) در نسبتی که معجزه تراشان ساخته بودند عددها، مضرب نوزده نبودند ولی مورد ما، عددهایش نیز مضرب عددی هستند که ما بر اساس آن در این غزل کار می کنیم یعنی مضرب ۵.

*- رابطه ای دیگر

هر بیت شامل تعدادی نقطه است:

بیت ۱	بیت ۲	بیت ۳	بیت ۴	بیت ۵	بیت ۶	بیت ۷	بیت ۸	بیت ۹	بیت ۱۰
۲۷	۳۳	۳۵	۴۰	۳۰	۲۸	۳۰	۳۲	۲۰	۲۵

تعدادی از این موارد عدد فرد (قرمز) و تعدادی عدد زوج (آبی) می باشند.

*- حاصل جمع فردها مضرب ۵ است: $۲۷ + ۳۳ + ۳۵ + ۲۵ = ۱۲۰$

*- حاصل جمع زوجها مضرب ۵ است: $۴۰ + ۳۰ + ۲۸ + ۳۰ + ۳۲ + ۲۰ = ۱۸۰$

سایر خصوصیات غزل

نام غزل «شاهد قدسی» است. این اسم ۵ نقطه دارد و اگر رمز ابجدی حروفش را نیز کنار هم بگذاریم مضرب ۵ ساخته می شود:

۱۰۶۰۴۱۰۰۴۵۱۳۰۰

*- غزل ۱۰ بیت و ۲۰ مصرع دارد. $۱۰ (۵ \times ۲)$ $۲۰ (۵ \times ۴)$

*- این شعر پانزدهمین غزل از غزلیات دیوان حافظ است: $۱۵ (۵ \times ۳)$

پنجمین ها:

- *- پنجمین حرف غزل حرف هـ (ای شاهد) می باشد. رمز ابجدی این حرف ۵ است.
- *- پنجمین مصرع غزل مجموع تعداد حروف و نقطه هایش مضرب ۵ است: ۴۰ حرف و نقطه
- *- پنجمین بیت غزل مجموع تعداد حروف و نقطه هایش مضرب ۵ است: ۸۰ حرف و نقطه
- *- ابجد پنجمین حرف در پنجمین مصرع مضرب ۵ است. (درویش ۳۰۰)
- *- ابجد پنجمین حرف در پنجمین بیت مضرب ۵ است. (تیری که ۲۰)
- *- پنجمین کلمه ۵ حرفی در غزل ۵ نقطه دارد: آسایش
- *- پنجمین کلمه قافیه در غزل، (شرابت) ۵ حرف دارد.
- *- رمز ابجدی پنجمین فعل استفاده شده در غزل فعل مضرب ۵ است. (نمی پرسی/۳۷۰)
- *- حروف قرمز رنگ زیر، پنجمین حروف ابیات و ابجدشان می باشند (پنجمین از اول و از آخر). اگر این اعداد را از چپ به راست بخوانید ده عدد با مضرب ۵ ساخته می شود:

ای مرغ بهشتی ۵ دهد دانه و آبت	ای شاهد قدسی ۵ کشد بند نقابت
کاغوش که ۴۰ نهد مجزل آسایش و خوابت	خوابم بشد از دیده ۴۰ در این فکر جگرسوز
اندیشه ۵۰ و پروای ثوابت	درویش نمی پرس ۳۷۰ و ترسم که نباشد
پیداست از این ۳۰ که مست است شرابت	راه دل عشاق ۳۰ چشم خماری
تا باز چه اندیشه ۵ کند رای صوابت	تیری که زدی ۲۰ از غمزه خطا رفت
پیداست نگارا ۳ بلند است جنابت	هر ناله و فریاد ۳۰ که کردم نشنیدی
تا غول بی ۴۰ نفریبد به سربت	دور است سر آ ۴۰ این بادیه هشدار
باری به غله ۳۰ شد ایام شبابت	تا در ره پیری ۲۰ چه آیین روی ای دل
یا رب مک ۴۰ آفت ایام خرابت	ای قصر دل ۴۰ که منزلگه انسی
صلحی کن و ۷۰ که خرابم ز عتابت	حافظ نه غلامیست ۵ از خواجه گریزد

مصرع پنجم

اهمیت این مصرع بخاطر شماره آن است که گد رمزی ما در غزل حافظ می باشد.

*- اولین واژه این مصرع ۵ حرف و ۵ نقطه دارد. درویش

*- آخرین واژه این مصرع نیز ۵ حرف و ۵ نقطه دارد. نباشد

*- ابجد پنجمین حرف آن مضرب ۵ است: ش/۳۰۰

*- پنجمین نقطه آن روی حرفی است که ابجد آن مضرب ۵ می باشد: ش/۳۰۰

*- ابجد پنجمین واژه آن مضرب ۵ می باشد: که/۲۵

*- مجموع تعداد حروف و نقطه های این مصرع مضرب ۵ است: ۴۰ حرف و نقطه

*- کلمه استثنایی غزل در این مصرع قرار دارد. درویش

*- این مصرع دارای ۵ حرف از حروف اسم و تخلص شاعر است:

درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد (محمد حافظ)

(مجموع حروف و نقطه های اسم و تخلص شاعر خودش نیز مضرب ۵ است: ۱۰ حرف و نقطه)

*- چه تعداد حروف چه تعداد نقطه ها و چه ابجد هر واژه در این مصرع را به ترتیب کنار هم

بچینیم در هر سه حالت عدد حاصله مضرب ۵ خواهد بود:

*	درویش	نمی‌پرسی	و	ترسم	که	نباشد	عدد حاصله
حروف	۵	۷	۱	۴	۲	۵	۵۲۴۱۷۵
نقطه	۵	۴	۰	۲	۰	۵	۵۰۲۰۴۵
ابجد	۵۲۰	۳۷۰	۶	۷۰۰	۲۵	۳۵۷	۳۵۷۲۵۷۰۰۳۷۰۵۲۰

*- در حروف و نقطه هایش دو رمز وجود دارد که در صفحه ۱۵۱، مبحث «پیوند اسرارآمیز

غزلهای حافظ و شهریار» به آن اشاره خواهیم کرد.

سرایندهٔ غزل

شاعر غزل خواجه حافظ شیرازی است. حافظ سال ۷۰۶ شمسی متولد و سال ۷۶۹ شمسی (۷۹۲ قمری) از دنیا رفت و به وصیت خودش در مُصلی شیراز که بسیار مورد علاقهٔ او بود^{۱۱} به خاک سپرده شد. روز دقیق وفات حافظ مشخص نیست ولی روز جهانی بزرگداشت وی هر سال ۲۰ مهر ماه در سراسر جهان برگزار می شود.

*- مجموع سالهای تولد و وفات حافظ مضرب ۵ می باشد: $۷۰۶ + ۷۶۹ = ۱۴۷۵$

*- عدد روز بزرگداشت وی مضرب پنج است: ۲۰ مهر

*- ابجد محل دفن حافظ در شیراز مضرب ۵ می باشد: رمز ابجدی «مُصلی»: ۱۷۰

*- امروزه در محل دفن حافظ پارکی به اسم «حافظیه» ساخته شده. مجموع حروف و نقطه های این اسم نیز مضرب ۵ می باشد. (۱۰ حرف و نقطه)

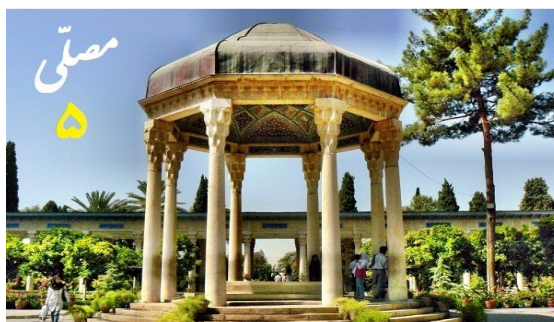
روی سنگ مزار حافظ این بیت نوشته شده:

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

*- تعداد حروف این بیت مضرب ۵ است: ۵۰ حرف

*- تعداد نقطه های این بیت مضرب ۵ است: ۲۵ حرف

*- شمارهٔ غزلی که این بیت در آن قرار دارد مضرب ۵ می باشد: غزل شمارهٔ ۲۰۵



^{۱۱} بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت نسیم باد رکناباد و گلگشت مُصلی را
نمی دهند اجازت مرا به سیر و سفر نسیم باد مُصلی و آب رکناباد (دیوان حافظ)

پیوند اسرار آمیز غزل‌های حافظ و شهریار

غزل‌های حافظ و شهریار را خواندید. این غزل‌ها چنان با اعداد ۱۳ و ۵ گره خورده اند که در نگاه اول هر کسی را به فکر فرو می‌برند اما قضیه فقط به اینجا ختم نمی‌شود. این دو غزل رابطه ای اسرار آمیز هم با یکدیگر دارند که در این مبحث به آن خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است انتخاب این دو غزل از سوی بنده کاملاً تصادفی اتفاق افتاد چندان که بعد از تمام شدن این فصل بر خود واجب دیدم تا سفری به شهر تبریز کنم و بر آرامگاه شهریار بزرگ سر تعظیم فرود بیاورم. گویا این دو غزل آمده بودند تا بر همگان ثابت شود «قرآن اعجاز عددی ندارد». این غزل‌ها به نحو احسن توانستند این جمله را به اثبات برسانند ولی شگفت‌انگیزترین قسمت موضوع برای بنده زمانی بود که این جمله را به حروف ابجد تبدیل کردم. کدهای ۵ و ۱۳ چهار نسبت عجیب با این جمله دارند:

قرآن اعجاز عددی ندارد. (ابجد: ۷۸۰)

ق	ر	آ	ن	ا	ع	ج	ا	ز	ع	د	د	ی	ن	د	ا	ر	د
۱۰۰	۲۰۰	۱	۵۰	۱	۷۰	۳	۱	۷	۷۰	۴	۴	۱۰	۵۰	۴	۱	۲۰۰	۴

*- ابجد جمله (۷۸۰) هم مضرب ۵ است (کُد غزل حافظ) و هم مضرب ۱۳ (کُد غزل شهریار).

*- ۵ و ۱۳ می‌شود ۱۸. این جمله نیز ۱۸ حرف دارد. (۱۳ + ۵)

*- رقم‌های تشکیل دهنده ۵ و ۱۳ می‌شوند ۹. (۱ + ۳ + ۵) جمله مذکور نیز از ۹ حرف الفبا

تشکیل یافته است: (الف + ج + د + ر + ز + ع + ق + ن + ی)

*- ابجد این ۹ حرف روی هم می‌شود ۴۴۵. این عدد خودش مضرب ۵ و جمع رقم‌هایش ۱۳

است: $۴ + ۴ + ۵ = ۱۳$

آری چنانچه می‌بینید کدهای ۵ و ۱۳ به طرز عجیب دست به دست هم داده اند تا این واقعیت را اثبات کنند که «قرآن اعجاز عددی ندارد»

کلمات «پنج» و «سیزده»

این دو عدد که آنها را با حروف نوشته ایم گدهای رمزی ما در غزلهای حافظ و شهریارند.

ه	د	ز	ی	س	حافظ	ج	ن	پ
۳۴	۳۷	۱۷	۴۴	۱۵	جمع: ۱۸۲	۳	۲۷	۵

ه	د	ز	ی	س	شهریار	ج	ن	پ
۲۶	۳۰	۱۳	۴۶	۱۱	جمع: ۱۸۲	۷	۴۵	۴

*- حروف این دو عدد تعداد تکرارشان در غزلهای حافظ و شهریار، هم مساوی یکدیگرند و هم مضرب ۱۳ می باشند. $(۱۴ \times ۱۳) = ۱۸۲$

*- مجموع تکرار حروف «پنج» در دو غزل ۹۱ و مجموع تکرار حروف «سیزده» در دو غزل ۲۷۳ است که باز هم هر دو عدد مضرب ۱۳ می باشند.

اسامی و تخلصهای دو شاعر

ابجد اسمهای دو شاعر روی هم مضرب ۱۳ و ابجد تخلصهایشان مضرب ۵ می باشد.

جمع تخلصها: $(۳۴۱ \times ۵) = ۱۷۰۵$		جمع اسمها: $(۲۴ \times ۱۳) = ۳۱۲$	
حافظ / ۹۸۹	شهریار / ۷۱۶	محمد / ۹۲	محمدحسین / ۲۲۰

در ترتیب حروف الفبا نیز مجموع شماره های «محمد حافظ» مضرب ۵ و «محمد حسین شهریار» مضرب ۱۳ است:

حروف	الف	ح	د	ظ	ف	م	محمد حافظ
شماره الفبا	۱	۸	۱۰	۲۰	۲۳	۲۸	جمع: ۹۰ (۵×۱۸)

حروف	الف	ح	د	ر	س	ش	محمدحسین شهریار
شماره الفبا	۱	۸	۱۰	۱۲	۱۵	۱۶	جمع: ۱۸۲ (۱۳×۱۴)

پیوند ابجدهای دو غزل

هر دو غزل ۲۰ مصرع دارند. اگر عدد ۱ تا ۲۰ را به ترتیب جمع ببندیم رابطه ای دیگر میان ابجدهای دو غزل درست می شود:

مصرع ۱	۳ = مصرع ۲ +	۶ = مصرع ۳ +	۱۰ = مصرع ۴ +
۱۵ = مصرع ۵ +	۲۱ = مصرع ۶ +	۲۸ = مصرع ۷ +	۳۶ = مصرع ۸ +
۴۵ = مصرع ۹ +	۵۵ = مصرع ۱۰ +	۶۶ = مصرع ۱۱ +	۷۸ = مصرع ۱۲ +
۹۱ = مصرع ۱۳ +	۱۰۵ = مصرع ۱۴ +	۱۲۰ = مصرع ۱۵ +	۱۳۶ = مصرع ۱۶ +
۱۵۳ = مصرع ۱۷ +	۱۷۱ = مصرع ۱۸ +	۱۹۰ = مصرع ۱۹ +	۲۱۰ = مصرع ۲۰ +

اعداد به دست آمده از **مصرعهای قرمز** مضرب ۱۳ و اعداد به دست آمده از **مصرعهای آبی** مضرب ۵ می باشند.

*- اگر شماره مصرعهای آبی و قرمز به ترتیب نوشته شود عددی هفده رقمی ساخته می شود که از چپ به راست مضرب ۵ و از راست به چپ مضرب ۱۳ است:

مصرع	مصرع	مصرع	مصرع	مصرع	مصرع	مصرع	مصرع	مصرع	مصرع
۴	۵	۹	۱۰	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۹	۲۰
۴۵۹۱۰۱۲۱۳۱۴۱۵۱۹۲۰					۰۲۹۱۵۱۴۱۳۱۲۱۰۱۹۵۴				
(۵ × ۹۱۸۲۰۲۴۲۶۲۸۳۰۳۸۴)					(۱۳ × ۲۲۴۲۴۱۶۳۹۳۹۲۴۵۸)				

*- مجموع ابجد مصرعهای قرمز در غزل شهریار مضرب ۱۳ است:

$$۲۱۵۰ + ۲۸۴۲ = ۴۹۹۲ \quad (۱۳ \times ۳۸۴)$$

*- مجموع ابجد مصرعهای آبی در غزل حافظ مضرب ۵ است:

$$۳۱۷۰ + ۱۹۷۸ + ۳۲۹۲ + ۱۵۷۰ + ۲۵۱۹ + ۱۳۷۴ + ۳۴۵۴ + ۱۹۵۳ = ۱۹۳۱۰$$

مصرعهای پنجم و سیزدهم در دو غزل

مجموع تعداد حروف و نقطه های این دو مصرع در دو غزل بر عکس یکدیگرند. مضرب آن در غزل شهریار، کُد حافظ (۵)، و در غزل حافظ، کُد شهریار (۱۳) است:

پنجم	عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست	۹۰ حرف و نقطه	ابجد: ۲۵۰۸
سیزدهم	ای شب هجران که یک دم در تو چشمانم نخفت	(۵ x ۱۸)	ابجد: ۲۸۴۲

پنجم	درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد	۷۸ حرف و نقطه	ابجد: ۱۹۷۸
سیزدهم	دور است سر آب از این بادیه هشدار	(۱۳ x ۶)	ابجد: ۱۵۳۵

مجموع ابجدهایشان نیز در هر دو غزل به صورت ضربدری، یکی مضرب ۵ و دیگری مضرب ۱۳ می باشد:

۵ حافظ $4820 (5 \times 964)$ ۱۳ شهریار

۵ شهریار $4043 (13 \times 311)$ ۱۳ حافظ

رابطه اسمهای دو غزل

در ادبیات ایران غزل شهریار به اسم «حالا چرا» و غزل حافظ به اسم «شاهد قدسی» معروف شده اند. اسم هر غزلی معمولاً از مصرع اول آن غزل گرفته می شود و بهترین اسمی هم که می توان برای این دو غزل انتخاب کرد همین دو اسم است. اگر دقت کنید اسم این دو غزل نیز بر مبنای ۱۳ و ۵ با یکدیگر رابطه دارند. اسم غزل حافظ با کُد شهریار (۱۳) در ارتباط است و اسم غزل شهریار با کُد حافظ (۵):

شاهد قدسی	حافظ	حالا چرا
۱۳ حرف و نقطه		۱۰ حرف و نقطه
۱ x ۱۳	شهریار	۲ x ۵

رابطه حروفی بین دو غزل

حروف زیر تعدادهایشان مضرب ۵ یا ۱۳ است. (قرمزها در غزل حافظ. آبی ها در غزل شهریار)

حروف	آ	پ	ح	د	ز	س	ش	گ	م	ن	و	هـ	جمع
تعداد تکرار	۷۵	۵	۵	۳۰	۱۳	۱۵	۲۰	۵	۴۰	۴۵	۲۰	۲۶	۲۹۹
شماره الفبا	۱	۳	۸	۱۰	۱۳	۱۵	۱۶	۲۶	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۲۱۰
ابجد	۱	۰	۸	۴	۷	۶۰	۳۰۰	۰	۴۰	۵۰	۶	۵	۴۸۱

*- جمع تعداد این حروف و نقطه هایشان مضرب ۵ است. $(۵ \times ۴) = ۲۰ = ۱۲ \text{ حرف} + ۸ \text{ نقطه}$

*- مجموع تعداد تکرارشان مضرب ۱۳ است: $۲۹۹ (۱۳ \times ۲۳)$

*- مجموع شماره الفباهای شان مضرب ۵ است. $۲۱۰ (۵ \times ۴۲)$

*- مجموع رمزهای ابجدی شان مضرب ۱۳ است: $۴۸۱ (۱۳ \times ۳۷)$

حروف «ث ذ ژ ص ض ظ» در غزل شهریار و حروف «ذ ژ ض» در غزل حافظ وجود ندارند.

حروف	ث	ذ	ژ	ص	ض	ظ	جمع
ابجد	۵۰۰	۷۰۰	۰	۹۰	۸۰۰	۹۰۰	۲۹۹۰
شماره الفبا	۵	۱۱	۱۴	۱۷	۱۸	۲۰	۸۵

*- جمع تعداد این حروف و نقطه هایشان مضرب ۵ است. $۱۵ = ۹ \text{ حرف} + ۶ \text{ نقطه}$

*- ابجد آنها هم مضرب ۵ است هم مضرب ۱۳: $۲۹۹۰ (۵ \times ۵۹۸) (۱۳ \times ۲۳۰)$

*- شماره الفبای آنها (۸۵) خودش مضرب ۵ و جمع رقمهایش ۱۳ است: $۸ + ۵ = ۱۳$

*- غزل حافظ واژه ای بیشتر از ۱۳ حرف و نقطه ندارد: «نشیدی» (۱۳×۱)

*- غزل شهریار واژه ای بیشتر از ۱۵ حرف و نقطه ندارد: «مشتاقان» «پرشان» (۵×۳)

*- «مشتاقان» و «پرشان» در مصرع ۱۵ شهریار و «نشیدی» در مصرع ۱۱ حافظ قرار دارند

این دو عدد کنار هم مضرب ۵ و جمعشان مضرب ۱۳ است: $۲۶ (۱۱+۱۵) ۱۱۱۵$

نمودار زیر غزلهای حافظ و شهریار را بر اساس مصرعهای چپ و راست نشان می دهد و اعداد نوشته شده در روی آنها تعداد حروف هر قسمت در هر دو غزل می باشند. اینجا نیز رابطه ای بسیار زیبا بر اساس ۵ و ۱۳ بین دو غزل وجود دارد:

بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا
من که یک امروز مهمانم تو را فردا چرا
دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا
این همه غایب شدم از چون نمی شنیدم
ای لب شیرین، جواب تلخ سر بالا چرا
این قدر با بخت خواب آلود من لا چرا
در شگفتم من نمی پاشد زهم دنیا چرا
خامشی رسم وفاداری بود غوغا چرا
این سفر راه قیامت می روی تنها چرا

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا
نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست
نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم
و که با این عمر کوتاهی اعتبار
شور فرهادم بپوشش سر به زیر آکنده بود
ای شب هجران که یکدم در تو چشمانم نخفت
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند
در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین
شهریارا بی حبيب خود نمی کردی سفر

ای مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت
کاغوش که شد منزل آسایش و خوابت
اندیشه آمرزش و پروای ثوابت
پیدا است از این شیوه که مست است شرابت
تا باز با اندیشه که در رای صوابت
پیدا است نگار که بلند است جنابت
تا غول بیابان نغریسد به سرابت
باری به غلط صرف شد ایام شبابت
یا رب مکناد آفت ایام خرابت
صلحی کن و باز که خرابم ز عتابت

ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت
خوابم بشد از دیده در این فکر جگرسوز
درویش نمی پرسی و ترسم که نباشد
راه دل عشاق زد آن چشم خماری
تیری که زنی بر دام زخمی خلا رفت
هر ناله و فریاد که کرده شنیدی
دور است سر آب از این بادیه هشدار
تا در ره پیری به چه آیین روی ای دل
ای قصر دل افروز که منزلگه انسی
حافظ نه غلامیست که از خواجه گریزد

*- اختلاف اعداد سمت چپ با اعداد سمت راست عدد ۱۳ است:

$$(271 + 238) - (275 + 247) = 13$$

*- اختلاف اعداد مذکور به صورت ضربدری عدد ۵ است:

$$(271 + 247) - (238 + 275) = 5$$

رمز نویسنده و اسم کتاب در مصرعهای ۵ و ۱۳

جالبترین قسمت موضوع در **مصرع سیزدهم شهریار** و **مصرع پنجم حافظ** است. این دو مصرع نیز حرفهایی برای گفتن دارند. حرفهایی که فقط در همین دو مصرع قابل اثبات است و در هیچ یک از مصرعهای دیگر وجود ندارد.

ای شاهد قدسی که کشد بند نقابت	ای مرغ بهشتی که دهد دانه و آبت
خوابم بشد از دیده در این فکر جگرسوز	کافوش که شد منزل آسایش و خوابت
درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد	اندیشه آمرزش و پروای ثوابت
راه دل عشاق زد آن چشم خماری	پیدا است از این شیوه که مست است شرایت
تیری که زدی بر دلم از غمزه خطا رفتی	تا از چه اندیشه کند رای صوابت
هر ناله و فریاد که کرده‌ام شنیدی	چید است نگارا که بلند است جنابت
دور است سر آب از این بادیه هشدار	تا غول بیابان نغریبد به سرایت
تا در ره پیری به چه آیین روی ای دل	باری به غلط صرف شد ایام شبایت
ای قصر دل افروز که منزلگه انسی	یا رب مکناد آفت ایام خرابت
حافظ نه غلامیست که از خواجه گریزد	صلحی کن و باز که خرابم ز عتابت

یکی از مصرعها رمز نویسنده را در خود دارد و دیگری رمز کتاب. ولی قبل از آن بهتر است بدانید مجموع حروف و نقطه های این دو مصرع مضرب ۱۳ و مجموع ابجدهایشان مضرب ۵ می باشد. $(۵ \times ۹۶۴) = ۴۸۲۰ = ۱۹۷۸ + ۲۸۴۲$ $(۱۳ \times ۷) = ۹۱$ حرف و نقطه

-* - مصرع سیزدهم شهریار

ای شب هجران که یکدم در تو چشمانم نخفت. $۶۳۸ = (۲۹ \text{ حرف}) \times (۲۲ \text{ نقطه})$

حاصل ضرب حروف و نقطه های این مصرع، مساوی است با رمز ابجدی بهزاد پوربیات نویسنده همین کتاب. $۶۳۸ = \text{بهبزاد پوربیات}$

ب	۵	ز	۱	۵	پ	و	ر	ب	ی	ا	ت
۲	۵	۷	۱	۴	۰	۶	۲۰۰	۲	۱۰	۱	۴۰۰

-* - مصرع پنجم حافظ

درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد. $۳۸۴ = (۲۴ \text{ حرف}) \times (۱۶ \text{ نقطه})$

حاصل ضرب حروف و نقطه های این مصرع، مساوی است با رمز ابجدی اسم کتاب (افسانه اعداد) + شماره صفحه همین فصل (اعجاز در آثار شاعران)

جمع	اعجاز در آثار شاعران	د	ا	د	ع	ا	ه	ن	ا	س	ف	ا
۳۸۴	صفحه ۱۰۷	۴	۱	۴	۷۰	۱	۵	۵۰	۱	۶۰	۸۰	۱

-* - شگفتی دیگر:

تعداد حروف مشترک «بهزاد پوریات» با مصرع سیزدهم مضرب ۵ است.:

ای شب هجران که یک دم در تو چشمانم نخفت ۱۵ حرف مشترک (۵ x ۳)

تعداد حروف مشترک «افسانه اعداد/ اعجاز در آثار شاعران» با مصرع پنجم مضرب ۱۳ است:

درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد ۱۳ حرف مشترک (۱۳ x ۱)

اسم نویسنده در کل غزلها

اگر نام کاشف این دو مضرب (بهزاد پوریات) را بنویسیم و زیر هر حرف، تعداد تکرار آن را در غزلهای شهریار و حافظ درج کنیم مجموع به دست آمده در غزل شهریار مضرب ۱۳ و در غزل حافظ مضرب ۵ خواهد شد:

غزل شهریار	ت	ا	ی	ب	ر	و	پ	د	ا	ز	ه	ب
۴۶۸ (۱۳ x ۳۶)	۱۹	۹۷	۴۶	۲۸	۴۹	۳۱	۴	۳۰	۹۷	۱۳	۲۶	۲۸

غزل حافظ	ت	ا	ی	ب	ر	و	پ	د	ا	ز	ه	ب
۴۳۵ (۵ x ۸۷)	۲۷	۷۵	۴۴	۳۲	۳۷	۲۰	۵	۳۷	۷۵	۱۷	۳۴	۳۲

زندگی و روز بزرگداشت دو شاعر

حافظ حدود ۶۳ و شهریار حدود ۸۲ سال و چند ماه در این جهان زندگی کرده اند. روز بزرگداشت حافظ هر ساله ۲۰ مهر ماه (۷) و روز بزرگداشت شهریار هر ساله ۲۷ شهریور (۶) برگزار می شود. مجموع تاریخهای بزرگداشت ۶۰ و مجموع سالهای زندگی ۱۴۵ است. این دو عدد خودشان مضرب ۵ می باشند و اگر آنها را کنار هم بگذاریم مضرب ۱۳ خواهند بود:

سالهای زندگی	تاریخهای بزرگداشت
$۸۲ + ۶۳ = ۱۴۵$	$(۶+۲۷) + (۷+۲۰) = ۶۰$
$۱۴۵۶۰ (۱۳ \times ۱۱۲۰)$	

تاریخ کشف مضربهای ۵ و ۱۳

شماره ردیف سوره مدثر ۷۴، و مضرب مورد نظر رشاد خلیفه ۱۹ بود. اگر این دو عدد را کنار هم بگذاریم خواهد شد ۱۹۷۴. وی معتقد است این عدد تاریخ کشف مضرب ۱۹ توسط وی را نشان می دهد زیرا سالی که رشاد خلیفه کتاب مضرب ۱۹ را برای قرآن نوشت سال ۱۹۷۴ بود. این یعنی تاریخ سازی از روی اعداد. اگر دقت کنید این تاریخ کشف در غزلهای حافظ و شهریار نیز به دست می آید ملاحظه کنید:

محمد / ۹۲ حافظ / ۹۸۹ محمدحسین / ۲۲۰ شهریار / ۷۱۶

ابجد اسامی و تخلصهای حافظ و شهریار روی هم می شود ۲۰۱۷. این عدد مساوی است با سال کشف مضربهای ۱۳ و ۵ در غزلهای این دو شاعر بزرگ یعنی سال نگارش همین کتاب (۲۰۱۷ میلادی مصادف با ۱۳۹۶ شمسی) کتابی که تعداد صفحات آن مضرب ۵ و جمع رقمهایش ۱۳ می باشد: ۱۷۵ صفحه. $۱ + ۷ + ۵ = ۱۳$

پرسش: آیا تمامی این اعداد و نسبتها اتفاقی است؟ پاسخ: بله اتفاقی است.

معجزه سازی علمی از غزل حافظ و شهریار

شامپانزه ۲۴ جفت کروموزوم دارد اگر تعداد تکرار تک تک حروف شامپانزه را در غزل شهریار جمع ببندیم مضربی از عدد ۲۴ به دست می آید رقمهای اول و آخر این تعدادها نیز خود به خود عدد ۲۴ را نشان می دهند.

ش/۱۴	۹۷/۱	۴۰/م	۴/پ	۹۷/۱	۴۵/ن	۱۳/ز	۲۶/ه	۳۳۶ (۲۴ × ۱۴)
------	------	------	-----	------	------	------	------	---------------

پسته ۱۲ الی ۱۵ کروموزوم.

تعداد به دست آمده از حروف پسته در غزل شهریار، هم مضرب ۱۲ است و هم مضرب ۱۵.

۴/پ	۱۱/س	۱۹/ت	۲۶/ه	۶۰ (۱۵ × ۴)	۶۰ (۱۲ × ۵)
-----	------	------	------	-------------	-------------

آلو ۸ کروموزوم

سیب ۱۷ کروموزوم

س/۱۱	۴۶/ی	۲۸/ب	۸۵ (۱۷ × ۵)	۹۷/آ	۱۶/ل	۳۱/و	۱۴۴ (۸ × ۱۸)
------	------	------	-------------	------	------	------	--------------

خرگوش ۴۴ کروموزوم دارد.

اگر تعداد تکرار تک تک حروف خرگوش را در غزل حافظ جمع ببندیم مضربی از عدد ۴۴ به دست می آید که برابر است با تعداد کروموزومهای این حیوان.

خ/۷	۳۷/ر	۴/گ	۲۰/و	۲۰/ش	۸۸ (۴۴ × ۲)
-----	------	-----	------	------	-------------

پرتغال ۹ کروموزوم.

اگر تعداد تکرار تک تک حروف پرتغال را در غزل حافظ جمع ببندیم مضربی از عدد ۹ به دست می آید که برابر است با تعداد کروموزومهای این گیاه.

پ/۵	۳۷/ر	۲۷/ت	۶/غ	۷۵/ا	۱۲/ل	۱۶۲ (۹ × ۱۸)
-----	------	------	-----	------	------	--------------

نتیجه گیری از مطالب فصل

مطالبی که خواندید دقیقاً همان ماجرای ضربیهایی است که دکانداران دین برای سوره های قرآن ساخته اند و به عنوان معجزه تبلیغ می کنند. چنانچه می بینید عین همین ضربیها در آثار شاعران و حتی ضرب المثلهای کوچه بازاری نیز وجود دارد و امری کاملاً شانس و تصادفی است ولی رشاد خلیفه سردسته معجزه تراشان مدعی است:

«معجزه ضرب نوزده در قرآن یک امر تصادفی و شانس نیست زیرا خود قرآن به صورت کنایه وار به وجود این معجزه در آیاتش اشاره کرده است:

سَأْصَلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوْ آخَةُ لِلْبَشْرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشْرِ ﴿٣١﴾

بزودی او را وارد سقر (دوزخ) می کنم! (۲۶) و تو نمی دانی «سقر» چیست! (۲۷) (آتشی است که) نه چیزی را باقی می گذارد و نه چیزی را رها می سازد! (۲۸) پوست تن را به کلی دگرگون می کند! (۲۹) و نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) نیز نگهبان آن است (۳۰) ما ماموران جهنم را فقط از فرشتگان (عذاب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزایند، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیمار دلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می سازد و هر کس را بخواهد هدایت می کند! و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست! (۳۱)

رشاد خلیفه با استناد به این آیه مدعی است خود قرآن می داند که در آیات و سوره هایش

مضرب نوزده به کار رفته ولی آیا واقعا به نظر شما منظور این آیات، وجود مضرب نوزده در قرآن است؟

در کتابهای تورات و انجیل نیز نگهبانان جهنم نوزده تن اعلام شده اند. اگر دقت کنید آیه ۳۱ می گوید «تعداد نگهبانان جهنم را نوزده تن اعلام کردیم تا یهودیان و مسیحیان یقین پیدا کنند که این قرآن کتاب خداست و به آن ایمان بیاورند.» یعنی علت این نوزده گفتن، مطابقت دادن قرآن با تورات و انجیل است زیرا در تورات و انجیل تعداد نگهبانان جهنم نوزده تن اعلام شده حال اگر قرآن تعداد آنها را عدد دیگری اعلام می کرد مطابقت قرآن با تورات و انجیل به هم می خورد در نتیجه یهودیان و مسیحیان به شک می افتادند و به قرآن محمد ایمان نمی آوردند. کل منظور این آیات همین است ولی ببینید یک معجزه تراش خیالباف و متوهم برای توجیه کار خودش چگونه چیزهای نامربوط را به هم ربط می دهد.

مثل این حرف رشاد خلیفه به این می ماند که ما نیز برای تکمیل معجزه تراشی خودمان از غزل شهریار بگوییم:

معجزه مضرب ۱۳ نشان می دهد غزلهای شهریار همگی وحی الهی است و تصادفی هم نیست زیرا خود شهریار کنایه وار به وجود این مضرب در غزلهایش اشاره کرده است:

سیزده را همه عالم بدر آیند از شهر من خود آن سیزدهم کز همه عالم بدرم

آری همین ادعا را ما نیز می توانیم بکنیم. تازه ادعای ما محکم تر از ادعای رشاد خلیفه است زیرا هیچ کدام از آیاتی که وی برای ادعایش عنوان می کند نه به تنهایی و نه به صورت جمع تعداد حروفشان مضرب نوزده نیست ولی بیت مورد ادعای ما که به وجود مضرب ۱۳ در غزلهای شهریار اشاره می کند تعداد حروف خودش نیز مضرب ۱۳ است. (۵۲ حرف). ۱۳×۴

پس:

اولا اگر قرآن کتاب خدا بود و چنین نظری داشت باید همه چیز قرآن را بر مبنای مضرب ۱۹ تنظیم می کرد نه اینکه بعضی جهاتش با مضرب ۱۹ سازگار باشد و بعضی نباشد. چنانچه در فصلهای گذشته دیدید بسیاری از ادعاهای عنوان شده در مورد مضرب ۱۹ دروغ بودند. آیا

خداوند بزرگ نمی توانست کاری بکند که تعداد کل آیات قرآن به همراه حروف و نقطه هایش همگی مضرب نوزده بشوند؟ قطعاً که می توانست پس چرا نشده است.

آیا خداوند بزرگ نمی توانست کاری بکند که تعداد حروف و نقطه های هر سوره به صورت مستقل مضرب نوزده بشوند؟ قطعاً که می توانست پس چرا نشده است.

آیا خداوند بزرگ نمی توانست کاری بکند که تعداد حروف و نقطه های هر آیه به صورت مستقل مضرب نوزده بشوند؟ قطعاً که می توانست پس چرا نشده است.

آری اگر قرآن کتاب خدا بود می توانست کاری بکند که قرآن از هر نظر که شما فکر می کنید بر مبنای مضرب نوزده نازل شود ولی وقتی که تنها مواردی معدود چنینند و نظیر همین موارد معدود در آثار و کتابهای دیگر نیز یافت می شود نتیجه می گیریم این امور همگی اموری تصادفی، اتفاقی و طبیعی است پس هرگز نمی توان اسمشان را معجزه گذاشت علی الخصوص کتابی که دریایی از اشکالات علمی، اخلاقی، ادبی و ... را در خود دارد و آورنده اش نیز فردی کاملاً خودرای و زن باره بوده است.

از این گذشته نگهبانان نوزده گانه ی جهنم چه ربطی به وجود مضرب نوزده در قرآن دارند؟ اینجا آقایان معجزه تراش دست به دامن تشبیه می شوند و می گویند:

مقصود این است که مضرب نوزده، نگهبان قرآن است برای جلوگیری از تحریف آن، درست همانگونه که آن نوزده فرشته از جهنم پاسبانی می کنند این مضرب نوزده نیز از قرآن پاسبانی می کند!!!!!!

آیا احمقانه تر از این نیز می شود حرف زد؟ ابلهان معجزه تراش با این تشبیه احمقانه کتاب مقدس خودشان را با جهنم یکی می کنند. یعنی به زبان بی زبانی اعتراف می کنند قرآن مثل جهنم است. آیا خداوند بزرگ واقعا چنین اشتباهی می کند؟ کسی نیست به این جماعت منحرف از جاده ی عقل و منطق بگوید تشبیه قرآن به جهنم بهتر بود یا تشبیه آن به بهشت؟ خدای دروغین اسلام برای اشاره به وجود مضرب نوزده در قرآن باید خدمتگذاران بهشت را نوزده تن قرار می داد نه نگهبانان شکنجه گر جهنم را.

فصل هفتم

اشکالات

ریاضی در قرآن

مقدمهٔ فصل

کسانی که قرآن برایشان بعنوان یک معجزه ی ریاضی معرفی شده بسیار مبهوت و متعجب خواهند شد وقتی که بدانند آیات قرآن پر از اشکالات ریاضی و عددی است. فصلی که خواهید خواند تیر خلاصی است بر دهان آنان که اصرار دارند با روشهای فریبکارانه ی خود قرآن را معجزه ی ریاضی جلوه دهند.

نسبت فصل حاضر با فصلهای پیشین نسبت ترجمه و تفسیر است. ترجمه در واقع خود قرآن است ولی تفسیر چیزی است که دیگران برای قرآن ساخته اند و می تواند غلط باشد. اعداد و عددبازیهایی که در فصول گذشته خواندید تخیلات دیگران بودند در مورد قرآن و هرگز حرفهای خود قرآن نبود ولی آنچه در فصل حاضر خواهید خواند ریاضیاتی است واقعی از زبان خود قرآن و اشتباهاتی فاحش که محمد در ساده ترین جمع و تفریقها مرتکب شده. فصل حاضر را با دقت تمام بخوانید سپس در مورد ادعاهای اعجاز عددی در مورد قرآن قضاوت کنید.

اشتباه در تقسیم

قرآن در سوره نساء آیات ۱۱ و ۱۲ احکام ارث را بیان کرده و مقدار سهمی را که هر یک از وارثان باید ببرند مشخص ساخته است. موضوعی که در این قسمت می خواهیم بررسی کنیم عادلانه بودن یا نبودن این مقدار سهم ها نیست بلکه اشکال ریاضی بزرگی است که خدای محمد در محاسباتش مرتکب شده است. به متن و ترجمه ی آیات خوب دقت کنید:

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَتُهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِّنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ... ﴿١١﴾ وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُنْ لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِن لَّمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِّن بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ ... ﴿١٢﴾

خداوند شما را دستور میدهد تا برای پسران دو برابر دخترانتان ارث بدهید. پس اگر فرزندان همگی دختر و تعدادشان بالای دو نفر باشند «**دو سوّم**» ارثی که میّت به جا گذاشته مال آنهاست و اگر فقط یک دختر بود نصف کل ارث به او می رسد. پدر و مادر میّت نیز هر کدام «**یک ششم**» از کل ارثی که وی به جا گذاشته سهم می برند اگر میّت دارای فرزند باشد. پس اگر میّت هیچ فرزندی نداشت و وارثانش فقط پدر و مادرش باشند مادرش «یک سوّم» سهم می برد (و بقیه به پدر می رسد) ولی اگر برادر هم داشته باشد به مادر «یک ششم» می رسد البته بعد از انجام وصیتهای میّت و پرداخت قرضهایش (۱۱) و نصفی از کل ارثی که همسرانتان به جا گذاشته اند سهم شما مردان است اگر همسرانتان فرزندی نداشتند ولی اگر دارای فرزند باشد فقط «یک چهارم» آن مال شماست البته بعد از انجام وصیتهای میّت و پرداخت قرضهایش. همسرانتان نیز «یک چهارم» از کل ارثی را که شما به جا گذاشته اید سهم می برند اگر شما فرزندی نداشتند باشید ولی اگر شما دارای فرزند باشید فقط «**یک**

هشتم «کل ارثی که شما به جا گذاشته اید مال آنهاست البته بعد از انجام وصیتهای

شما و پرداخت قرضهائیتان. (نساء، ۱۲)

آیات ارث را خواندید. حال فرض می کنیم مردی از دنیا رفته و وارثانش عبارتند از سه دختر، یک همسر و دو نفر پدر و مادرش. تمام سرمایه ی این مرد ۱۹ میلیون تومان است و یک میلیون تومان نیز به همسایه اش بدهکار می باشد. آیات ۱۱ و ۱۲ سوره نساء می گویند میت اگر وصیت یا قرضی داشته باشد نخست آنها را پرداخت کنید سپس ارثیه را با نسبتهایی که گفته شده میان وارثان تقسیم کنید. میت فرضی ما یک میلیون تومان به همسایه اش بدهکار بوده پس اول این یک میلیون تومان بدهی را پرداخت می کنیم. ۱۸ میلیون تومان باقی می ماند حال اگر این ۱۸ میلیون تومان را با نسبتهای گفته شده میان وارثان تقسیم کنیم حالتی ایجاد می شود که در جدولهای زیر می بینید.

وارثین میت: سه دختر، همسر، پدر، مادر.

حکم این حالت:

اگر فرزندان همگی دختر و تعدادشان بالای دو نفر باشند «دو سوّم» ارثی که میت به

جا گذاشته مال آنهاست. (نساء، ۱۱)

مقدار ارثیه پس از پرداخت قرضهای میت: ۱۸ میلیون تومان

وارثین	سه دختر	پدر	مادر	همسر
سهّم از ارث	$\frac{2}{3}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{8}$
نتیجه	۱۲ میلیون	۳ میلیون	۳ میلیون	چیزی برای همسر باقی نمی ماند

عجب خدای کم سوادی! خدایی که یک تقسیم بندی ساده را نیز نتوانسته درست انجام دهد و

اشتباهی به این فاحشی مرتکب شده. پیداست محمد در ریاضیات بسیار ضعیف بوده است.

حالت دوم

وارثین میّت: یک دختر، همسر، پدر، مادر.

حکم این حالت:

و اگر فقط یک دختر بود نصف کل ارث به او می رسد. پدر و مادر میّت نیز هر کدام «یک ششم» از کل ارثی که وی به جا گذاشته سهم می برند اگر میّت دارای فرزند باشد. (نساء، ۱۱)

مقدار ارثیه پس از پرداخت قرضهای میّت: ۱۸ میلیون تومان

وارثین	یک دختر	پدر	مادر	همسر
سهم از ارث	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{8}$
نتیجه	۹ میلیون	۳ میلیون	۳ میلیون	۲/۲۵۰

$$۲/۲۵۰ + ۳ + ۳ + ۹ = ۱۷/۲۵۰$$

$$۱۸۰۰۰۰۰۰ - ۱۷۲۵۰۰۰۰ = ۷۵۰۰۰۰ \quad \text{۷۵۰ هزار تومان اضافه می ماند.}$$

لازم به ذکر است حالت های دیگر نیز وجود دارند که آنها نیز درست به همین شکل دارای اشکال می باشند.

توجیهات مفسرین

دکانداران دین برای این اشکال دو توجیه ارائه کرده اند.

توجیه اول:

«اگر سهم همسر را قبل از تقسیم ارث بدهیم سپس باقیمانده ی ارث را با نسبتهای گفته شده بین دختران و پدر و مادر تقسیم کنیم مشکل حل می شود.»

رد توجیه اول:

گرچه خود قرآن هرگز نگفته اول سهم همسر را بدهید ولی حتی اگر چنین کنیم فقط در حالت اول مشکل حل می شود. در حالتهای دیگر، مشکل همچنان به قوت خود باقی است دقت کنید:

مقدار ارثیه پس از پرداخت قرضهای میت: ۱۸ میلیون تومان

همسر $\frac{1}{8}$	$18 \div 8 = 2/250$	۲,۲۵۰,۰۰۰ تومان
--------------------	---------------------	-----------------

باقی مانده ارث: ۱۵,۷۵۰,۰۰۰ تومان

یک دختر	پدر	مادر
$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{6}$
۷/۸۷۵	۲/۶۲۵	۲/۶۲۵

$$2/625 + 2/625 + 7/875 = 13/125$$

اول سهم همسر را دادیم. سپس باقیمانده را بین دختر، پدر و مادر تقسیم کردیم. ۲ میلیون و ۶۲۵ هزار تومان اضافه ماند.

$$۱۵/۷۵۰ - ۱۳/۱۲۵ = ۲/۶۲۵$$

لازم به ذکر است شما هر حالتی را که در نظر بگیرید هیچ کدام درست در نخواهد آمد. چه سهم همسر را اول بدهید چه سهم دختر را و چه سهم پدر و مادر را.

توجیه دوّم:

«اول سهم همسر (یک هشتم از کل ارث) و مادر (یک ششم از کل ارث) داده می شود سپس بقیه بین پدر و دختران تقسیم می گردد، یعنی چهار سهم از بقیه را به دختران و یک سهم را به پدر می دهند. زیرا پدر و دختران جزو کسانی اند که در بعض صورت ها سهم دارند و در بعض صورت ها سهم ندارند.»

رد توجیه دوّم:

پاسخ به دلایل زیر باطل است:

الف. کجای آیه گفته است اول سهم همسر و مادر را بدهید سپس باقیمانده را میان پدر و دختران میت تقسیم کنید؟ آیه سه بار تاکید کرده بعد از انجام وصیتهای میت و پرداخت قرضهایش ارث را میان وارثان تقسیم کنید اگر قرار بود اول سهم همسر و مادر داده شود سپس مابقی میان پدر و دختران تقسیم گردد حتما مانند انجام وصیتهای میت و پرداخت قرضهایش حداقل یکبار به آن نیز اشاره می کرد.

ب. مفسرین می گویند پس از دادن سهم همسر و مادر مابقی میان پدر و دختران میت تقسیم می شود «چهار پنجم» به دختران می رسد و «یک پنجم» به پدر. این «چهار پنجم» سهم دختران و «یک پنجم» سهم پدر کجای قرآن است؟ این نسبتها را خود مفسران بافته اند زیرا هیچ کجای قرآن چنین چیزی وجود ندارد. خود قرآن گفته سهم دختران «دو سوّم» است آن وقت آقایان دکانداران دین می گویند «چهار پنجم».

ج. در منطق قرآن فرد مذکر یا دو برابر فرد مونث ارث می برد یا مساوی با آن. برای مثال:

برادر دو برابر خواهر (مطابق آیه ۱۱ سوره نساء)

شوهر دو برابر همسر: (مطابق آیه ۱۲ سوره نساء)

پدر و مادر مساوی باهم (مطابق آیه ۱۱ سوره نساء)

حال اگر بر اساس توجیه مفسرین این ارث را تقسیم کنیم به پدر کمتر از مادر می رسد. به نتایج جدول زیر دقت کنید:

باقیمانده ارث ۱۲/۷۵ میلیون تومان		تقسیم ارث بر اساس توجیه مفسرین		
پدر	سه دختر	همسر	مادر	وارثین
$\frac{1}{5}$ باقیمانده ارث	$\frac{4}{5}$ باقیمانده ارث	$\frac{1}{8}$	$\frac{1}{6}$	سهام از ارث
۲/۵۵ میلیون	۱۰/۲ میلیون	۲/۲۵ میلیون	۳ میلیون	نتیجه

د. آیه ی قرآن خودش کاملا واضح است و توجیهی که مفسرین برای آن می گویند به هیچ وجه با متن خود آیات سازگار نیست.

اشتباه در جمع دو عدد

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلًى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ.

و ما انسان را به والدینش سفارش کردیم. مادرش او را به سختی حامله می شود و او را دو سال شیر می دهد. (لقمان، ۱۴)

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ.

و مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر می دهند. (بقره، ۲۳۳)

مدت زمان حاملگی زن ۹ ماه است. چنانچه در آیات فوق خواندید قرآن دوران شیرخوارگی کودک را **دو سال کامل یعنی ۲۴ ماه** اعلام کرده است. جمع این دو مدت یعنی «دوران حاملگی» و «دوران شیرخوارگی» می شود ۳۳ ماه ($۹ + ۲۴ = ۳۳$) که یک جمع کاملاً ساده است ولی خدای دروغین اسلام حتی این جمع ساده را نیز نتوانسته درست انجام دهد و در کمال اشتباه جمع این دو مدت را ۳۰ ماه اعلام کرده است.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِإِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا.

ما انسان را برای احسان به والدینش سفارش کردیم. مادرش او را به سختی حامله می شود و به سختی او را می زاید طوری که دوران حاملگی و دوران شیر دادنش سی ماه طول می کشد. (احقاف، ۱۵)

برای این اشتباه بزرگ فقط دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول. محمد نمی دانست مدت زمان حاملگی ۹ می باشد و آن را ۶ ماه تصور می کرد بعید هم نیست زیرا زمان قدیم تکنولوژی دقیق امروزی وجود نداشت تا مردم عربستان مدت

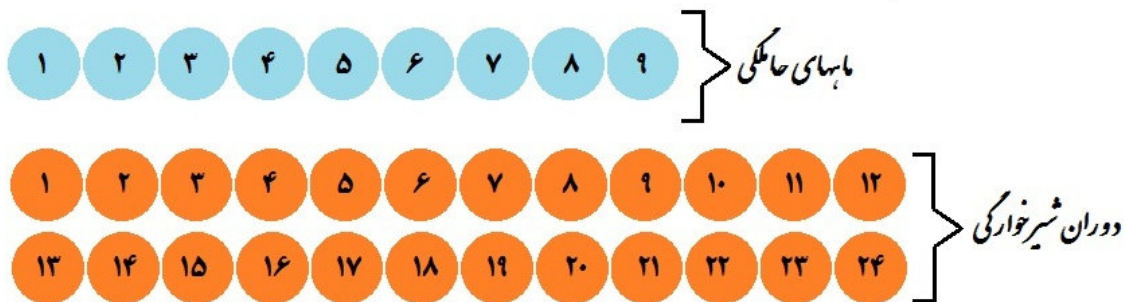
زمان دقیق آن را بدانند.

احتمال دوم. محمد در حساب کردن اعداد و رقمها اشتباه کرده است.

اگر دلیل اشتباه، گزینه اول باشد این اشتباه را باید به حساب اشتباهات پزشکی در قرآن بگذاریم ولی اگر دلیل آن گزینه دوم بوده باشد در زمره اشکالات ریاضی خواهد بود خلاصه در هر دو حالت اشکالی است برای قرآن چه ریاضیاتی باشد چه پزشکی.

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ.

و مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر می دهند. (بقره، ۲۳۳)



وَحَلَّهٖ وَفَصَّالَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا.

$$9 + 24 = 33$$

دوران حاملگی و دوران شیردانش ۳۰ ماه طول می کشد. (احقاف، ۱۵)

دکانداران اسلام هنوز هیچ توجیهی برای این اشکال ذکر نکرده اند زیرا تاکنون متوجه وجود آن نشده اند. تنها توجیه احتمالی که شاید برای آن بتراشند این خواهد بود که منظور قرآن از دو سال شیر دادن کودک، دو سال تقریبی است. اگر چنین پاسخی بدهند پاسخ باطل و محکوم خواهد بود زیرا خود قرآن بر دو سال کامل (۲۴ ماه) تاکید کرده است نه دو سال تقریبی.

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ.

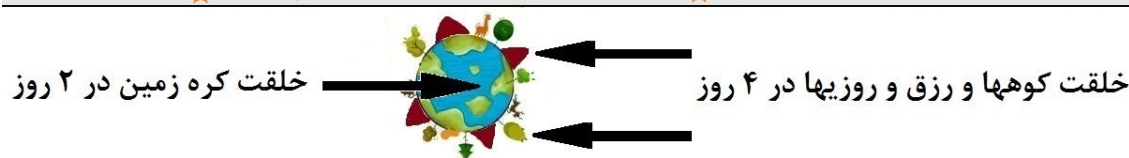
و مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر می دهند. (بقره، ۲۳۳)

اشتباه در جمع سه عدد

قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٩﴾
 وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ﴿١٠﴾ ثُمَّ
 اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾
 فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا
 ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾

بگو آیا به خدایی که زمین را در دو روز آفرید کافر می شوید و برای او که خدای
 عالمیان است شریک قرار می دهید؟ و در زمین کوههایی برافراشت و برکت ایجاد
 کرد و رزق و روزیهایش را در چهار روز به طور مساوی برای همگان مقدر فرمود.
 سپس به خلقت آسمان پرداخت و آن دود بود. پس به آسمان و زمین گفت به اختیار
 یا به اجبار سوی من بیایید گفتند با اختیار می آییم. پس در دو روز هفت آسمان را
 آفرید و در هر آسمانی امر خویش را وحی فرمود و آسمان پائینتر را برای حفاظت از
 شر شیاطین، با ستارگان زینت بخشیدیم. این تقدیر خدای مقتدر و داناست. (فصلت)

آسمان هفتم	
آسمان ششم	
آسمان پنجم	خلقت هفت آسمان در ۲ روز
آسمان چهارم	
آسمان سوم	
آسمان دوم	
آسمان اول	



مطابق با آیات فوق خلقت جهان بدین صورت است:

خلقت زمین در ۲ روز.

خلقت کوهها، موجودات زنده و گیاهان (رزق و روزیها) در ۴ روز

خلقت هفت آسمان در ۲ روز.

جمع این اعداد می شود ۸ روز $2 + 4 + 2 = 8$

پس جهان جمعا در ۸ روز آفریده شده این چیزی است که خود قرآن گفته ولی در کمال تعجب خدای دروغین اسلام این مسئله ی ساده را نیز نتوانسته حل کند و جمع روزهای خلقت را در سوره های دیگر ۶ روز اعلام کرده است!!!!!!:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ.

همانا آسمانها، زمین و هرچه را که بین آنهاست همه را در **شش روز** آفریدیم و هیچ گونه خستگی احساس نکردیم. (ق، ۳۸)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ.

همانا پروردگار شما خدایی است که آسمانها و زمین را در **شش روز** آفرید سپس بر تخت خود تکیه زد. (یونس، ۳)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ.

همانا پروردگار شما خدایی است که آسمانها و زمین را در **شش روز** آفرید سپس بر تخت خود تکیه زد. (اعراف، ۵۴)

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ.

خدا کسی است که آسمانها و زمین و هر چه را که بین آنهاست **در شش روز** آفرید
سپس بر تخت خود تکیه زد. (فرقان، ۵۹)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ. (حدید، ۴)

اوست خدایی که آسمانها و زمین را **در شش روز** آفرید سپس بر تخت خود تکیه زد.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ.

خدا کسی است که آسمانها و زمین و هر چه را که بین آنهاست **در شش روز** آفرید
سپس بر تخت خود تکیه زد. (سجده، ۴)

آری خدای خیالی محمد حتی این شمارش ساده را نیز نتوانسته درست انجام دهد. البته شاید
نیز دلیلش فراموشکاری محمد بوده است زیرا کسی که رسالتش واقعا از سوی خداوند نباشد به
دلیل فراموش کردن حرفهای گذشته ی خود دچار تناقض گویی می شود.

توجیهات مفسرین

دکانداران دین برای این اشکال چهار توجیه ارائه کرده اند.

*توجیه اول:

منظور از روز (ایام) در آیات فوق مرحله است. یعنی خداوند جهان را در ۶ مرحله آفریده است.

رد توجیه اول:

این تفسیر هیچ تفاوتی به حال این موضوع نمی کند زیرا کلمه ایام را چه روز معنا کنیم و چه

مرحله، همین اشکال ریاضی بازهم وجود دارد. تعداد مراحل گفته شده در آیات (ق، ۳۸) (یونس، ۳) (اعراف، ۵۴) (حدید، ۴) و (فرقان، ۵۹) شش مرحله است ولی در سوره فصلت هشت مرحله، از این گذشته مگر کلمه مرحله خودش یک کلمه عربی نیست؟ اگر منظور قرآن مرحله بود خیلی راحت می توانست به جای اینکه بگوید فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ، بگوید فِي سِتَّةِ مَرَاجِلٍ. ضمنا برای کسی که می گوید $۳ + ۳$ می شود ۷ چه فرقی دارد که موضوع شمارش، سه عدد گلابی باشد یا سه عدد سیب؟ مگر با عوض کردن اسم تغییری در حاصل جمع ایجاد می شود؟

*توجیه دوّم:

منظور از روز (ایام) روزهای کره زمین نیست بلکه روزهایی است که حسابش نزد خود خداست.

رد توجیه دوّم:

باز هم فرقی به حال قضیه نمی کند زیرا ملاک آن چه روز ۲۴ ساعته زمین باشد و چه روزی که اندازه آن صدها هزار سال، به هر حال حاصل جمعی که در سوره فصلت به دست می آید با تعداد گفته شده در دیگر سوره ها متناقض است.

*توجیه سوّم:

عدد ۴ در آیه دهم با عدد ۲ در آیه نهم همزمان است. یعنی خلقت زمین در ۲ روز، همزمان بوده است با خلقت کوهها و رزق و روزیها در ۴ روز. یعنی آیه دهم حاصل جمع ۲ روز خلقت زمین با ۲ روز خلقت کوهها و رزق و روزیهاست.

رد توجیه سوّم:

نوع جمله بندی آیات هرگز این حرف را تأیید نمی کند. جدا نقل شدن این دو آیه از یکدیگر و وجود حرف «و» در اول آیه دهم خودش به طور واضح گویای این مطلب است که اول زمین

را در ۲ روز آفریده **سپس** کوهها و رزق و روزیها را در ۴ روز. بحث این آیات، زمانبندی پروژه خلقت است پس وجود حرف «و» در اول آیه دهم توضیحی است برای ترتیب زمانی خلقت زمین و خلقت رزق و روزیها. کسانی که چنین حرفهایی می زنند هرگز به این مسأله نمی اندیشند که اصلاً چه معنایی دارد خداوند روزهای خلقت را اینگونه جمع و تفریق کند تا امروز بین بندگان این همه بحث و جدل بر سر آن به وجود بیاید و باعث شک و تردید بشود؟ مگر نمی گویند این کتاب، کتاب فصاحت و بلاغت است؟ چیزی که فصاحت و بلاغت دارد باید حرفش کاملاً روشن و صریح باشد نه اینکه حتی در **بدیهی ترین مسأله دنیا** که ۲+۲ است دارای این همه ابهام و اختلاف باشد و گروهی را به جان گروهی دیگر بیندازد.

*توجیه چهارم:

دو روز اضافی که در سوره فصلت وجود دارد مربوط به شش روز خلقت جهان نیست بلکه مربوط به طبقه طبقه کردن آسمان به صورت هفت طبقه است. خداوند خلقت جهان شامل زمین و یک آسمان پر از ستاره را در شش روز اول تکمیل کرده سپس در روزهای هفتم و هشتم همین یک آسمان را به هفت قسمت تقسیم کرده مثل نمودار زیر:

تقسیم بندی آسمان در روزهای هفتم و هشتم

آسمان هفتم
آسمان ششم
آسمان پنجم
آسمان چهارم
آسمان سوم
آسمان دوم
آسمان اول

زمین 



رد توجیه چهارم:

منظور مفسرین از توجیه مذکور این است که روزهای هفتم و هشتم مربوط به خلقت جهان

نیستند زیرا این دو روز فقط زمان تقسیم بندی آسمان است نه خلقت آسمان. آسمان قبل از این دو روز یعنی داخل همان شش روز خلق شده است. تقسیم بندی یک چیز به هفت قسمت، جزو خلقت حساب نمی شود.

توجیه خوبی است ولی به دلایل زیر باطل است:

الف: در آیات مربوط به شش روز اول خلقت نه تنها هیچ خبری از خلقت آسمان نیست بلکه حتی اسمی از آسمان هم ذکر نشده. چیزی که در روزهای اول تا ششم خلق شده فقط زمین و موجودات داخل زمینند. هم خلقت آسمان و هم تقسیم کردن آن به هفت طبقه پس از اتمام این شش روز ذکر شده است.

<p>۶ روز اول</p>	<p>قُلْ أَنتُمْ لَكُمْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَتَعَلَّوْنَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ</p>
<p>روزهای هفتم و هشتم</p>	<p>ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ</p>

ب: بالفرض محال قبول کنیم روزهای هفتم و هشتم جزو شش روز خلقت جهان نیست و خلقت جهان در شش روز اول تکمیل شده است. ستارگان را کجای دلمان بگذاریم که خلقتشان پس از خلقت هفت آسمان ذکر شده؟ یعنی در روزهای هفتم و هشتم.

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

پس توجیه چهارم نیز کاملاً غلط است زیرا مطابق با خود آیات، شش روز اول خلقت فقط شامل کره زمین و مخلوقات داخل زمین است و هرگز شامل آسمانها علی الخصوص ستارگان و کهکشانهای بی نهایت که جزو اصلی خلقت خداست نمی شود.

مفسرین خواسته اند قضیه را با یک توجیه ساده فیصله دهند غافل از اینکه این لباس کهنه را از هر طرف که بدوزی سمت دیگرش پاره می شود. بنابراین تنها یک راه برای حل این تناقض

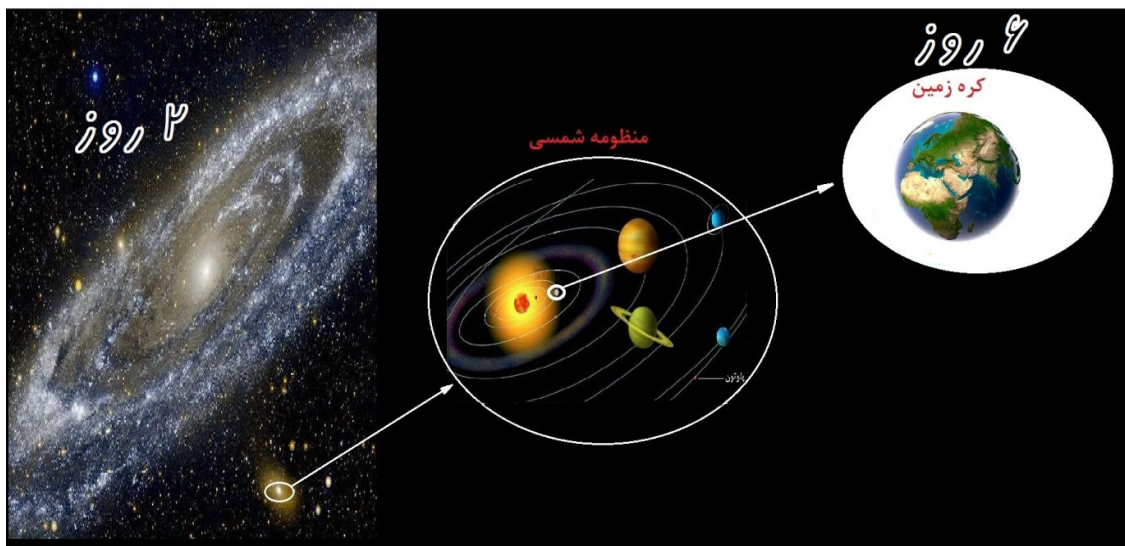
باقی می ماند و آن پذیرفتن اشتباه ریاضی محمد است که باید جمع روزهای خلقت را هشت روز می گفت ولی شش روز گفته است.

عدم تناسب زمان با موارد خلق شده

بیشترین زمان برای خلقت کوچکترین قسمت جهان (زمین: ۶ روز)

کمترین زمان برای خلقت بزرگترین قسمت جهان (هفت آسمان: ۲ روز)

کهکشان راه شیری یکی از میلیاردها کهکشان موجود در جهان



زمین به اتفاق تمام کوهها و موجوداتی که داخل آن است در مقایسه با آسمانهای بینهایت مانند دانه ریز انجیری است که در پهنه اقیانوس آرام افتاده و حتی این یک ذره نیز حساب نمی شود آن وقت خدایی که اقیانوس آرام را فقط در ۲ روز آفریده، خلقت این دانه انجیر ۶ روز برایش وقت بُرده. این موضوع نشان می دهد خدای دروغین محمد زمین را بزرگتر و پیچیده تر از آسمان تصور می کرده و از نسبت بزرگی و کوچکی آنها کاملاً بی خبر بوده است.

محکومیت اعجاز عددی از سوی خود مسلمین

خدای حکیم بسیار بعید است با مخاطبین خود از چنین طریقی ارتباط برقرار کند. خداوند در تفهیم و تفاهم با بندگانش همان راهی را طی می کند که بین عقلا جاری و مرسوم است و هرگز معما و کنایه به کار نمی برد. خدا اگر بخواهد امری را معماگونه بیان کند معمای او باید به گونه ای باشد که تا قیامت معما بماند. زیرا اگر بشر بتواند چیزی را که مشیت خدا به صورت معما درآورده کشف کند این نوعی نقص و ضعف برای خداوند خواهد بود چنانکه به نظر ما حروف مقطعه قرآن از این مقوله اند.

یعنی شواهد و قرائن نشان می دهد که خداوند می خواهد اینها در قالب رمز و معما باقی بمانند و یا تاریخ دقیق قیامت به تصریح خود قرآن از این مقوله است. این نکته که خداوند در تفهیم مقاصد خود از سیره عقلاییه تبعیت می کند، در یکی از فرمایشات امام صادق به آن تصریح شده است:

((ما کان الله لیخاطب خلقه بما لا یعقلون)). (وسائل الشیعه جلد ۱۲، ص ۲۴۳).

خداوند هرگز از طریقی که مردم نتوانند بفهمند با آنها سخن نمی گوید.

بر اساس این حدیث، تفسیرهای باطنی همه مردود است و اثبات تناسبهای عددی و نظم ریاضی در قرآن آن هم با عبور از راههای مارپیچ، یکی از شاخه های تفسیر باطنی است.

پس بسیار بعید است خداوند از آیه شریفه ((علیها تسعه عشر)) چیزی را بخواهد به ما تفهیم نماید که آقای رشاد خلیفه کشف کرده است. جمع این دو پارامتر جمع دو چیز غیرمتجانس است، مثل آنکه تعداد ستونهای مسجد جامع اصفهان را با تعداد روزهای هفته جمع نموده باشیم.

اشکال اساسی تر این است که چنین چیزی اثبات اعجاز قرآن نیست، زیرا به راحتی می توان کتابی نوشت و از آغاز بین ابواب و فصول و تعداد جملات آن چنین نظمی را جاسازی نمود. بنابراین این کشفیات ذره ای موجب گرایش منکران قرآن به قرآن نخواهد بود بلکه اینگونه دفاعیات غیرمنطقی و ضعیف، خود به خود موجب اعراض و بیزاری بیگانگان می شود.

نتیجه گیری از مطالب فصل

همانگونه که دیدید قرآن در ساده ترین جمع و تفریقهای ریاضی دارای اشکالاتی به این بزرگی است. خود آیه ها فریاد می زنند نویسنده قرآن کوچکترین مهارتی در ریاضیات ندارد ولی آقایان معجزه تراش سعی دارند به هر قیمتی که شده آن را معجزه ریاضی جلوه دهند.

مثلاً قرآن به فردی بیسواد و ابله می ماند که وقتی از او می پرسیم $2+2$ چند می شود پاسخ می دهد ۶ ولی آقایان معجزه تراش می گویند این فرد (قرآن) ریاضیدان برجسته ای است آنگاه از تعداد سرفه هایش، تعداد کروموزومهای مورچه را کشف می کنند زیرا یک روز وقتی به مورچه ها نگاه می کرد ۸ بار سرفه کرده بود.

پایان

التماس تفکر